



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



الغوى حیات زیبا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فاطمه سلام الله عليها الگوى حیات زیبا

نویسنده:

محمد جواد طبسی

ناشر چاپی:

محمد جواد مروجی طبسی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	فاطمه علیها سلام الگوی حیات زیبا
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	پیشگفتار
۱۲	میلاد نور
۱۵	شخصیت فاطمه از دیدگاه پیامبر
۲۱	فاطمه و ازدواج با علی
۲۱	فاطمه و ازدواج با علی
۲۲	تلاش یاران و خواستگاری علی علیه السلام
۲۳	خواستگاری علی علیه السلام از فاطمه علیها السلام
۲۵	چرا پیامبر صلی الله علیه و آله جواب رد می داد
۲۷	تعیین مهریه
۲۸	مقدار مهریه فاطمه علیها السلام زهرا
۳۰	توضیح و بررسی
۳۲	تأمین و تهیه جهیزیه
۳۳	صورت جهیزیه فاطمه علیها السلام
۳۶	آراستن فاطمه علیها السلام
۳۷	ولیمه عروسی علی و فاطمه علیها السلام
۳۸	از خانه پیامبر صلی الله علیه و آله تا خانه علی علیه السلام
۴۰	دست فاطمه علیها السلام در دست علی علیه السلام
۴۱	دعای ویژه برای فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام
۴۱	چشم اندازی به خانه فاطمه
۴۱	چشم اندازی به خانه فاطمه
۴۲	ویژگی های خانه فاطمه علیها السلام

۵۰	نگاهی دیگر
۵۱	سرنوشت خانه فاطمه علیهاالسلام
۵۲	فاطمه اسوه حیات زیبا
۵۲	فاطمه اسوه حیات زیبا -
۵۲	۱- تهجد و عبادت
۵۲	پیشتاز میدان عبادت و بندگی خدا
۵۳	الف (وجود فاطمه علیهاالسلام مملو از ایمان است -
۵۳	ب (سلام فرشتگان به فاطمه علیهاالسلام
۵۴	ج (منزلت خداوندی
۵۴	۲- ترس از روز قیامت
۵۶	۳- انس با قرآن کریم
۵۷	۴- دعا برای دیگران
۵۸	۵- احترام فوق العاده به پیامبر صلی الله علیه و آله
۵۹	۶- سبقت در اسلام
۵۹	۷- تحمل سختی های زندگی
۶۱	۸- پاسخ به پرسش های مذهبی
۶۳	۹- التزام به تعهدهای اخلاقی
۶۵	۱۰- خوشحالی از کم شدن بار مسئولیت
۶۶	۱۱- خدمت بی منت
۶۷	فاطمه الگوی حیا و عفاف
۶۷	فاطمه الگوی حیا و عفاف -
۶۸	فاطمه علیهاالسلام معدن حجب و حیا
۶۸	گفتگوی فاطمه علیهاالسلام و درخواست از اسماء
۶۹	نمونه ای دیگر از حیا فاطمه
۷۰	فاطمه علیهاالسلام مظهر عفاف و حجاب
۷۲	درسی دیگر از فاطمه علیهاالسلام

۷۳	سیمای فاطمه در روز قیامت
۷۳	سیمای فاطمه در روز قیامت
۷۳	کیفیت برانگیخته شدن
۷۴	حضور فاطمه علیهاالسلام در میان مردم
۷۶	منبری از نور برای فاطمه علیهاالسلام
۷۶	شکایت در دادگاه عدل الهی
۷۷	دیدار حسن و حسین
۷۸	شفاعت برای دوستان اهل بیت
۷۹	شفاعت دوستان فاطمه علیهاالسلام از دیگران
۸۰	به سوی بهشت
۸۰	استقبال حوریان بهشتی
۸۱	اولین سخن فاطمه علیهاالسلام در بهشت
۸۱	نورانی شدن بهشت از نور فاطمه
۸۲	زیارت انبیا از فاطمه علیهاالسلام در بهشت
۸۲	عنايات خداوند به فاطمه علیهاالسلام در بهشت
۸۲	۱- خانه های بهشتی
۸۲	۲- همنشینی با پیامبر صلی الله علیه و آله
۸۲	۳- درجه وسیله
۸۴	۴- سکونت در حظیره القدس
۸۵	۵- بخشیدن چشمه تسنیم به فاطمه علیهاالسلام
۸۵	فاطمه و نقل حدیث از پیامبر
۸۵	فاطمه و نقل حدیث از پیامبر
۸۶	فاطمه علیهاالسلام مخزن اسرار پیامبر
۸۸	اهتمام فاطمه علیهاالسلام نسبت به احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله
۸۹	چرا از فاطمه احادیث کمی بر جای مانده؟
۹۰	راویان حدیث از حضرت فاطمه علیهاالسلام

- گلابه ای از مسند نویسان و سخنی با احمد ۹۱
- مسند است یا کتاب فضایل ؟ ۹۲
- گسترش فرهنگ کوثر به وسیله معصومین علیهم السلام ۹۴
- بررسی حوادث هجوم به خانه فاطمه ۹۴
- بررسی حوادث هجوم به خانه فاطمه ۹۴
- پیشگویی پیامبر درباره فاطمه ۹۵
- چرا به خانه فاطمه علیها السلام هجوم آوردند ؟ ۹۶
- آغاز ماجرا ۹۷
- و این بار فاطمه سخن گفت ۹۹
- تعداد مهاجمین ۱۰۰
- آیا درب خانه فاطمه علیها السلام را سوزاندند ۱۰۲
- سوزاندن درب خانه در منابع شیعه ۱۰۲
- آیا فاطمه هم آسیب دید ؟ ۱۰۴
- آسیب های حضرت زهرا علیها السلام ۱۰۴
- الف (فشار بین در و دیوار ۱۰۴
- ب (شکسته شدن پهلوی فاطمه علیها السلام ۱۰۴
- ج (سیلی خوردن فاطمه علیها السلام ۱۰۵
- د) آسیب دیدن بازوی فاطمه علیها السلام ۱۰۵
- ه (سقط جنین ۱۰۶
- بررسی جریان سقط در منابع شیعه ۱۰۷
- چند پرسش و پاسخ ۱۰۹
- سؤال اول : آیا به موقع حمله شخص دیگری در خانه بوده است ؟ ۱۰۹
- سؤال دوم : برخورد علی با مهاجمین چه بوده است ؟ ۱۱۰
- سؤال سوم : سزای عاملان این جنایت هولناک چیست ؟ ۱۱۲
- دفاع جانانه از حریم ولایت ۱۱۴
- دفاع جانانه از حریم ولایت ۱۱۴

- ۱- نقل روایت درباره جانشینی علی علیه السلام ۱۱۵
- ۲- یاد آوری ماجرای غدیر خم ۱۱۵
- ۳- گام در گام علی علیه السلام در مجالس انصار ۱۱۶
- ۴- فریاد بر حریم شکنان ۱۱۷
- ۵- دفاع از علی علیه السلام و شلاق قنفذ ۱۱۸
- ۶- حفاظت از جان امام ۱۱۸
- ۷- سکوت فاطمه علیهاالسلام برای حفظ اسلام ۱۱۹
- ۸- رد بیعت ابوبکر ۱۲۰
- ۹- انتقاد شدید از زنان مهاجر و انصار ۱۲۲
- شهادت حضرت فاطمه ۱۲۵
- شهادت حضرت فاطمه ۱۲۵
- سال روز شهادت ۱۲۸
- درباره مرکز ۱۳۰

مشخصات کتاب

سرشناسه: طبسی محمدجواد، - ۱۳۳۱

عنوان و نام پدیدآور: فاطمه علیهاالسلام الگوی حیات زیبا/ محمدجواد مروجی طبسی مشخصات نشر: قم محمدجواد مروجی طبسی ۱۳۸۰.

مشخصات ظاهری: ص ۱۴۳

شابک: ۹۶۴-۳۷۱-۰۵۷-۲۷۰۰۰-۲۷۰۰۰ ریال؛ ۹۶۴-۳۷۱-۰۵۷-۲۷۰۰۰-۲۷۰۰۰ ریال وضعیت فهرست نویسی: فهرستنویسی قبلی یادداشت: پشت جلد به انگلیسی Mohammad Javad Moraveji Tabasi. Fateme (S. A.); The model of beautiful life = olguye hayate Ziba.

یادداشت: کتابنامه ص [۱۳۹] - ۱۴۳؛ همچنین به صورت زیرنویس موضوع: فاطمه زهرا(س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق -- سرگذشتنامه موضوع: فاطمه زهرا(س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق -- فضایل رده بندی کنگره: BP۲۷/۲/ط۲ف ۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۳

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۰-۲۳۷۶۲

ص: ۱

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

در نظام هستی و عالم خلقت آنقدر مسایل اسرارآمیز وجود دارد که یقیناً بشر، با همه اطلاعاتی که از جهان دارد، هرگز به ژرفای آن پی نخواهد برد.

از جمله آن مسایل وجود چهارده معصوم است که خداوند آنها را به عنوان هدیه و نعمت بر انسان ارزانی داشته است و در بین این چهارده معصوم یک زن به نام فاطمه علیهاالسلام نیز قرار داده است.

راستی این چه سری است که در بین چهارده معصوم یک زن وجود دارد که یازده امام از نسل اویند!

و راستی فاطمه کیست!؟

فاطمه علیهاالسلام الگوی معرفت الله است . . .

صفات و اسماء الهی ، در فاطمه این جلوه ذات اقدس حق نمود و ظهور تام یافته است ؛

فاطمه علیهاالسلام اسوه حیات زیباست . . .

فاطمه

ص: ۱

انسان کامل است و الگویی است برای تکامل . . .

فاطمه علیهاالسلام نه فقط هدایت گری است در مسیر کمال بلکه به مقصد رساننده است ؛ چرا که دارای فضایی است که انبیا آنها را داشته اند . . . دارای فضایل رسول الله است و به فرموده برخی از بزرگان : فاطمه علیهاالسلام اگر مرد بود ، پیامبر بود .

..

راستی فاطمه علیهاالسلام را با چه کسی باید مقایسه کرد ؟

با انبیا ، که برتر از انبیاست . . .

فاطمه علیهاالسلام را می بایست تنها با خاتم انبیا و تنها باید با دیگر معصومین قیاس کرد و بس .

فاطمه علیهاالسلام کیست که در هنگام نماز در پیشگاه معبود ، خدا به وجودش افتخار می کند و چه گوهر ناشناخته ایست که رضا و خشم خود را در رضا و خشم وی می داند !

فاطمه علیهاالسلام ليله القدر است و شناخت فاطمه علیهاالسلام در شناخت ليله القدر است .

در این بانوی بزرگ چه اسراری نهفته است که چنین جایگاهی در نزد خداوند دارد ؟

آری . . . بدون شك از شناخت مقام عصمت و ولایت فاطمه علیهاالسلام عاجزیم ! تنها به اندازه توان خود به گردآوری احادیثی چند پیرامون زندگانی و شخصیت او پرداخته ایم ، که به نام نامی یازده فرزندش در یازده بخش تنظیم گردیده و بدین وسیله نقدیم خوانندگان گرامی می شود .

به امید آن که فردای قیامت مشمول شفاعت حضرتش شویم . . .

قم حوزه علمیه

محمد جواد مروجی طبسی

۲۳/۶/۱۳۸۰

میلاذ نور

مدت ها بود که زنان عرب از خدیجه همسر گرامی

ص: ۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله به خاطر ازدواج با آن حضرت ، فاصله گرفته بودند .

هاله ای از غم و اندوه او را گرفته بود و در خانه هیچ مونسى نداشت تا در نبود پیامبر صلی الله علیه و آله با او انس بگیرد که ناگه سکوت مطلق شکسته شده و جنین با مادر خود سخن گفته و دلداریش می دهد . این همانند که در این مدت با مادر خود چه می گفت و چه می شنید زیرا تاریخ به درستی از این گفتگوهای اسرارآمیز پرده برداشته چرا که مادر مؤمنان آن را در هاله ای از ابهام گذارد . راستی این جنین کیست و حقیقت او چیست که ماهها با مادر سخن می گوید و او آنها را از پیامبر صلی الله علیه و آله کتمان می کند .

نوشته اند روزی پیامبر صلی الله علیه و آله وارد خانه شد شنید که خدیجه با کسی سخن می گوید ! از روی تعجب پرسید : ای خدیجه ! با که سخن می گویی ؟ !

گفت : با این جنین که در شکم دارم ، اوست که با من سخن می گوید و مایه انس من شده است .

پیامبر فرمود : ای خدیجه بدان این جبرئیل است که به من می گوید : این جنین دختر است و خداوند نسل مرا از او قرار داده و از نسلش امامانی به عنوان جانشین من معین خواهد کرد . (۱)

آری ؛ جهان در انتظار مقدم عالی ترین نمونه زن بود که تاکنون به خود ندیده بود ، که با میلادش

ص: ۳

برای زنان عالم هستی ، الگو و اسوه قرار گیرد .

و اینک . . . نزدیک زایمان خدیجه شده ، از زنان عرب درخواست کمک کرد ، اما آنها از روی کینه و دشمنی که با وی داشتند پاسخ منفی دادند و از هر گونه کمک امتناع ورزیدند .

او در این فکر بود که چه کند و چه کسی در این مشکل به کمکش می شتابد . . . ناگهان حضور چهار زن بلند بالای سیاه چهره را که گویا از زنان بنی هاشم بوده باشند ، در خانه احساس نمود .

خدیجه از دیدن آنها لرزه بر اندامش افتاد چرا که تا کنون آنها را ندیده بود . . . یکی از آنها گفت : ای خدیجه ! غم مخور؛ چرا که ما فرستادگان پروردگار تو می باشیم ما خواهران تو هستیم . من ساره و این آسیه دختر مزاحم و آن مریم و آن یکی کلثم خواهر موسی بن عمران است . خدای ما را فرستاد تا در امر زایمان تو را یاری نماییم .

این چهار زن در طرف راست و چپ و پیش رو و پشت سر خدیجه قرار گرفتند ، لحظاتی چند این مولود با سعادت قدم به عرصه گیتی نهاد . . . آن مولود فاطمه بود . . . او بدنیا آمد تا زمین را نورانی کند ، پس از آن که آسمانها را از نور خود منور ساخته بود .

از این روی به هنگام ولادت فاطمه نوری از وجودش پدیدار شد که تمام خانه های مکه را در هاله ای از نور فرو برد

و در شرق و غرب عالم هستی جایی نبود که نور فاطمه در آن جا نتابیده باشد .

فاطمه علیهاالسلام را با کوثر شستشو داده و در دو پارچه سفید پیچیده و از او خواستند تا سخن گوید .

فاطمه به اراده پروردگار ، لب به سخن گشوده و رسالت و پیامبری محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و ولایت علی علیه السلام و امامت یازده فرزندش را گواهی داد . (۱)

مورخان سال روز میلاد با سعادت فاطمه را بیستم ماه جمادی امثالی سال پنجم بعثت نگاشته اند .

مرحوم مفید درباره این روز مبارک می نویسد : روز بیستم ماه جمادی الاخر روزی است که فاطمه زهرا علیهاالسلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله متولد گردید و آن روزی است که همه ساله شادی و سرور مؤمنین تجدید می شود ، از این روی مستحب است که در روز میلاد فاطمه علیهاالسلام کارهای نیک انجام پذیرد و صدقه به فقراء و مساکین داده شود . (۲)

شخصیت فاطمه از دیدگاه پیامبر

شأن و منزلت فاطمه زهرا علیهاالسلام را همین بس که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره اش زیباترین سخنان را بیان فرموده که درباره هیچ یک از زنان عالم چنین چیزی نفرموده حتی درباره همسر و سایر دختران خود .

اینک از میان دهها روایتی که درباره این شخصیت بی نظیر نقل گردیده به چند روایت بسنده کرده سپس به نکاتی در این جهت اشاره ای خواهیم داشت :

۱- فاطمه علیهاالسلام پاره تن پیامبر

بخاری در صحیح خود از ولید از ابن عیینه از عمر بن دینار از ابی ملیکه از مسور

ص: ۵

۱-۲- الخرایج و الجرایج ، ج ۲ ، ص ۵۲۴ .

۲-۳- مسار الشیعه ، ص ۳۱

بن مخرمه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: فاطمه بضعه منی فمن اء غضبها اء غضبني ؛ فاطمه علیها السلام پاره تن من است هر که او را به خشم آورد مرا به خشم آورده است. (۱)

۲- فاطمه علیها السلام قلب پیامبر

حسن بن سلیمان در کتاب محتضر از تفسیر ثعلبی از مجاهد از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که روزی آن حضرت از خانه بیرون آمد و در حالی که دست فاطمه علیها السلام را گرفته بود، چنین فرمود: هر که این را می شناسد که شناخته است و هر که وی را نمی شناسد بداند: این فاطمه علیها السلام دختر محمد است و او پاره تن من می باشد، او قلب من است که در بین دو پهلوی من قرار گرفته است؛ پس هر که او را آزار دهد مرا آزار داده و هر که مرا آزار دهد خدای را آزار داده است.

(۲)

۳- فاطمه علیها السلام تار موی پیامبر

جابر بن عبدالله گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: فاطمه علیها السلام شعره منی؛ فمن آذی شعره منی، فقد آذانی فقد آذی الله و من آذی الله لعنه الله ملاء السموات و الارض. (۳)

فاطمه علیها السلام تار موی من است و هر که به تارهای من آزار برساند مرا آزار رسانده و هر که مرا آزار رساند خدا را آزار رسانده است و هر که خدا را آزار برساند، خداوند به اندازه آسمان ها و زمین او را لعنت خواهد کرد.

۴- فاطمه نور چشم پیامبر

ابن فتال

ص: ۶

۱-۴- صحیح بخاری ج ۲، ص ۳۰۲، حلیه الاءولیاء، ج ۲، ص ۴۰، تهذیب التهذیب، ج ۱۲، ص ۴۶۹.

۲-۵- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۸۰.

۳-۶- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۸۰.

نیشابوری ضمن حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آورده است که به علی علیه السلام فرمود: یا علی، آن فاطمه علیها السلام بضعه منی و هی نور عینی و ثمره فؤادی. علی جان؛ فاطمه علیها السلام پاره تن من و نور چشم و میوه دلم می باشد. (۱)

۵- فاطمه علیها السلام مایه سرور پیامبر

امام حسین علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمود: فاطمه علیها السلام بهجه قلبی و ابناها ثمره فؤادی و بعلها نور بصری؛ فاطمه علیها السلام مایه سرور و خوشحالی من می باشد، همچنین دو فرزندش میوه دلم و همسرش نور چشم من می باشد. (۲)

۶- فاطمه برتر از آسمانها و زمین

و در حدیثی دیگر درباره خلقت فاطمه علیها السلام فرمود: پس خداوند از نور دخترم فاطمه علیها السلام آسمانها و زمین را آفرید، پس آسمانها و زمین از نور دخترم فاطمه علیها السلام است و نور دخترم فاطمه علیها السلام از نور پروردگار است و دخترم فاطمه علیها السلام برتر از آسمانها و زمین است. (۳)

۷- فاطمه برگزیده خداوند

خطیب بغدادی ضمن اشاره به معراج پیامبر صلی الله علیه و آله از آن حضرت چنین روایت کرده که فرمود: همان شبی که مرا به آسمان بردند دیدم که بر درب بهشت چنین نوشته بود: لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی حبیب الله، و الحسن و الحسين صفوه الله، فاطمه علیها السلام خیره الله و علی باغضهم لعنه الله (۴)

۸- فاطمه یکی از حجت های خدا

طبری در بشاره المصطفی به سند خود از امام

ص: ۷

۱- ۷- روضه الواعظین، ص ۱۵۰.

۲- ۸- مقتل الحسين خوارزمی، ج ۱، ص ۵۹.

۳- ۹- بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۱۰.

۴- ۱۰- تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۵۹.

زین از پدرش از امیر مؤمنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: انا و علی و فاطمه علیها السلام و الحسن و الحسین و تسعه من ولد الحسین حجج الله علی اعداءنا اعداء الله و اولیاءنا اولیاء الله؛ من و علی و فاطمه علیها السلام و حسن و حسین و نه فرزند از فرزندان حسین حجت های خداوند بر بندگان او هستیم، دشمنان ما دشمنان خدا و دوستان ما دوستان خدا هستند. (۱)

۹- فاطمه بهترین زنان امت

انس بن مالک از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: بهترین زنان امت فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله است (۲)

۱۰- برترین زنان اولین و آخرین

و در روایت دیگری که از پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده چنین آمده: مردان عالم در زمان من علی است و برترین زنان اولین و آخرین فاطمه علیها السلام است. (۳)

۱۱- اگر تمام خوبی ها مجسم شود

هم چنین درباره شخصیت بی مانند فاطمه علیها السلام فرمود: ولو کان الحسن شخصا لکان فاطمه علیها السلام بل هی اعظم؛ اگر تمام خوبی ها و فضایل اخلاقی مجسم شود، شایسته است که فاطمه علیها السلام باشد؛ بلکه فاطمه علیها السلام والاتر از همه آنها می باشد. (۴)

۱۲- فاطمه مریم کبری است

و از جمله بیانات و سفارش هایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال احتضار به علی داشت این بود؛ علی جان؛ فاطمه علیها السلام امانت خدا و رسولش در نزد تو می باشد، پس از این امانت خوب نگهداری کن و می دانم که

ص: ۸

۱- ۱۱- بشاره المصطفی، ص ۲۴.

۲- ۱۲- احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۱۱۵.

۳- ۱۳- همان، ج ۲۵، ص ۳۷.

۴- ۱۴- مقتل الحسین خوارزمی، ج ۱، ص ۶۰.

چنین خواهی کرد ، بدان که او مریم کبری است . (۱)

۱۳- عزیزترین مردم نزد پیامبر

شیخ طوسی به سند خود از عبدالله بن حارث بن نوفل نقل کرده که گفت از سعد بن مالک شنیدم که می گفت : از رسول خدا شنیدم که می فرمود : فاطمه علیهاالسلام بضعه منی من سرها فقد سرنی و من ساءها فقد ساءنی ، فاطمه علیهاالسلام اءعز البریه علی ؛ فاطمه علیهاالسلام پاره تن من است هر که او را خشنود کند مرا خشنود کرده و هر که او را آزار دهد مرا آزار داده فاطمه علیهاالسلام عزیزترین مردم نزد من می باشد . (۲)

۱۴- محبوب ترین مردم

علامه مجلسی از برخی کتابهای مناقب به سند خود از اسامه نقل کرده که گفت : روزی در مسجد به علی و عباس گذر کردم در حالی که به بحث نشسته بودند ، چون مرا دیدند از من خواستند که از پیامبر صلی الله علیه و آله برای شان اجازه ملاقات بگیرم .

گوید : به رسول خدا عرض کردم : این علی و عباس هستند که اجازه ملاقات می خواهند .

حضرت فرمود : آیا می دانی چه چیزی آنها را به این جا آورده است ؟

گفتم : به خدا سوگند که نمی دانم .

فرمود : اما من می دانم برای چه به این جا آمده اند و سپس اجازه ورود به آنها داد .

پس آن دو وارد شده و پس از سلام و ادای احترام در محضرش نشسته و اظهار داشتند ای رسول خدا کدام یک از افراد خانواده ات در نزد تو محبوب تر هستند

ص : ۹

۱- ۱۵- فاطمه الزهراء، ص ۵۸.

۲- ۱۶- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۳.

؟ پیامبر پاسخ داد : فاطمه . (۱)

اما نکاتی که از روایات گذشته به دست می آید به چند نکته خلاصه می شود : ۱ . پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله عنایت ویژه ای بر تبیین شخصیت فاطمه علیهاالسلام و معرفی او و جایگاه والایش داشتند بدین جهت با بردن فاطمه علیهاالسلام در جمع صحابه و گرفتن دست او به معرفی دختر خود پرداخته ، و او را پاره تن و قلب و تار موی و نور چشم و میوه دل خود دانسته که این مسئله بسیار مهم و قابل مطالعه است .

۲ . از روایات گذشته و ده ها روایت دیگر به دست می آید که فاطمه علیهاالسلام برتر از زنان تمام زنان عالم خلقت می باشد و هیچ یک از آنها در فضیلت و بلندی مرتبه به او نمی رسند ، حتی مریم مادر حضرت عیسی ، و این سخن از پیامبر صلی الله علیه و آله در شءان و مقام فاطمه بهترین پاسخ برای یاوه گویی برخی از ناآگاهان و یا غرض ورزان به مقام والای فاطمه علیهاالسلام است که گاهی از روی ناآگاهی و یا غرض ورزی می گویند ، فاطمه علیهاالسلام همانند یکی از زنان عادی است .

بسی جای تعجب است مگر زنان عادی در زمان پیامبر نبودند ؟ پس چرا این سخنان ارزشمند را درباره یکی از آنها نفرمود و چرا آن همه بر شخصیت فاطمه علیهاالسلام تکیه کرد .

۳ . هیچ گاه از سفارش نسبت به فاطمه علیهاالسلام دریغ نورزیده و پیوسته امت اسلامی را به احترام از وی و رعایت حق او

ص : ۱۰

فرا می خواند .

۴ . نکته پنجم این است که هر جا سخن از فاطمه علیهاالسلام به میان می آورد مسلمانان را به دوستی او و اهل بیت محترمش فرا خوانده و از دشمنی با آنها سخت بر حذر می داشت .

فاطمه و ازدواج با علی

فاطمه و ازدواج با علی

آن روزی که فاطمه علیهاالسلام به همراه علی و سایر فاطمیات مکه را به قصد مدینه ترک گفته و وارد مدینه شد ، درخواست های مکرری از پیامبر صلی الله علیه و آله شده و خواستگاران فراوانی برای وی آمدند ، اما آن حضرت همه آن ها را رد کرد .

ابن شهر آشوب می نویسد : ابوبکر و عمر هر یک چند مرتبه از پیامبر صلی الله علیه و آله در خواست ازدواج با فاطمه علیهاالسلام دخت پیامبر صلی الله علیه و آله را داشتند ولی پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را رد می کرد . (۱)

روزی آن دو به نزد عبدالرحمن بن عوف که مردی ثروتمند بود ، رفته و اظهار داشتند اموال و ثروت تو از همه قریشیان بیشتر است و اگر چنان چه به خواستگاری دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله بروی بر مال و ثروت و آبرویت افزوده خواهد شد ! او نیز به نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفت تا چنین درخواستی از او بنماید اما باز هم مورد اعتراض قرار گرفت . (۲)

نوشته اند : او ضمن خواستگاری از فاطمه علیهاالسلام مهر زیادی را مطرح کرد ، اما پیامبر صلی الله علیه و آله سخت عصبانی شده و به نشانه اعتراض بر این سخن ، سنگ ریزه ای را برداشته ناگهان همان

ص: ۱۱

۱-۱۸- مناقب آل اءبی طالب ، ج ۳، ص ۳۴۵.

۲-۱۹- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۱۴۰.

سنگ در دستش شروع به گفتن تسبیح کرد، سپس آن سنگ را در دامن خود انداخت که در دم تبدیل به در و مرجان شد.

(۱)

تلاش یاران و خواستگاری علی علیه السلام

برخی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله از سخنان آن حضرت در مورد فاطمه علیهاالسلام که اختیارش در دست پروردگار می باشد، چنین دریافتند که شاید نظر پیامبر صلی الله علیه و آله به علی باشد، و علت این که علی دست به این کار نزده ممکن است فقر و تنگدستی بوده باشد.

از این رو ابوبکر به نزد سعد بن معاذ رفته و اظهار داشت آیا دوست دارید تا به نزد علی رفته و از او درخواست کنیم تا از فاطمه علیهاالسلام خواستگاری کند و اگر چنان چه دستش خالی بود او را کمک کنیم؟ با اظهار موافقت سعد و استقبال از این پیشنهاد هر سه به سراغ علی رفته و او را در باغ یکی از انصار در حال کشیدن آب از چاه یافتند.

چون نگاه علی علیه السلام به آن ها افتاد از روی تعجب پرسید: خبر تازه ای هست؟ برای چه به این جا آمده اید؟ ابوبکر گفت: ای ابوالحسن هیچ خصلت خوبی نیست مگر آن که در تو بوده باشد و جایگاه خودت را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بهتر از ما می دانی؟ مقصود ما از آمدن به سوی تو این است که می بینیم اشراف و بزرگان قریش برای خواستگاری دخت پیامبر صلی الله علیه و آله خدمت آن حضرت رفته اند، اما پاسخ رد

ص: ۱۲

شنیده اند و می گوید اختیار فاطمه علیهاالسلام در دست خدایش می باشد . علی جان چرا به نزد او نمی روی و فاطمه علیهاالسلام را خواستگاری نمی کنی امید این است که خداوند فاطمه علیهاالسلام را برای تو نگه داشته باشد .

گوید : چشمان علی پر از اشک شد و فرمود : ای ابوبکر مرا به یاد چیزی انداختی که تا کنون در فکر آن نبودم ؛ بخدا قسم ، من فاطمه علیهاالسلام را می خواهم و من کسی نیستم که از مثل فاطمه دخت پیامبر صرف نظر کنم و هیچ چیز جز تنگدستی تا کنون مانع این کار نشده و آن گاه دست از کشیدن آب برداشته ، به طرف خانه پیامبر صلی الله علیه و آله حرکت کرد .

خواستگاری علی علیه السلام از فاطمه علیهاالسلام

علی به طرف حجره ام سلمه که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن روز در آن جا بود رفته ، درب را کوبید . پیامبر صلی الله علیه و آله به ام سلمه فرمود : علی علیه السلام آمده است ، درب را باز کن تا وارد شود . امام علیه السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد گشته و پس از سلام به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله در حالیکه سر خود را به پایین انداخته بود ، لحظاتی نشست و همانند کسی که برای کاری آمده ولی شرم از اظهار آن را دارد ، به زمین خیره شده چیزی نمی گوید .

ام سلمه گوید : پیامبر صلی الله علیه و آله دانست که در قلب علی علیه السلام چه گذشته و چه

می گذرد . از این رو فرمود : ای ابوالحسن گویا می بینم برای کاری آمده ای ! هر چه می خواهی بگو که برایت انجام خواهم داد .

علی علیه السلام فرمود : پدر و مادرم به فدای تو ای رسول خدا ، تو خود بهتر می دانی که خودت مرا از عمویت ابو طالب و از خانه فاطمه بنت اسد گرفتی در حالی که من کودکی بیش نبودم ، مرا به غذای روحیت تغذیه کردی و به آداب تاءدیب نمودی و در نزد من از نظر شفقت و مهربانی از پدر و مادرم برتر بودی ، خداوند مرا بر دست تو هدایت فرمود . . . اینک دوست دارم حال که خداوند بازوی مرا به وسیله تو محکم گردانیده ، خانه و زندگی و همسری داشته باشم که در کنارش آرامش داشته باشم .

و من بدین جهت این جا آمده ام تا فاطمه علیها السلام را از تو خواستگاری کنم . آیا او را به من تزویج می کنی ؟ ام سلمه گوید : دیدم که چهره پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار شادمان گشته و تبسمی در چهره علی کرد . . . (۱)

شیخ طوسی در امالی از علی علیه السلام روایت کرده وقتی که خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله سابقه و قرابت و خویشی خود را گفتم حضرت فرمود ، یا علی ؛ راست گفتی ، تو برتر از آن هستی که ذکر شود .

گوید : عرض کردم ای رسول خدا آیا فاطمه علیها السلام را به من تزویج می کنی ؟ پیامبر پاسخ داد : پیش از

ص: ۱۴

تو دیگران آمدند و من به او پیشنهاد دادم اما در هر مرتبه نشان از رضایت در چهره او ندیدم لیک اندکی تو صبر کن تا به نزد او رفته و بازگردم .

سپس از جای برخاسته و بر فاطمه علیهاالسلام وارد شد ، حضرت زهرا علیهاالسلام به احترام پدر از جای برخاسته و عبا از دوش پیامبر گرفته و نعلین از پایش در آورد . آنگاه مقداری آب وضو آورده و دست و پای پیامبر را شستشو داده و در محضرش نشست .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : فاطمه علیهاالسلام جان ، عرض کرد لبیک لبیک ای رسول خدا ؟ پیامبر فرمود : علی بن ابی طالب را که خوب می شناسی ، از نظر سوابق و خویشی و تقدم در اسلام و . . . من از خداوند خواسته ام که پروردگارم تو را به بهترین بندگان خود تزویج کند . . . حال علی آمده و تو را از من خواستگاری کرده است . نظر تو چیست ؟ فاطمه علیهاالسلام سکوت کرده و در چهره اش آثار رضایت پیدا شد .

اینجا بود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از جای برخاسته و در حالی که می فرمود : الله اکبر ! سکوت فاطمه علیهاالسلام نشانه رضایت اوست ، از نزد او بیرون رفت . (۱)

چرا پیامبر صلی الله علیه و آله جواب رد می داد

در این که چرا رسول خدا صلی الله علیه و آله به خواستگاران فاطمه علیهاالسلام پاسخ منفی می داد عللی برای آن گفته شده است : (۱) در ابتدای ورود فاطمه علیهاالسلام به مدینه هنوز او به حد تکلیف شرعی نرسیده

ص: ۱۵

بود، زیرا با در نظر گرفتن این که وی در سال پنجم (۱) بعثت به دنیا آمده است و پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۳ سال که از بعثت گذشت به مدینه هجرت فرمود فاطمه علیها السلام در آن سال ۸ سال داشت؛ بدین جهت پیامبر خواستگاران را رد می کرده چون فاطمه علیها السلام به حد بلوغ نرسیده بود. (۲)

(۲) و در برخی روایات آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ خواستگاران اظهار می داشت: من همانند شما بشر هستم و از شما زن گرفته و زن می دهم، مگر فاطمه علیها السلام را که اختیارش در دست پروردگار است. (۳)

(۳) چون خواستگاران همشاهان فاطمه علیها السلام نبودند، چنانچه علامه مجلسی از عیون اخبار الرضا از امام رضا علیه السلام از پدرانش از علی علیه السلام نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: یا علی علیه السلام بزرگانی از قریش درباره فاطمه علیها السلام به من گله کردند که ما او را از تو خواستگاری کردیم ولی بر ما دریغ نموده اما او را به علی علیه السلام تزویج کردی. من به آنها گفتم: به خدا سوگند این من نبودم که از شما جلوگیری کرده و به علی تزویج کرده باشم بلکه این خداوند بود که دستور به چنین کاری داده است.

این جا بود که جبرئیل بر من نازل گشته و گفت: ای محمد خدای جل و علا می گوید اگر علی را خلقت نکرده بودم هرگز برای دخترت فاطمه علیها السلام همشاهانی روی زمین پیدا نمی شد، از آدم

ص: ۱۶

۱- ۲۳- تاریخ الائمة، ص ۶.

۲- ۲۴- مناقب آل اءبی طالب، ج ۳، ص ۳۶۵.

۳- ۲۵- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۴۵ به نقل از کافی.

گرفته تا سایر مردم . (۱)

و در گفتگویی که آن حضرت با ام‌ایمن داشت باز پیامبر روی هم‌شآن بودن علی علیه‌السلام تکیه کرده و فرمود : اءما و الله . یا ام‌ایمن لقد زوجتها كفوا شريفا و جیها فی الدنيا و الاخره و من المقربین . ای ام‌ایمن آگاه باش که من دخترم فاطمه علیها‌السلام را به کفو و هم‌شآن شرافتمندی شوهر دادم که در دنیا و آخرت صاحب جاه و مقام و منزلتی بوده و از مقربین است . (۲)

تعیین مهریه

پس از خواستگاری علی علیه‌السلام از فاطمه علیها‌السلام و پذیرفتن وی و استقبال پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌از این وصلت فرمود : اگر فاطمه علیها‌السلام را به تو تزویج کنم چه چیزی را صداق او خواهی کرد ؟ علی گفت یا رسول‌الله : شمشیر و اسب و زره و شترم را مهر او خواهم نمود .

پیامبر فرمود : اما شتر و شمشیر و اسب را نگه دار ، زیرا تو رزمنده هستی و از این سه چیز بی نیاز نمی باشی ، و اما زره را چندان نیازی به آن نداری و فقط همان را به عنوان مهریه برای فاطمه علیها‌السلام قرار ده . (۳)

سپس به علی فرمود : ای ابالحسن حال بر خیز و زره خود را به فروش رسانده و پول آن را نزد من بیاور تا آن چه را که مناسب حال شماست تهیه کنم .

امام علی علیه‌السلام گوید : بدین منظور از محضر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بیرون آمده و زره را به چهار درهم سیاه هجری (۴) به عثمان بن

ص: ۱۷

۱- ۲۶- همان ، ج ۴۳ ، ص ۹۲.

۲- ۲۷- همان ، ص ۱۰۵.

۳- ۲۸- کشف الغمه ، ج ۱ ، ص ۳۷۹.

۴- ۲۹- هجر یکی از روستاهای اطراف شهر مدینه است . (معجم البلدان ، ج ۵ ، ص ۳۹۳).

عفان فروختم ، وقتی که زره تحویل او داده و پولش را گرفتم ، عثمان ضمن برگرداندن زره گفت : ای ابوالحسن تو به این زره سزاوارتر از من هستی .

عرض کردم : آری ، او گفت : این زره را من به تو هدیه کردم . علی گوید : پس زره و پولش را برداشته و در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دادم . (۱)

مقدار مهریه فاطمه علیهاالسلام زهرا

در بین مورخان اختلاف هست که مقدار مهریه فاطمه چقدر بوده است ؛ زیرا برخی آورده اند که فقط زره بوده (۲) و برخی دیگر علاوه بر زره به چند چیز دیگر اشاره نموده اند و دسته سوم مبلغ مهریه فاطمه علیهاالسلام را به سکه نقره رایج آن زمان گفته اند .

اینک به خلاصه و بررسی این نظریات می پردازیم :

الف (زره حطمیه (۳)

امام صادق علیه السلام فرمود : زوج رسول الله صلی الله علیه و آله علیا علیه السلام فاطمه علیهاالسلام علی درع له حطمیه تسوی ثلاثین درهما ؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیهاالسلام را به یک زره حطمیه که ارزش آن به ۳۰ درهم می رسید تزویج کرد . (۴)

ب (زره و چند چیز دیگر

و در روایت دیگری مهریه فاطمه علیهاالسلام را علاوه بر یک زره ، یک زیر انداز پوستی و یک پیراهن کهنه که از جنس برد بود می دانند . چنان چه عبدالله بن یعفر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود : ان علیا تزوج فاطمه علیهاالسلام علی جرد برد ، و درع و فراش کان من اهاب کبش . (۵)

ج (پول نقد

ص: ۱۸

۱- ۳۰- کشف الغمه ، ج ۱ ، ص ۳۹۷ .

۲- ۳۱- بحارالانوار ، ج ۴۳ ، ص ۱۰۸ .

۳- ۳۲- به این علت زره حطمیه گفته می شود چون هر شمشیری که با آن برخورد می کرد شکسته می شد و این زره به طائفه ای از عبدالقیس که به آنان حطمه به حارث گفته می شد و شغل آنها درست کردن زره بود نسبت داده شده است . (مجمع البحرین ، ص ۴۶۷)

۴- ۳۳- کافی ، ج ۵ ، ص ۳۷۷ .

سته سوم مبلغی از سکه نقره رایج آن زمان را به عنوان مهریه مطرح کرده اند و نسبت به این مقدار باز سه روایت مختلف نقل شده: امام حسین علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله را به چهارصد و هشتاد درهم به علی تزویج کرد. (۱)

هم چنین روایت شده است که چهارصد مثقال نقره بوده و گفته شده پانصد درهم بوده است. (۲)

توضیح و بررسی

ظاهراً در این تردیدی نباشد که مهر فاطمه علیها السلام از پانصد درهم فراتر نرفته است، حال یا این پانصد درهم نقره، پول زره بوده است و یا حاصل مجموع پول زره و چند چیز دیگری که همراه زره به عنوان مهر فاطمه علیها السلام قرار گرفت. از این روی اگر چه ظاهراً اختلاف در پول نقد شده است، اما این قابل توجه می باشد. زیرا اگر فقط قیمت زره را در نظر بگیریم ممکن است اشکال شود که قیمت زره چهارصد درهم و یا زیر پانصد درهم بوده است. اما با در نظر گرفتن چند چیز دیگر که برد کهنه و زیر انداز بوده باشد، برابر با پانصد درهم خواهد بود.

علامه مجلسی ضمن یادآوری روایت چهارصد و هشتاد درهم، و چهارصد مثقال نقره، و پانصد درهم صحیح تر است و سبب این اختلاف روایت جابر جعفی از امام باقر است که فرمود: کان صدق فاطمه علیها السلام برد حبره و اهاب کبش علی عرار. و روی عن الصادق علیه السلام قال: کان صدق فاطمه علیها السلام درع حطمیه و اهاب کبش او جدی؛ مهریه

ص: ۱۹

۱- ۳۵- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۲، مناقب ابن مغازلی، ص ۳۵۰.

۲- ۳۶- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۲، مناقب ابن مغازلی، ص ۳۵۰.

فاطمه علیهاالسلام پیراهنی بود از کتان بافت یمن و پوستی دباغی نشده و گیاهی خوشبو . هم چنین از امام صادق علیه السلام روایت شده که صدق فاطمه علیهاالسلام زره حطمیه و پوست دباغی نشده گوسفند یا شتر بود . (۱) و دلیل آن که مهر حضرت فاطمه علیهاالسلام از پانصد درهم فراتر نرفته است همانا سیره و روش معصومین بویژه پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله این بود که بر اساس پانصد درهم که به مهر السنه معروف گشت عمل می کردند .

امام جواد علیه السلام به هنگام خطبه و خواستگاری از ام الفضل دختر مأمون مهر جده اش فاطمه علیهاالسلام را که پانصد درهم بود ، معین کرد . (۲) مرحوم صدوق می نویسد : اگر خواستی ازدواج کنی پس بنگر مهری که قرار می دهی از پانصد درهم بیشتر نشود که همان مهر السنه باشد و بر همین مقدار پیامبر صلی الله علیه و آله با همسران خویش ازدواج کرد و بر همین اساس و پایه دختران خود را به شوهر داد ، بدین جهت مهر السنه مبلغ پانصد درهم گشت . . . (۳) ممکن است گفته شود با توجه به روایت امام صادق علیه السلام که گفته بود : ارزش زره ۳۰ درهم بوده چگونه با ۴۰۰ درهم سازش دارد ؟ پاسخ می دهیم ؛ اولاً در همه روایات به چنین چیزی اشاره نشده که ارزش زره ۳۰ درهم بوده است و با این ممکن است زره به همان مقداری که عثمان خریداری کرد ، ارزش داشته باشد .

و ثانیاً ممکن است آن زره قیمتش بیش از ۳۰ درهم

ص: ۲۰

۱- ۳۷- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۲.

۲- ۳۸- احتجاج طبرسی ، ج ۲، ص ۲۴۲.

۳- ۳۹- المقنع ، ص ۹۹.

نبوده اما عثمان آن را به جهاتی به چند برابر خریده است .

در اینجا علامه مجلسی ضمن بیانی در جمع بین این روایات فرموده : ممکن است بین این روایات به چند وجه جمع کنیم : اول آن که بگوییم زره جزء مهر بوده ، نه تمام مهر .

دوم آن که شاید مراد حضرت این باشد که آن زره امروز بود ، ۳۰ درهم بیشتر ارزش نداشت ، گر چه در آن زمان بهایش بیش از این بوده است .

سوم آن که بگوییم قیمت زره همان ۳۰ درهم بوده است اما حضرت علی آن را به پانصد درهم فروخت .

و چهارم این که برخی از اخبار و احادیث حمل بر تقیه شده است . (۱)

تأمین و تهیه جهیزیه

پس از فروش زره توسط علی علیه السلام و فراهم شدن مهریه فاطمه علیها السلام پیامبر صلی الله علیه و آله به چند نفر دستور داد تا لوازم خانه علی و فاطمه علیها السلام را خریداری کنند .

امام صادق علیه السلام می فرماید : حضرت مقدار ۳۳۶ یا ۶۶ درهم را جهت تأمین لوازم منزل فاطمه علیها السلام به ام ایمن سپرد تا خریداری کند و مقدار دیگری را به اسماء بنت عمیس داد تا عطر خریداری کند و مقدار دیگری را به نزد ام سلمه سپرد تا برای طعام ولیمه عروسی فاطمه علیها السلام مصرف شود . (۲) هم چنین شیخ طوسی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت بلال را فراخوانده دست برد و مبلغی از همان پول را گرفته ، به او سپرد و فرمود : برای فاطمه علیها السلام عطر خریداری کن

ص: ۲۱

۱- ۴۰- بحارالانوار، ج ۴۳، ۱۴۳.

۲- ۴۱- کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۷۹.

و مقدار دیگری را به ابوبکر داد و فرمود: برای فاطمه علیهاالسلام آن چه را که مناسب حال او می بینی از لباس و اثاث خانه خریداری کن، سپس عمار و برخی دیگر از یاران خود را به دنبالش فرستاده تا به کمک او بشتابند.

پس آن ها هر چه می خواستند خریداری کنند نخست بر او عرضه کرده اگر مصلحت می دانست همان را خریداری می کردند. (۱)

صورت جهیزیه فاطمه علیهاالسلام

و آن چه که این چند نفر به عنوان جهیزیه برای فاطمه خریداری کردند، عبارت بود از: ۱. یک قواره پیراهن به قیمت هفت درهم.

۲. یک عدد روسری بزرگ به قیمت چهار درهم.

۳. یک حوله سیاه خیری.

۴. یک تخت خواب که با برگ درخت خرما بافته شده بود.

۵. دو عدد تشک کتانی از کتان های مصری که درون یکی از آن ها لیف خرما و در درون دیگری پشم گوسفند پر شده بود.

۶. چهار عدد بالش از پوست میش مکه که از گیاه خوشبویی به نام اذخر پر شده بود.

۷. یک تخت پرده پشمی.

۸. یک قطعه حصیر.

۹. یک عدد دستاس.

۱۰. یک عدد طشت مسی برای شستن لباس.

۱۱. یک عدد مشک چرمی برای کشیدن آب از چاه.

۱۲. یک بادیه بزرگ برای دوشیدن شیر.

۱۳. یک ظرف چرمی برای آب.

۱۴. یک آفتابه گلی لعابی شده.

۱۵. یک سبوی گلی سبز.

١-٤٢-امالی طوسی ، ص ٤٠، مناقب آل ابی طالب ، ج ٣، ص ٢٥٢.

دو عدد کوزه سفالین .

۱۷ . یک قطعه پوست چرمی

۱۸ . یک چادر از پارچه های بافت قطر . (۱)

مراسم ازدواج فاطمه علیهاالسلام

یک ماه از ماجرای عقد علی و فاطمه علیهاالسلام می گذشت تا اینکه جعفر و عقیل (۲) و بنا بر نقل شیخ طوسی ، همسران پیامبر به علی گفتند که در صورت تمایل از آن حضرت بخواهند تا مراسم عروسی را به راه اندازند .

و با اعلام موافقت از سوی علی و رفت و آمد ام ایمن به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله ، نخست ام ایمن در محضر رسول خدا چنین گفت : ای رسول خدا اگر خدیجه زنده بود امروز در مراسم جشن و عروسی فاطمه علیهاالسلام چشمش روشن می گشت ، این علی است که همسرش را می خواهد .

پس چشم فاطمه علیهاالسلام را به وسیله همسرش روشن بنما و هر دو را جمع نموده و چشم ما را هم به این کار روشن گردان

پیامبر در پاسخ فرمود : چرا خود علی چنین در خواستی از من نکرده ، چرا که توقع ما از او چنین بود . . . (۳) ام ایمن گوید : پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود : حال به دنبال علی رفته و او را به نزد من بیاور .

به دنبال فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی علی رفته دیدم که او در انتظار من است ، تا مرا دید پرسید : ای ام ایمن چه کردی ؟ عرض کردم : پیامبر صلی الله علیه و آله در انتظار توست .

علی فرمود

ص : ۲۳

۱- ۴۳- زندگانی حضرت فاطمه ، ص ۵۶.

۲- ۴۴- مناقب آل ابی طالب ، ج ۳ ، ص ۳۵۳.

۳- ۴۵- امالی طوسی ، ص ۴۰.

: من همان وقت بر خاسته بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدم در حالی که از شرم و حیا از رسول خدا سر به زیر انداخته بودم ، در محضرش نشستم .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : آیا دوست داری که همسرت به نزد تو بیاید ؟ من در حالی که سرم پایین بود گفتم : آری پدر و مادرم به فدایت .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : من امشب یا فردا شب این کار را انجام خواهم داد . (۱)

پس به امیر مؤمنان فرمود : یا علی منزلی را آماده کن تا فاطمه علیهاالسلام را به آن جا منتقل کنی .

علی فرمود : یا رسول الله صلی الله علیه و آله هیچ منزلی یافت نمی شود مگر منزل حارثه بن نعمان .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : به خدا سوگند ما دیگر از حارثه خجالت می کشیم زیرا بیشتر خانه هایش را از او گرفته ایم . این سخن که به گوش حارثه رسید خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمده ، عرضه داشت : یا رسول الله صلی الله علیه و آله من و اموالم در اختیار خدا و رسولش هستیم . . . پس فاطمه علیهاالسلام را در شب عروسی در خانه حارثه بن نعمان اسکان داد .

آراستن فاطمه علیهاالسلام

این جا بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله نگاهی به زنان کرد و گفت : چه کسی در این جا حضور دارد ؟ ام سلمه گفت : یا رسول الله صلی الله علیه و آله من هستم

ص: ۲۴

و این زینب و این فلان و فلان در این جا نشسته اند .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : برای دخترم و پسر عمویم حجره ای در یکی از خانه ها مهیا کنید .

ام سلمه گفت : در کدام حجره ای رسول خدا صلی الله علیه و آله ؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : در حجره خودت ، آن گاه دستور فرمود : تا فاطمه علیهاالسلام را برای مراسم عروسی زینت نموده و آرایش دهند . (۱)

پس زنان در خانه ام سلمه به چنین کاری مشغول شده و فاطمه علیهاالسلام را برای شب عروسی آماده کردند . (۲)

ولیمه عروسی علی و فاطمه علیهاالسلام

سپس به علی فرمود : علی جان ، بای مراسم عروسی غذای خوبی آماده کن و آن گاه فرمود : گوشت و نان از ما باشد و خرما و روغن از تو . (۳)

یاران پیامبر صلی الله علیه و آله که چنین دیدند هر یک به توان خود در مراسم جشن علی و فاطمه علیهاالسلام شرکت کرده و هدیه ای برای علی آوردند .

پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که گندم را آسیاب کرده و نان بپزند ، و به علی فرمود تا گاو و گوسفند را سر ببرد و خود به کندن پوست آن ها اقدام فرمود .

هنگامی که غذا آماده گردید ، پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد تا شخصی از بالای بام خانه فریاد برآورد که دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله را اجابت کنید .

مسلمانان به دعوت آن حضرت به مسجد آمده و در کنار رسول خدا صلی الله علیه

ص: ۲۵

۱- ۴۷- امالی طوسی ، ص ۴۰ ، بحارالانوار، ج ۴۳ ، ص ۹۵ .

۲- ۴۸- بحارالانوار، ج ۴۳ ، ص ۱۱۴ .

۳- ۴۹- امالی طوسی ، ص ۴۲ .

و آله نشست و به برکت وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله در مراسم بیش از چهار هزار نفر از مرد و زن مدینه و در چند نوبت از ولیمه عروسی علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام غذا خوردند . (۱)

آورده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن روز ظرفها را پر از غذا می کرد و بوسیله عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عقبه به خانه های بی سرپرستان و ضعفا و بینوایان از مسلمانان و از هم پیمانان می فرستاد و در آن روز خانه ای نماند که از غذای عروسی فاطمه علیها السلام به آن جا نرفته باشد . (۲)

از خانه پیامبر صلی الله علیه و آله تا خانه علی علیه السلام

روز اول ماه ذیحجه سال دوم هجرت (۳) روز بسیار مبارکی بوده چرا که در حقیقت روز شادی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت بوده است . روزی که در شب آن ، پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را به خانه علی فرستاد .

مورخین درباره کیفیت بردن فاطمه علیها السلام نوشته اند : شب که فرا رسید پیامبر صلی الله علیه و آله به سلمان فرمود : بغله شهبایم را بیاور و پس از آماده شدن ، پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را بر مرکب خود سوار کرده تا به خانه علی برود .

پس سلمان افسار مرکب را در دست گرفته و رسول خدا صلی الله علیه و آله در پشت سر او قرار گرفته بود ، هم چنان که به راه خود ادامه می دادند ناگهان از پشت سر ، سر و صدایی به گوشش رسید ، نگاه کرد

ص: ۲۶

۱- ۵۰- مناقب آل ابی طالب ، ج ۳ ، ص ۳۵۳.

۲- ۵۱- دلائل الامامه ، ص ۲۱.

۳- ۵۲- در این که روز عروسی فاطمه علیها السلام در چه روزی بوده است چهار قول است : ۱- چند روز از شوال گذشته . ۲- اول ماه ذیحجه . ۳- ششم ماه ذیحجه . ۴- ۲۱ ماه محرم سال سوم هجرت . رجوع شود به بحارالانوار، ج ۴۳ ، ص ۹۲ و ۹۷ و ۱۴۱.

دید جبرئیل و میکائیل و اسرافیل هستند که به همراه گروهی از فرشتگان به زمین فرود آمده اند . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : ای جبرئیل ! برای چه نازل شده اید ؟ در پاسخ گفت : ای رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده ایم تا فاطمه علیهاالسلام را به خانه علی ببریم ، پس جبرئیل تکبیر گفت و میکائیل نیز تکبیر گفت و اسرافیل چنین کرد و سایر فرشتگان به دنبال این سه فرشته تکبیر سر دادند و به دنبال آنها پیامبر صلی الله علیه و آله تکبیر گفته و در آخر سلمان فارسی آوای تکبیر را سر داد و از آنها پس در مراسم عروسی و بردن عروس به خانه شوهر تکبیر گفتن سنت شد . (۱)

هم چنین نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله به دختران عبدالمطلب و زنان مهاجرین و انصار دستور داد تا به همراه فاطمه علیهاالسلام بوده و شادی کنان رجز بخوانند و تکبیر بگویند و سخنی که مورد رضای خدا نیست بر زبان جاری نسازند .

جابر گوید : پس فاطمه علیهاالسلام را بر شهبای خود سوار کرده و سلمان افسار آن را به دست گرفته و گرداگرد فاطمه علیهاالسلام هفتاد هزار حوریه در حرکت بودند .

از سوی دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله و حمزه ، عقیل و جعفر و سایر اهل بیت نیز در پشت سر فاطمه علیهاالسلام در حالی که شمشیرهای خود را کشیده بودند ، به راه افتادند و زنان پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه دیگر زنان در پیشاپیش کاروان شادی حرکت کرده

ص: ۲۷

و ام سلمه و حفصه و معاذه مادر سعد سروده ای می خواندند و در سایر زنان با تکرار مصراع اول شادی خود را اظهار می کردند و سپس تکبیر سر می دادند تا این که داخل علی شدند . (۱)

دست فاطمه علیهاالسلام در دست علی علیه السلام

در این که پیامبر صلی الله علیه و آله بزرگوار در کجا دست فاطمه علیهاالسلام را در دست علی قرار داد در بین مورخان اختلاف هست برخی آن را در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و در برخی دیگر آن را در مسجد می دانند .

شیخ طوسی روایت کرده همین که آفتاب غروب کرد ، پیامبر صلی الله علیه و آله به ام سلمه فرمود : دخترم را بیاور . او فاطمه علیهاالسلام را به محضر پیامبر آورد در حالی که از شرم و حیا از رسول خدا صلی الله علیه و آله گوشه های لباسش به زمین کشیده و عرق از پیشانیش سرازیر بود ، در برابر آن حضرت قرار گرفت . رسول خدا صلی الله علیه و آله در حضور علی نقاب از چهره فاطمه علیهاالسلام برداشته و دست فاطمه علیهاالسلام را گرفته و در دست علی قرار داد و فرمود : بارک الله فی ابنه رسول الله ، یا علی نعم الزوجه فاطمه علیهاالسلام و یا فاطمه علیهاالسلام نعم البعل علی ؛ خدای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر تو مبارک گرداند ، علی جان فاطمه علیهاالسلام بسیار همسر خوبی است ، ای فاطمه علیهاالسلام علی شوهر بسیار خوبی است . (۲)

اما ابن شهر آشوب آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از

ص: ۲۸

۱- ۵۴- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۱۱۵.

۲- ۵۵- اخلاق حضرت فاطمه ، ص ۸۰.

بردن فاطمه علیهاالسلام به خانه علی خود به مسجد رفته و نخست علی را فراخواند و سپس فاطمه علیهاالسلام را در آن گاه دو دست دخترش را در دست علی گذاشت . . . (۱)

دعای ویژه برای فاطمه علیهاالسلام و علی علیه السلام

و سر انجام آن شب پیش از آن . که خانه علی علیه السلام و فاطمه علیهاالسلام را ترک کند ، چند دعای ویژه در حق آن دو نموده که هرگز شخص دیگری را در این دعا شریک نساخت از جمله این که فرمود : خدایا این دو بهترین بندگان تو در نزد من هستند ، خدایا ، تو آن ها را دوست داشته باش و فرزندان را بر آن ها مبارک گردان و نگهبانی از سوی خود بر آن ها بگمار و از شر شیطان رجیم نسبت به این دو و فرزندانشان به تو پناه می برم . (۲)

اسماء اضافه می کند پیامبر صلی الله علیه و آله را در آن حال ملاحظه کردم که پیوسته برای هر دو دعا می کرد که هیچ کس دیگری را با آن ها شرکت نمی داد ، او پیوسته دعا می کرد تا وارد حجره خود شد . (۳)

چشم اندازی به خانه فاطمه

چشم اندازی به خانه فاطمه

در مدینه منوره ؛ شهر پیامبر ، تنها یک خانه بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن عشق می ورزید و اهلش را به شدت دوست می داشت . در و دیوار و فضای این خانه از معنویت و نورانیتی خاص ، حکایت داشت .

این خانه روز و شب محل نزول و عروج فرشتگان الهی بود ، پیامبر صلی الله علیه و آله آن قدر به این خانه احترام

ص: ۲۹

۱- ۵۶- بحارالانوار ج ۴۳، ص ۱۳۲.

۲- ۵۷- مناقب آل ابی طالب ، ج ۳، ص ۳۵۵.

۳- ۵۸- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۴۲.

می گذاشت که بدون اجازه وارد آن نمی گردید ، هر صبح و شام به آن جا می رفت و پس از کوبیدن در آن ، با صدای بلند بر اهلس سلام می داد .

هنگام خارج شدن از شهر ، آخرین نقطه توقفش در مدینه بود و پس از مراجعت ، اول به سراغ همان خانه می رفت .

آن خانه خانه فاطمه علیهاالسلام بود که این بخش به وصف آن خواهد پرداخت .

ویژگی های خانه فاطمه علیهاالسلام

۱- موقعیت جغرافیایی

این خانه در طرف شرق مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله ، هم ردیف دیگر حجره های رسول خدا صلی الله علیه و آله و در وسط آن ها قرار داشت . به گفته نویسندگان مدینه شناسی : با توجه به دیگر گفته های ثبت شده ، مسلم است که خانه فاطمه علیهاالسلام بین مربع قبر و ستون تهجد بوده است . (۱)

مردی به عبدالله بن عمر گفت : درباره علی بن ابی طالب علیه السلام برایم سخن بگو .

عبدالله گفت : اگر می خواهی بدانی که مقام و منزلت علی علیه السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله چه اندازه بود ، پس نظر کن به خانه اش نسبت به خانه های پیامبر صلی الله علیه و آله ، سپس با دست خود به خانه علی و فاطمه علیهاالسلام اشاره کرد و گفت : این خانه اوست که در وسط خانه های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفته است . (۲)

۲- مساحت خانه فاطمه علیهاالسلام

بتنونی در الرحله الحجازیه می نویسد : طول خانه فاطمه علیهاالسلام از طرف جنوب ۵/۱۴ ،

ص: ۳۰

۱- ۵۹- مدینه شناسی ، ص ۷۳.

۲- ۶۰- سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۱۵.

از طرف شمال ۱۴ متر و از طرف شرق ۵/۷ متر می باشد. (۱)

۳- اهدایی خدا و رسول

پیامبر بزرگوار صلی الله علیه و آله از همان ابتدای ورود به مدینه در فکر احداث چنین حجره ای برای حضرت فاطمه علیهاالسلام بود. بدین جهت که حجره هایی را در طرف شرق مسجد برای همسران خود احداث کرد، برای فاطمه علیهاالسلام این حجره را ساخت.

ام سلمه در روایتی که درباره عروسی حضرت فاطمه علیهاالسلام است می گوید: ... آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله دختر خود، فاطمه علیهاالسلام و همچنین علی علیه السلام را در پیش خود خواند و دست علی علیه السلام را در دست راست و دست فاطمه علیهاالسلام را در دست چپ گرفت و به سینه خود گذارد و در میان دو چشم آن دو را بوسه زد. آن گاه به علی علیه السلام فرمود: علی جان! خوب همسری داری و به فاطمه علیهاالسلام فرمود ای فاطمه! تو هم خوب همسری داری. سپس از جای برخاسته و پیشاپیش آن دو راه افتاد تا این که آن دو را به خانه ای که از پیش برای آن ها ساخته بود، وارد کرد.

سپس هنگام خروج از خانه، در حالی که دستگیره در را گرفته بود، فرمود: طهر کما الله و طهر نسلکم... خداوند شما و نسلتان را پاک گرداند. (۲)

۴- راهی به بیرون جز از مسجد نداشت

از دیگر ویژگی های این خانه این بود که هیچ گونه راهی به بیرون

ص: ۳۱

۱- ۶۱- الرحله الحجازیه ، ص ۳۲۷.

۲- ۶۲- مناقب خوارزمی ، ص ۲۴۷.

جز از طریق مسجد نداشت . بدون شک در این کار عنایتی بود . شاید راز این عمل برای مسلمانان آشکار نگردید .

سید محمد باقر نجفی می نویسد : همگی مورخان اذعان دارند که خانه علی در دیگری جز آنچه که به سوی مسجد باز می شد ، نداشت . (۱)

۵- خانه رفیع و پر نور

از دیگر ویژگی های این خانه این است که همانند دیگر مساجد و خانه های پیامبران ، از نورانیت و جلال و شکوه خاصی برخوردار و از خانه هایی بود که قرآن مجید درباره آن ها فرمود :

فی بیوت اذان الله ترفع و یذکر فیها اسمہ (۲)؛ در خانه هایی که خدا رخصت داده که (قدر و منزلت) آنها رفعت یابد و نامش در آن ها یاد شود .

در روایتی که در ذیل آیه فوق آمده است ، انس از بریده نقل می کند : هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت می کرد ، مردی از جای برخاست و گفت : مقصود از این خانه ها کدام خانه هاست ؟

پیامبر فرمود : خانه های پیامبران . ابوبکر گفت : یا رسول الله ! هذا البیت منها و اءشار الی بیت علی و فاطمه علیهما السلام . قال نعم و اءفضلها ؛ در حالی که با دست خود به خانه علی و فاطمه علیهما السلام اشاره می کرد گفت : آیا این خانه از جمله آن خانه ها است ؟ حضرت فرمود : آری . بلکه اءفضل از همه آن ها است . (۳)

۶- محل نماز و عبادت پیامبر صلی الله علیه و آله

خانه

ص: ۳۲

۱- ۶۳- مدینه شناسی ، ص ۱۱۹ و فرات کوفی ، ص ۱۱۵ .

۲- ۶۴- سوره نور، آیه ۳۶ .

۳- ۶۵- سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۱۴ و مجمع البحرین ، ص ۱۳۸ .

فاطمه علیهاالسلام استراحت گاه موقت پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام دیدار از یگانه گهرش بوده ، جای جای این خانه قدمگاه ، محل نشستن ، محل عبادت و سجده گاه وجود مقدس نبی اکرم بود .

حضرت علی علیه السلام فرمود : روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به دیدار ما آمد ، ما نیز حریره ای (۱) برایش آماده کردیم و ام ایمن هم ظرفی از ماست ، کره و مقداری خرما به ما هدیه کرد . پیامبر صلی الله علیه و آله از جای برخاست ، وضو ساخت ، به سوی قبله ایستاد و مدتی دعا کرد . آن گاه با چشمانی پر از اشک ، سر به سجده گذارد .

هیبت و عظمت پیامبر صلی الله علیه و آله مانع شد که علت گریه اش را بپرسم . فرزندم حسن ، از جای جست و گفت : پدر جان ! کارهایی را دیدم انجام دادی که پیش از این انجام نداده بودی . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : فرزندم من امروز با دیدن شما آن قدر خوشحال شدم که پیش از این ، چنین شادمانی به من دست نداده بود . اینک جبرئیل آمد و به من خبر داد که همه شما کشته خواهید شد و محل دفن شما هم دور از یکدیگر خواهد بود .

با شنیدن این خبر برای شما دعا کردم .

امام حسین علیه السلام عرض کرد : ای رسول الله ! با این وصف که قبرهای ما از هم جدا می باشد ، پس چه کسی به زیارت قبور ما می آید

ص: ۳۳

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: گروهی از امتم که کمک و صلہ مرا دوست می دارند. پس در روز قیامت به زیارت این دسته خواهم رفت و بازوانشان را گرفته و آن ها را از گرفتاری ها و سختی های روز قیامت نجات خواهم داد. (۱)

۷- زادگاه امام حسن و امام حسین علیه السلام

تردید نیست که زادگاه امام حسن، امام حسین، زینب کبری و ام کلثوم: در این خانه است اما نسبت به سایر امامان: بعید به نظر می رسد که زادگاهشان در خانه حضرت فاطمه علیها السلام بوده باشد، زیرا در زمان عبدالملک بن مروان که حسن بن حسن علیه السلام در آن جا سکونت داشت، او را از خانه حضرت فاطمه علیها السلام بیرون نمودند و خانه را به بهانه توسعه مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله ویران کردند. (۲)

همچنین بعید است که امام زین العابدین علیه السلام هم در آن جا دیده به جهان گشوده باشد، زیرا آن حضرت در سال (۳۸ هجری قمری) به دنیا آمد و پدرش امام حسین علیه السلام، در آن سال همراه حضرت علی علیه السلام در کوفه بود. بنابراین به نظر می رسد که امام سجاد علیه السلام در کوفه به دنیا آمده باشد اما چنین سخنی را کسی نگفته است.

بنابراین احتمال ها که حضرت امام سجاد علیه السلام در سال (۳۴، ۳۵ یا ۳۶ هجری ق) به دنیا آمده باشد، می توان گفت حضرت در مدینه به دنیا آمده اما باز هم بعید است که

ص: ۳۴

۱- ۶۷- بشاره المصطفی، ص ۱۹۵؛ عوالم العلوم و المعارف، ج ۷، ص ۱۲۳ و کامل الزیاره، ص ۵۸.

۲- ۶۸- سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۱۵.

در خانه حضرت فاطمه علیهاالسلام بوده است ، زیرا امام حسین علیه السلام در آن وقت در خانه حضرت فاطمه زندگی نمی کرد .

۸- محل رفت و آمد فرشتگان

امام باقر علیه السلام فرمود : خانه علی علیه السلام و فاطمه علیهاالسلام بخشی از حجره پیامبر صلی الله علیه و آله است و سقف آن خانه ، عرش پروردگار می باشد . محل فرود وحی و رفت و آمد فرشتگانی است که هر صبح و شام و هر ساعت و لحظه ، با آوردن پیام در حال آمد و شد هستند . آن جا خانه ای است که هرگز رفت و آمد فرشتگان در آن ، پایانی ندارد . گروهی فرود می آیند و گروه دیگر بالا می روند . پروردگار عالمیان پرده را از آسمان ها برای حضرت ابراهیم علیه السلام کنار زد و به نور باصره اش قوت بخشید ، تا نگاهش به عرش افتاد . همچنین خداوند به دید چشم محمد ، علی ، فاطمه ، حسن ، حسین : قدرت بیشتری داد؛ و آن ها عرش پروردگار را از خانه های خود می دیدند و هرگز سقفی برای خانه هایشان جز عرش پروردگار نمی دیدند (۱)

آری بسیاری از آیات الهی به وسیله ، امین وحی در همین خانه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل گشت . جریان حدیث کسا و آمدن جبرئیل نیز در همین خانه بود . (۲)

۹ سلام پیامبر صلی الله علیه و آله بر اهل خانه

پس از آن که آیه واءمر اهلک بالصلاه و اصطر علیها (۳) بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل

ص: ۳۵

۱- ۶۹- سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۱۵.

۲- ۷۰- سند حدیث شریف کساء، ص ۶.

۳- ۷۱- سوره طه ، آیه ۱۳۲.

گشت ، آن حضرت چهل روز (۱) ، شش ماه (۲) ، هشت ماه (۳) یا نه ماه (۴) در هر صبح و شام به سوی خانه حضرت فاطمه علیها السلام می رفت و دستگیره در خانه را می گرفت و پس از سلام بر اهل آن خانه ، به دستور آیه عمل می نمود و می فرمود : الصلاة یرحمکم الله (۵) و سپس این آیه را تلاوت می فرمود : انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یتطهروا . (۶)

ابو الحمراء می گوید : چهل روز پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدم که هر روز صبح به طرف در خانه علی و فاطمه علیها السلام می آمد و دستگیره در را می گرفت و می فرمود : السلام علیکم اهل البیت و رحمه الله و برکاته . الصلاة یرحمکم الله . انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یتطهروا (۷)

قندوزی حنفی پس از ذکر این حدیث می گوید : این حدیث از ۳۰۰ نفر از صحابه و یاران پیامبر روایت شده است . (۸)

۱۰- بسته شدن در خانه ها جز خانه فاطمه علیها السلام

یاران رسول خدا آن گاه که می بیند در خانه علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام به مسجد باز می شود ، هر یک از خانه خود دری به مسجد باز می کنند . دیری نگذشت که فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد که تمام درها باید بسته شود جز در خانه علی علیه السلام . موج اعتراض بالا- گرفت اما پیامبر صلی الله علیه و آله قاطعانه بر موضوع پافشاری کرد و تمام درها ، حتی پنجره ها را ، جز در خانه

ص: ۳۶

-
- ۱- ۷۲- امالی طوسی ، ص ۲۵۱.
 - ۲- ۷۳- سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۴۳۴.
 - ۳- ۷۴- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۳.
 - ۴- ۷۵- ینابیع الموده ، ص ۱۷۴ و مناقب خوارزمی ، ص ۲۳.
 - ۵- ۷۶- امالی طوسی ، ص ۲۵۱.
 - ۶- ۷۷- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۳.
 - ۷- ۷۸- ینابیع الموده ، ص ۱۷۴.
 - ۸- ۷۹- ینابیع الموده ، ص ۱۷۴.

علی علیه السلام بست .

زید بن ارقم می گوید : برخی از یاران از حضرت خواستند که اجازه دهد ، درها همچنان باز بماند . پیامبر صلی الله علیه و آله از جای برخاست و پس از حمد و ثنای الهی فرمود :

به من دستور داده شد که درها ، جز در خانه علی علیه السلام را ببندم . حال می بینم که برخی از شما سخن گفته اید اما این را بدانید که سوگند به خدا ! این من نبودم که در خانه ای را بسته یا باز کرده باشم ، بلکه دستوری بود که من از آن پیروی کردم . (۱)

حدیث یاد شده از احادیث مسلم شیعه و سنی است و تا کنون کسی بر صحت آن اشکال نگرفته جز ابن الجوزی که آن را در ردیف احادیث موضوعه و ساخته رافضی ها خوانده است اما ابن حجر عسقلانی در کتاب فتح الباری در شرح صحیح بخاری در رد گفته ابن الجوزی اظهار می دارد :

اءخطاء فی ذلک شنيعا فانه سلك فی ذلک رد الاءحاديث الصحیحه بتو همه المعارضه ؛ وی خطای زشتی را در این کتاب مرتکب شده است ، زیرا به بهانه تعارض ، بسیاری از احادیث صحیح را رد کرده است . (۲)

۱۱- احترام ویژه امامان

گرچه در زمان معصومین علیهم السلام به ویژه از اواخر زمان امام سجاد علیه السلام به بعد ، خانه حضرت فاطمه علیها السلام را به بهانه توسعه مسجد ویران کردند اما جایگاه خانه معلوم و مشخص بود و مردم بدون هیچ تقیه ای ، نسبت به خانه حضرت فاطمه علیها السلام احترام ویژه ای

ص: ۳۷

۱- ۸۰- ذخایر العقبی ، ص ۷۷.

۲- ۸۱- مدینه شناسی ، ص ۱۱۷.

قائل بودند .

امام جواد علیه السلام هر روز مقارن اذان ظهر ، نخست به زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله می رفت ، سپس به طرف خانه حضرت فاطمه علیها السلام می رفت و کفش های خود را بیرون می آورد و وارد خانه حضرت فاطمه علیها السلام می گشت و در آن جا نماز می گذارد . (۱)

نگاهی دیگر

نگاه دیگری که به این خانه می افکنیم ، حیرت‌مان بیشتر می شود . چرا که در این خانه هرگز از زخارف دنیا و تجمل گرایی چیزی یافت نمی شود ، خانه ای بسیار ساده ، نه فرش قابل ذکری دارد و نه وسائل گران قیمت . اشتباه نشود ، خیال نکنید که حضرت علی علیه السلام فقیر بود و تهی دست ، آورده اند که از دسترنج خود هزار بنده را آزاد کرد ، بلکه این خانواده نمی خواستند غیر از زندگی زاهدانه راه دیگری را در پیش گیرند ، بدین جهت آنچه داشتند یا وقف فقرا و تهیدستان می کردند یا به دیگران می دادند و خود در نهایت ساده زیستی زندگی می کردند . (۲)

اینک نیم نگاهی به وسائل این خانه که در حقیقت همان جهیزیه حضرت فاطمه علیها السلام بود و در آن چند سال هیچ به آن اضافه نگشته بود خواهیم داشت .

در این خانه علاوه بر چوبی که حضرت علی علیه السلام به دو طرف اطاق جهت آویزان کردن لباس نصب کرده بود ، یک پوست گوسفند که در کف اطاق انداخته ، یک بالش که داخلش را از لیف خرما پر کرده بود چیز دیگری جز جهیزیه حضرت فاطمه

ص: ۳۸

۱- ۸۲- سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۷۵.

۲- ۸۳- همان ، ص ۵۴.

علیهاالسلام نبود. (که صورت جهیزیه پیش از این، در بحث مراسم ازدواج از نظرتان گذشت)

سرنوشت خانه فاطمه علیهاالسلام

متأسفانه، این خانه و ساکنانش پس از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مورد بی مهری امت قرار گرفت و دست خوش حوادث ناگواری شد.

خانه ای که در و دیوارش بوی رسول الله صلی الله علیه و آله از آن به مشام می رسید و زمین و محرابش یادآور سجده های طولانی یگانه یادگار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود نه تنها فقط در آن خانه را بستند و برخلاف سفارش آن حضرت مردم را از فیض برکات آن خانه و اهلش محروم ساختند، بلکه برای بیعت گرفتن از علی علیه السلام مورد هجوم ناجوانمردانه عده ای کینه توز و فرصت طلب قرار گرفت و سرانجام در زمان عبدالملک بن مروان، به بهانه توسعه مسجد، ساکنان آن را بیرون کردند و در خانه را ویران ساختند.

تعجب این جا است که آن ها با مشاهده آن همه عطوفت و مهرورزی ها و احترام فوق العاده پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به اهل بیت خود به ویژه نسبت به فاطمه علیهاالسلام چگونه مردان کینه توز و فرصت طلب را جهت بیعت گرفتن از علی علیه السلام روانه خانه فاطمه علیهاالسلام ساختند. آنان مگر حضرت فاطمه علیهاالسلام را نمی شناختند که با بردن آتش (۱) هم در خانه را سوزاندند (۲) و شکستند (۳)، هم پهلوی (۴) و حرمت صاحب خانه را (۵).

در این خانه که آن را هاله ای از غم و مظلومیت فرا گرفته، دو قبر مجهول و گمشده

ص: ۳۹

۱- ۸۴- العقد الفرید، ج ۵، ص ۱۳ و الامامه و السیاسه، ص ۲۰.

۲- ۸۵- اثبات الوصیه، ص ۱۲۴.

۳- ۸۶- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۶۷.

۴- ۸۷- اثبات الوصیه، ص ۱۲۴.

۵- ۸۸- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۴.

و یک محراب قرار دارد. قبر اول، قبر محسن پنجمین فرزند حضرت علی و فاطمه علیهما السلام است و گویا در پای در خانه دفن گودید. قبر دوم احتمالاً- قبر فاطمه علیها السلام و یک محراب که برای همگان قابل رؤیت است و روزی این محراب محل نماز، سجده و دعای حضرت فاطمه علیها السلام زهرا علیها السلام بود.

جای بسی تعجب است که آن خانه ای که در زمان عبدالملک بن مروان به بهانه توسعه مسجد پیامبر خراب می شود، امروزه در محاصره نرده های آهنین قرار گرفته است.

فاطمه اسوه حیات زیبا

فاطمه اسوه حیات زیبا

انسانهای پاک سرشت در پی یک زندگی پاک و حیات طیب هستند که زیباترین نماد آن را می توان در زندگانی رهبران دینی جستجو کرد.

فاطمه، از آن مریبان و معلمان اخلاق است که بشر می تواند زندگی او را به عنوان بهترین الگو برای رفتار و معاشرت خود قرار دهد.

آن چه در پیش رو دارید اشاره ای است کوتاه و گذرا از ایمان، عبادت ترس از خدا و روز قیامت و اخلاق و روش معاشرت او که به اختصار از آن یاد می شود.

۱- تهجد و عبادت

پیشناز میدان عبادت و بندگی خدا

در این نه سالی که فاطمه علیها السلام در خانه علی بود اگر چه برای او یک دوران پر خاطره به حساب آمد، اما هرگز او را از هدف اصلی یعنی رسیدن به معبود و معشوق خود باز نداشت.

او همانند پدرش محمد مصطفی صلی الله علیه و آله جزو پیشتازان میدان عبادت و بندگی خدا بود و به گفته حسن بصری: لم یکن فی هذه الائمة اءزهد

و لا اء عبد من فاطمه عليها السلام ؛ در این امت عابدتر از فاطمه علیها السلام و زاهد تر از او نداریم ! (۱)

و همو گوید : وی آن قدر نماز می خواند و خدا را عبادت می کرد که دو پای مبارکش ورم می کرد . پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله این حالت تحسین آمیز و اعجاب برانگیز فاطمه علیها السلام را در اشکال مختلف بیان می داشت :

الف (وجود فاطمه علیها السلام مملو از ایمان است

ابن شهر آشوب از محمد بن علی بن الحسین روایت کرده که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله سلمان را برای رساندن پیامی به خانه فاطمه فرستاد سلمان گوید : پس از درنگی کوتاه پشت در خانه فاطمه علیها السلام به وی سلام گفتم . پس صدای فاطمه علیها السلام را از داخل خانه شنیدم که قرآن می خواند و در فضای بیرون ، دستاس در حال چرخیدن بود . گوید : به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله برگشتم و ماجرا به او گزارش کردم آن حضرت تبسمی کرد و فرمود : یا سلمان ، ان ابنتی فاطمه علیها السلام ملاء الله قلبها و جوارحها ایمانا الی مشاشها . . . ای سلمان ! خداوند قلب و اعضا و جوارح دخترم فاطمه علیها السلام را تا فرق سرش سرشار از ایمان کرده ، دخترم خود را در اطاعت و عبادت خدا قرار داده و خداوند فرشته ای را به نام زوقاییل جبرئیل فرستاده تا به جای او دستاس را بگرداند . (۲)

ب (سلام فرشتگان به فاطمه علیها السلام

ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود : و اما دخترم فاطمه ، پس او سیده زنان عالمیان از اولین

ص : ۴۱

۱- ۸۹- ربيع الابرار، ج ۲، ص ۱۰۴.

۲- ۹۰- مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۳۸.

و آخرین است . هنگامی که در محراب عبادت ایستد ، هفتاد هزار فرشته از فرشتگان مقربین بر او سلام گفته و همان ندایی را که به مریم می گفتند به فاطمه علیهاالسلام می گویند ، که : ان الله اصطفاک و طهرک و اصطفاک علی نساء العالمین . (۱)

ج (منزلت خداوندی

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از عظمت فاطمه علیهاالسلام و از چگونگی عبادت و تهجد و راز و نیازش باز چنین پرده برداشته و ندای خداوند به فرشتگان را این چنین بیان می کند : یا ملائکتی انظروا الی ائمتی فاطمه علیهاالسلام سیده امائی ، قائمه بین یدی ترتعد فرائصها من خیفتی و قد اقبلت بقلبها علی عبادتی و اءشهدکم اءنی قد اءمنت شیعتها من النار ؛ فرشتگانم به فاطمه علیهاالسلام بنگرید که چگونه در مقابل من ایستاده و از ترس من اعضای بدنش می لرزد و من قلبش را به عبادت خودم مشغول کرده ام ، شاهد باشید که من دوستان و شیعیان او را از آتش جهنم ایمن کردم . (۲)

۲- ترس از روز قیامت

حضرت زهرا علیهاالسلام به شدت از روز قیامت و سخنی آن نگران بود و از پدر بزرگوارش درباره چگونگی زنده شدن و احوال روز قیامت سؤالات بسیاری می نمود .

علامه مجلسی می نویسد هنگامی که آیه و ان جهنم لموعدهم اءجمعین لها سبعة اءبواب لکل باب منهم جزء مقسوم (۳) بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل گشت آن حضرت بشدت گریست و یارانش نیز بر اثر گریه آن حضرت گریستند اما کسی نمی دانست که پیامبر صلی الله علیه و آله چرا می گرید ، و جبرئیل

ص: ۴۲

۱- ۹۱- امالی صدوق ، ص ۴۳۷.

۲- ۹۲- بحارالاءنوار، ج ۴۳، ص ۱۷۲.

۳- ۹۳- سوره حجر، آیه ۴۴.

چه چیزی را بر او نازل کرده که باعث گریه فراوان پیامبر صلی الله علیه و آله شده است و از طرفی هیچ کس یارای سخن گفتن با آن را حضرت نداشت . یاران چون می دانستند وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله نگاهش به فاطمه علیهاالسلام می افتد شاد می گردد ، یکی از اصحاب به خانه فاطمه رفت تا وی را از این ماجرا و گریه پیامبر صلی الله علیه و آله با خیر سازد ، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله با شنیدن این خیر برآشفته و در حالی که خود را به یک چادر کهنه که دوازده جای آن را با لیف خرما وصله کرده بود پوشانیده ، خانه را به قصد مسجد و دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله ترک گفت . همین که سلمان فارسی چشمش به چادر فاطمه افتاد گریست و گفت و احزناه . . . بر تن دختران قیصر و کسری لباسهای سندس و ابریشم می باشد اما دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فقط یک چادر پشمینه کهنه داشته باشد !!

هنگامی که فاطمه علیهاالسلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد ، با دیدن آن حالت از رسول خدا صلی الله علیه و آله خواست پدر را آرام کند بدین جهت گفت : ای رسول خدا سلمان از لباسی که من دارم شگفت زده شده است و آن خدایی که تو را به پیامبری برانگیخت پنج سال است که با علی علیه السلام زندگی می کنم و جز پوست گوسفندی که روزها علف شترمان را روی

آن می ریزیم و شبها زیرانداز ما می باشد چیز دیگری نداریم ، سپس فرمود : پدر جان جانم فدایت باد چه چیز تو را به گریه درآورده است ؟!

پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ فاطمه علیهاالسلام آن چه را که جبرئیل بر او نازل کرده بود بر دخترش تلاوت کرد .

فاطمه علیهاالسلام از شدت ترس و وحشت با صورت بر زمین افتاد در حالی که می فرمود : وای پس وای پس وای ، وای بر کسی که وارد دوزخ شود .

سلمان که چنین دید از وحشت گفت : ای کاش گوسفندی بودم که گوشت مرا می خوردند و پوست مرا پاره پاره می کردند و هرگز نامی از آتش جهنم نمی شنیدم .

ابوذر گفت : ای کاش مادرم نازا بود و مرا نمی زایید که نام آتش را بشنوم .

مقداد می گفت : ای کاش پرنده ای بودم که بر من حساب و کتاب و عقابی نبودم و نام آتش را نمی شنیدم ، علی علیه السلام نمی فرمود : ای کاش مادرم مرا نمی زایید و نام آتش را نمی شنیدم ، پس دست بر سر می گذاشت و می گفت : وای از دوری راه و کمی توشه در سفر آخرت . (۱)

۳- انس با قرآن کریم

توجه ویژه حضرت زهرا به قرآن کریم در طول زندگی خود درس دیگری را به شیفتگان این کتاب آسمانی می دهد . گاهی اوقات که امام علی علیه السلام از مسجد به منزل می آمد ملاحظه می کرد ، همان آیاتی که لحظاتی قبل بر پیامبر صلی الله علیه و

ص: ۴۴

آله نازل شده بر زبان فاطمه علیهاالسلام جاری است ، با کمال تعجب می پرسید این آیات از چه راهی به شما رسیده است در حالی که لحظاتی پیش نیست که این آیات بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده ؟!

فاطمه علیهاالسلام در پاسخ می فرمود : فرزندان حسن آنها را برایم تلاوت کرده است . (۱)

و در روایت دیگری آمده است که حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود : حیب الی من دنیاکم تلاوه کتاب الله و النظر فی وجه رسول الله صلی الله علیه و آله و الانفاق فی سبیل الله ؛ سه چیز از دنیای شما را دوست دارم : تلاوت قرآن کریم ، نگاه به چهره مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و انفاق در راه خدا . (۲)

و پیش از این گذشت که وقتی سلمان فارسی جهت رساندن پیامی از پیامبر صلی الله علیه و آله به خانه فاطمه علیهاالسلام رفته بود ، صدای قرآن خواندن فاطمه علیهاالسلام را از درون خانه شنیده و برای پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش داد . (۳)

۴- دعا برای دیگران

حضرت فاطمه علیهاالسلام چگونه سخن گفتن با خدا و چگونه دعا کردن را به آیندگان آموخت ، او همیشه دعا می کرد و همه چیز از خدا می خواست اما نه برای خود ، فاطمه علیهاالسلام حتی در دعا کردن نیز ایثار می کرد و همه را بر خود مقدم می داشت .

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود : مادرم فاطمه علیهاالسلام را در شب جمعه ای دیدم که پیوسته در حال رکوع و سجود بود تا این که صبح دمید و شنیدم

ص : ۴۵

۱- ۹۵- مناقب آل ابی طالب ، ج ۴ ، ص ۸.

۲- ۹۶- پاخلاق حضرت فاطمه ، ص ۱۷.

۳- ۹۷- مناقب آل ابی طالب ، ج ۳ ، ص ۳۳۸.

که مؤمنین و مؤمنات را نام می برد و بسیار برای آنان دعا می کرد ، اما ندیدم حتی یکبار برای خودش دعا کند ، از روی تعجب گفتم : مادر ، چرا برای خودت دعا نمی کنی و از خدا چیزی نمی خواهی ، همان گونه که برای دیگران دعا می کنی !؟

مادرم در پاسخ فرمود : یا بنی الجار ثم الدار ، فرزندم اول باید همسایه را در نظر گرفت . (۱)

۵- احترام فوق العاده به پیامبر صلی الله علیه و آله

بر پیامبر نازل گشت ، حضرت فاطمه علیها السلام پدر را یا رسول الله خطاب می کرد .

امام حسین علیه السلام از مادرش فاطمه زهرا نقل می کند که فرمود :

از آن روزی که این آیه بر پیامبر نازل گشت ، هیبت آن حضرت مانع شد که او را پدر خطاب کنم ، از اینرو می گفتم : یا رسول الله . چون پیامبر این برنامه را از من مشاهده کرد ، فرمود : دخترم ! این آیه در باره تو و اهل بیت تو نازل نگشته است ، زیرا تو از من هستی و من از تو می باشم ، بلکه این آیه درباره اهل جفا و متکبران نازل گشته که احترام مرا نگه نمی دارند . دخترم ! تو مرا با همان کلمه پدر خطاب کن که برای آرامش قلب من بهتر و به خوشنودی خداوند نزدیک تر است . سپس پیشانی مرا بوسید و مقداری از آب دهان خود به من مالید که از آن پس هرگز نیاز به عطر پیدا نکردم . (۲)

شیخ مفید به نمونه دیگری از احترام فاطمه علیها السلام به پیامبر

ص: ۴۶

۱- ۹۸- علل الشرایع ، ص ۲۱۵.

۲- ۹۹- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۳.

صلی الله علیه و آله اشاره می کند که در بخش خواستگاری از فاطمه علیهاالسلام بیان شد .

۶- سبقت در اسلام

حضرت زهرا علیهاالسلام به پیروی از سنت حسنه رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار اهمیت می داد .

در حدیث آمده است که شخصی گفت : بر حضرت فاطمه وارد شدم تا مرا دید سلام کرد و در این امر نیکو بر من پیشی گرفت ، سپس فرمود : چه چیز تو را به این جا آورده است ؟

عرض کردم : به جهت بدست آوردن خیر و برکت .

فاطمه علیهاالسلام فرمود : پدرم مرا خبر داد که هر کس سه روز بر من و یا پدرم درآید و سلام کند ، خداوند بهشت را بر او واجب می گرداند . (۱)

۷- تحمل سختی های زندگی

در روزهای نخست شکل گیری حکومت اسلامی در مدینه ، مشکلات فراوان و طاقت فرسایی بر مسلمانان وارد شد . بسیاری از مهاجرین و انصار با تنگدستی روزگار می گذراندند ، به یقین با وجود این حالت رقت بار که برای حفظ اسلام و پیروی از پیامبر پیش آمده بود هرگز برای انسانهای با تقوا و دین دار قابل قبول نبود که خود در بهترین شرایط زندگی کنند و دیگر مسلمانان را به حال خود رها سازند .

بدین جهت حضرت زهرا علیهاالسلام که از نزدیک شاهد این مسائل بود چگونه می توانست چیزی بگوید در حالی که علی نیز یکی از همان تهی دستان بود که همانند سایر مسلمانان زندگی می کرد و اگر هم بر چیزی دست می یافت ، دیگران را بر خود مقدم می داشت .

تا چند

ص: ۴۷

سال وضع به همین منوال سپری شد ، علی و فاطمه زیراندازی به جز یک پوست گوسفند که روی آن می خوابیدند نداشتند ، با این حال فاطمه علیهاالسلام صبر کرد و سختی های زندگی را به خاطر خدا و پدر و شوهر خویش تحمل کرد پیامبر صلی الله علیه و آله ضمن با خیر بودن از وضع معیشتی علی علیه السلام و فاطمه علیهاالسلام پیوسته دختر خود را به صبر و شکیبایی در برابر مشکلات زندگی فرامی خواند .

انس گوید : روزی فاطمه علیهاالسلام خدمت پدر آمده ، عرض کرد یا رسول الله صلی الله علیه و آله من و پسر عمویم زیراندازی جز یک پوست گوسفند نداریم ، که شبها ما از آن استفاده نمی کنیم و روزها علف شترمان را روی آن پهن می نمایم . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : دخترم صبر کن زیرا موسی بن عمران علیه السلام ده سال از روزهای زندگی خود را سپری کرد در حالی که چیزی جز یک عبای قطوانیه نداشت . (۱)

همچنین نقل شده است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و ابوبکر و عمر به دعوت ابویوب به منزل او رفتند ، حضرت مقداری از گوشت را بر داشت و در قرص نانی گذارده به ابویوب فرمود : این را به خانه فاطمه علیهاالسلام برسان ؛ زیرا چند روز است که از چنین غذایی استفاده نکرده است . (۲)

جابر انصاری گوید : روزی پیامبر صلی الله علیه و آله چشمش به فاطمه افتاد در حالی که عبایی از پشم شتر بر سر افکنده و با دو دست خود آرد

ص: ۴۸

۱- ۱۰۱- احقاق الحق ، ج ۱۰ ، ص ۴۰۰.

۲- ۱۰۲- احقاق الحق ، ج ۱۰ ، ص ۴۰۰.

می کرد، و فرزند خود را نیز شیر می داد. پیامبر صلی الله علیه و آله از دیدن این منظره متاثر شده و در حالی که اشک بر گونه هایش جاری بود، فرمود: دخترم پیش از شیرینی آخرت تلخی دنیا را بچش.

فاطمه علیهاالسلام عرض کرد: یا رسول الله صلی الله علیه و آله خداوند را در برابر نعمتهایش ستایش می کنم و بر نعمتهای ظاهری اش شکر گزارم. (۱)

۸- پاسخ به پرسش های مذهبی

حضرت فاطمه علیهاالسلام به عنوان یک مبلغه دین از توان بالایی برخوردار بود.

از نظر علم جز با امام معصوم هرگز قابل مقایسه نیست و از نظر اخلاق و برخوردها باید وی را با پدر بزرگوارش مقایسه کرد. آن حضرت روش برخورد با مردم و به خصوص کسانی که در حوزه دین ابهاماتی داشتند، از پدرش یاد گرفته بود.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: زنی نزد حضرت فاطمه شرفیاب شد و گفت: من مادر ضعیفی دارم که در مورد نماز دچار اشتباهی گردیده و مرا نزد شما فرستاده تا از شما مشکل او را سؤال کنم. حضرت فاطمه جواب مسئله او را داد. وی بار دوم و سوم آمد و پرسید و پاسخ گرفت و این عمل تا ده بار تکرار شد و باز هم فاطمه زهرا علیهاالسلام جواب سؤال او را بیان کرد. آن زن از این همه رفت و آمدهای پی در پی شرمنده شد و گفت: بیش از این شما را به زحمت نمی اندازم و دیگر سؤال نمی کنم.

ص: ۴۹

دقیقه طاهره فرمود باز هم بیا و هر چه سؤال داری بپرس سپس ادامه داد اگر کسی را روزی اجیر نمایند که بار سنگینی را تا ارتفاعی بالا ببرد ولی در مقابل بعنوان اجر و مزد به وی صد هزار دینار طلا بدهند آیا در مقابل چنین اجرتی این بار سنگین برایش دشوار خواهد بود؟ آن زن پاسخ داد: نه.

حضرت فرمود: هر مسئله ای که پاسخ می‌دهم خداوند بیش از فاصله بین زمین و عرش که پر از لؤلؤ و جواهر شده باشد به من پاداش می‌دهد. پس مسلم است که تو هر قدر سؤال کنی برای من هیچ گونه ناراحتی ایجاد نخواهد کرد. از پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: روز قیامت که علمای شیعیان ما محشور می‌گردند به میزان دانش شان به آنان خلعت های گرانبهایی داده می‌شود و میزان خلعت ها با میزان تلاشی که برای ارشاد بندگان خدا نموده مناسبت دارد تا جایی که به یکی از آنان هزار زیور از نور هدیه می‌دهند.

آن گاه منادی از سوی پروردگار ندا می‌دهد: ای کسانی که ایتم آل محمد را سرپرستی کردید و ای آنان که در هنگام نبود پدران این ایتم که ائمه اطهار باشند آنان را محافظت و مراقبت می‌کردید، اینان همان شاگردان شما هستند، همان یتیمانی که سرپرستی و نگهداری شان نمودید و با علوم خود، آنان را شاداب و با طراوت کردید، پس آنان به مقدار علمی که به

شاگردان خود داده آید، از سوی خدا به آنان خلعت دهید، پس آنان به شاگردان خویش به مقدار درسی که به آنها در دنیا داده بودند خلعت می دهند حتی برخی از این شاگردان نیز به شاگردان خود خلعت می دهند و از سوی خدای تبارک و تعالی امر می شود که به معلمان، دو برابر آن چه به شاگردان خود خلعت داده اند خلعت داده شود.

پس حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: یک نخ از این خلعت های آخرتی از آن چه که خورشید یک میلیون بر آن بتابد با ارزش تر است. (۱)

۹- التزام به تعهدهای اخلاقی

بسیاری از انسان ها در موقع تبیین برخی از ارزش ها و طرفداری از آن، خوب سخن می گویند، اما نوبت به مرحله عمل می رسد، معلوم می شود که همه اش حرف بوده و بس. اما این اصل ارزشی یعنی تطابق گفتار و کردار در زندگی معلمان اخلاقی همچون فاطمه علیها السلام جایگاه بسیار مهم و ویژه ای دارد.

گویند: وقتی که قرار شد پیامبر صلی الله علیه و آله یک اسیر زن را به فاطمه هبه کند تا در کارهای خانه او را کمک نماید، رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی از اسرای ساحل بحر را خانه دخترش فرستاد و سفارش فرمود: تا با او مدارا شود.

هنگامی که فاطمه علیها السلام این سفارش را از پدر شنید، به پدر گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! کارهای خانه یک روز با من باشد و یک روز با او

ص: ۵۱

و در مرحله عمل نیز چنین کرده و تا آخر بدان پای بند بود . سلمان گوید : روزی فاطمه علیهاالسلام نشسته بود : و در برابرش دستاس گذارده بود ، و جو آرد می کرد و دست های آن حضرت زخمی شده بود ، از سوی دیگر حسین علیه السلام در گوشه خانه از گرسنگی به خود می پیچید ، عرض کردم : ای دختر رسول الله صلی الله علیه و آله ! دستهایت زخم شده است . چرا بعضی کارها را به فضا واگذار نمی کنی ؟ !

فرمود : پدرم به من سفارش کرده که کارهای خانه یک روز با من باشد و یک روز به عهده او ، و دیروز نوبت او بوده است . سلمان گوید : عرض کردم . . . اجازه دهید یا جو را آرد کنم و یا حسین علیه السلام را آرام نمایم ؟

فرمود : من به آرام کردن حسین علیه السلام شایسته ترم ، تو جو را آرد کن . مقداری از جو را آرد کردم تا این که صدای اقامه پیامبر صلی الله علیه و آله به گوش رسید ، در نماز جماعت پیامبر صلی الله علیه و آله شرکت نمودم و پس از نماز ، ماجرا را برای علی نقل کردم .

حضرت گریان به خانه رفت اما مدتی نگذشت که شاد و خندان به مسجد برگشت . پیامبر صلی الله علیه و آله جریان را از علی علیه السلام پرسید ، در جواب فرمود : بر فاطمه علیهاالسلام وارد شدم دیدم به پشت خوابیده و حسین هم روی سینه اش به

خواب رفته است و آسیاب و هم بدون آن که کسی آن را بگرداند می چرخد .

رسول خدا فرمود : مگر نمی دانی در روی زمین فرشتگانی است که در حال گردش اند و تا روز قیامت ، محمد و آل محمد را خدمت می کنند . (۱)

روشن است که فاطمه علیهاالسلام از اول می توانست چنین قراری را نگذارد و اگر گذاشت ، گاهی بخاطر رسیدگی بیشتر به فرزندان و یا در حالات ویژه به تعهد خود عمل نکند و یا درخواست کمک بنماید ، چرا که او نه سوگند یاد کرده بود و نه از لحاظ شرعی ملزم به رعایت چنین تعهدی بوده ؛ زیرا این مسئله فقط یک تعهد اخلاقی بود ، اما می بینیم که حضرت هرگز این عهد را نشکست و تا آخر به آن پای بند بود .

۱۰- خوشحالی از کم شدن بار مسئولیت

آورده اند روزی علی و فاطمه علیهاالسلام به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده درخواست کرده تا برنامه زندگی و خدمات در خانه را برای هر یک معین بفرماید .

پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیهاالسلام را به خدمت در درون خانه گماشت و آن چه مربوط به بیرون از خانه بود به علی واگذار کرد . فاطمه که از این تقسیم صحیح و حساب شده بسیار خوشحال گشته بود ، گفت : فلا- يعلم ما داخلنی من السسرور الا الله باکفائی رسول الله صلی الله علیه و آله تحمل رقاب الرجال ؛ فقط خدا می داند ، چقدر خرسندم از این که می بینم رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا از کارهایی

ص: ۵۳

که فقط از عهده مردان بر می آید معاف داشت . (۱)

ناگفته نماند این تقسیم بدان معنا نبود که دیگر علی در منزل دست به هیچ کاری نزنند و یا فاطمه علیهاالسلام در کارهایی که مربوط به تاءمین معاش و زندگی است به علی علیه السلام کمک نکند ، بلکه بر اساس برخی از روایات ، هم علی علیه السلام در خانه به کمک زهرا علیهاالسلام می شتافت و گاهی خانه را جارو می زد و گاهی فاطمه برای تاءمین معاش به کمک علی علیه السلام می شتافت و در مقابل رسیدن پشم برای مردم ، قدری جو می گرفت و از آن نانی تهیه می کرد .

۱۱- خدمت بی منت

در طول سالی که فاطمه علیهاالسلام در خانه علی علیه السلام بود با داشتن چهار فرزند خردسال (جز در سال های آخر که خادمه ای برای آن حضرت معین شد) تمام کارهای خانه را خودش انجام می داد . فاطمه علیهاالسلام علاوه بر بچه داری خود از چاه آب می کشید و جو آسیاب می کرد ، اما اظهار خستگی نکرده ، و هرگز به خاطر چنین کارهایی بر شوهر منت نگذاشت و یا از کار کردن در خانه استنکاف نکرد و از زیر بار مسئولیت شانه خالی ننمود .

فاطمه علیهاالسلام آن محبوبه خدا و پیامبری است که امیر مؤ منان علیه السلام درباره فضایل و سجایای اخلاقی اش به مردی از بنی سعد فرمود : آیا مایلی مطلبی را از خودم و از فاطمه علیهاالسلام برای تو بگویم ، او محبوبترین و عزیزترین خلق در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بود . او آنقدر

ص: ۵۴

با مشک آب از چاه کشید تا آن که در سینه اش اثر گذاشت و آن قدر با دستاس آرد کرد، تا آن که هر دو دستش سفت و سخت شد، و آن قدر خانه را نظافت کرد، تا آن که پیراهنش غبار آلود شد، و آن قدر آتش در زیر دیگ روشن کرد که لباسش سیاه رنگ گردید و این کارهای دشوار به وی آسیب فراوان وارد می آورد. روزی به فاطمه علیهاالسلام گفتم: چه خوب است نزد پدرت رفته و از آن حضرت بخواهی که خدمتگزاری برایت معین نماید تا این خدمات را انجام دهد

فاطمه علیهاالسلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت ولی گروهی در نزد آن حضرت نشسته بودند، لذا از گفتن حاجتش خودداری کرد و برگشت. (۱)

فاطمه الگوی حیا و عفاف

فاطمه الگوی حیا و عفاف

تا کنون به نام و تاریخچه بسیاری از زنان در جهان اسلام و یا حتی جهان بشریت برخورد کرده ایم، اما موفقیت هر یک از آن ها در یک جهت و بسیار محدود بوده و در مقایسه با یکدیگر، مشاهده می کنیم هیچ کدام جامع تمام صفات و کمالات اخلاقی و علمی نبوده اند. اما دخت نبی اکرم صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام خود به تنهایی جامع تمام صفات انسانی و کمالات اخلاقی است، چرا که به شهادت پدر بزرگوار و اولاد طاهرینش، آئینه تمام نمای رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و پاره تن او و حجت بر اوصیایش بوده است.

سیره و روش فاطمه علیهاالسلام بزرگترین درس برای

ص: ۵۵

همگان است که تطبیق و پیاده کردن آن ، سعادت و کامیابی را در پی خواهد داشت .

فاطمه علیهاالسلام مجسمه زهد ، پارسایی ، اخلاق و بزرگواری ، اخلاص و ایثار ، حجب و حیا عفت و پاکدامنی و صدها خصلت خوب انسانی بوده است که در این درنگ کوتاه به نشانه هایی از حیا و عفت این بانوی کرامت و فضیلت می پردازیم :

فاطمه علیهاالسلام معدن حجب و حیا

زندگی افتخارآمیز فاطمه علیهاالسلام پر از این نشانه ها است و آن ها گواهند که وی چقدر با حجب و حیا بوده و به این امر اهمیت می داده است .

فاطمه علیهاالسلام نه فقط در مسائل دنیوی از حریم حیا پاسداری می کرد ، بلکه حتی پس از مرگ خود حاضر نبود بدن پیچیده به کفنش در مقابل دیدگان نامحرم قرار گیرد و یا در آخرت همانند دیگر انسانها با بدن برهنه وارد صحنه قیامت و محشر کبری شود و تا این دو امر برایش تضمین نشد از اضطراب و دلهره بیرون نیامده و مرگ برایش گوارا نبود .

گفتگوی فاطمه علیهاالسلام و درخواست از اسماء

در صدر اسلام چنین رسم بود ، هنگامی که مرد یا زنی از دنیا می رفت ، پس از غسل و کفن ، او را روی تخته ای قرار داده و با کشیدن پارچه روی میت او را تا محل دفن تشییع می کردند .

این منظره که برای فاطمه علیهاالسلام بسیار زشت و زننده بود ، به هیچ وجه حاضر نبود ، که پس از مرگش این گونه حمل گردد ، چرا که هیکل زن اگر چه پوشیده بود ، اما کاملاً پیدا بود .

بدین جهت در

اواخر عمرش با گفتگویی که با اسماء داشت ، این مسئله را مطرح کرده و فرمود : ای اسماء؛ من زشت می دارم آنچه را که با جنازه زنان انجام می دهند که فقط پارچه ای به روی زن می کشند؛ اسماء گفت : من در حبشه چیزی دیدم و مایلیم شبیه آن را برای شما نشان دهم . آن گاه چند چوب تر و تازه درخت خرما را طلییده و آنها را خم نموده و پارچه ای برویش کشید . فاطمه علیهاالسلام از این کار بسیار شاد شد و فرمود : چقدر خوب و زیبا است . (۱) چرا که زن از مرد شناخته نمی شود . (۲)

اسماء گوید : فاطمه علیهاالسلام با دیدن این نعش ، خنده بر لبانش ظاهر شد چهره اش خندان نشد مگر همان وقت . (۳)

و در نهایت با تحسین این کار از اسماء خواستند که شبیه آن را برای او درست کنند ، سپس فرمود : مرا مستور و پنهان کن ، خداوند تو را از آتش جهنم مستور کند . (۴)

نمونه ای دیگر از حیات فاطمه

فاطمه علیهاالسلام پرسشهای زیادی از پدر داشتند و از جمله آن ها نحوه برانگیخته شدن انسانها در روز قیامت بود ، چرا که فاطمه علیهاالسلام از روز قیامت هول عظیمی در دل داشت .

گوید : روزی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم : آیا اهل دنیا روز قیامت برهنه اند ؟

فرمود : آری ای دخترم .

گفتم : آیا من هم برهنه ام ؟

فرمود : آری شما هم ولی آن جا کسی به کسی توجه ندارد .

گفتم : وا سواء تاه ، یومئذ

ص: ۵۷

۱- ۱۰۸- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۱۸۹.

۲- ۱۰۹- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۱۸۹.

۳- ۱۱۰- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۱۸۹.

۴- ۱۱۱- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۲۱۳.

من الله عزوجل؛ چقدر جای شرمندگی است، آن روز در مقابل خدای متعال. هنوز از محضر پدر بیرون نرفته بودم، که فرمود: اکنون، جبرئیل آمده به من می گوید: ای محمد به فاطمه سلام برسان، و بگو به جهت حیا و شرم از خدا پروردگار وعده فرمود: که او را در روز قیامت به دو لباس از نور ببوشاند. (۱)

فاطمه علیهاالسلام مظهر عفاف و حجاب

مسئله دوم این است که فاطمه علیهاالسلام بهترین مظهر عفت و پوشش زنان مسلمان است؛ زیرا با توجه به این که فاطمه علیهاالسلام آن بانویی نبود که کاملاً با خارج از خانه قطع رابطه کرده باشد؛ چون تاریخ گواه است که وی دعوت دیگر زنان را می پذیرفته، هم چنین جهت تهیه وسایل روزمره به ویژه در روزهایی که حضرت علی علیه السلام حضور نداشتند بیرون می رفته، مرتب به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و آمد می کرده، در جنگ احد، به همراه دیگر زنان به مداوای زخمهای پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخته، و در فتح مکه و حجه الوداع همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و پس از شهادت حمزه پیوسته به احد می رفته، و گاه برخی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله را به همراه آن حضرت به حضور می پذیرفته، اما با این حال باز هم بر مسئله عفاف و حجاب زن سخت تکیه می کرده است.

فاطمه علیهاالسلام در پی آن بود که زن به کرامت انسانی اش پی ببرد،

ص: ۵۸

و خود را فدای امیال و هوسهای دیگران نکند، فاطمه می خواست که دامان زن مسلمان و هر آزاداندیش را از هر گونه فساد اخلاق و روابط نامشروع و ضد ارزشهای دینی پاک نگه دارد.

از حضرت علی علیه السلام روایت شده که فرمود: ما روزی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودیم، فرمود به من خبر دهید چه چیز برای زنان بهتر است؟

هیچکدام نتوانست جواب حضرت را بگویند و برخواسته پراکنده شدند.

من به نزد فاطمه علیها السلام آمدم و سؤال را برای او نقل کردم و در ضمن گفتم که هیچیک از ما جواب رسول خدا را نمی دانستیم، حضرت زهرا علیها السلام فرمود من جواب سؤال را می دانم سپس فرمود: بهترین چیز برای زن این است که هیچ مردی او را نبیند و او هم هیچ مردی را نبیند.

من به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله برگشتم و گفتم یا رسول الله بهترین چیز برای زن این است که هیچ مردی او را نبیند و او هم هیچ مردی را نبیند.

حضرت با تعجب فرمود: شما که قبلا این جا حاضر بودید و چیزی نگفتید، پس این جواب را از کجا آوردی؟!

گفتم از فاطمه.

پیامبر صلی الله علیه و آله ضمن تعجب از دخترش فاطمه، فرمود: براستی که فاطمه پاره تن من است. (۱)

ناگفته نماند که این حدیث را هر یک به گونه ای معنی کرده اند که برخی از آن ها چندان صحیح بنظر نمی

ص: ۵۹

رسد ، مثلا برخی معتقدند که مراد فاطمه علیهاالسلام این است که زن نگاه شهوت آلود به مرد نکند . و همچنین به زن چنین نگاهی نکند .

در پاسخ باید گفت : این گونه نگاه کردن برای زن و مرد حرام است نه این که بهتر آن است که چنین نگاهی نکند .

و با این بیان حدیث را چه جور معنی کنیم ، آیا مقصود فاطمه این است که زن هرگز از خانه بیرون نرود ، که این معنی هم صحیح نیست ، زیرا نه تنها این امر امکان ندارد و عملی نیست ، بلکه با خطی مشی و سیره خود فاطمه مخالف است . زیرا عرض شد خود فاطمه علیهاالسلام رفت و آمد داشته .

پس منظور حضرت از این جمله چیست ؟

بنظر می رسد که حضرت زهرا علیهاالسلام تکیه اش بر این بوده که زن تا می تواند از حضور غیر ضروری خود بکاهد و در صورت حضور ، از اختلاطهای نامشروع و گفت و شنوهای غیر اخلاقی پرهیز کند .

درسی دیگر از فاطمه علیهاالسلام

آورده اند که روزی فردی نابینا از فاطمه اجازه ورود خواست ، حضرت زهرا علیهاالسلام خود را از او پنهان کرد ، پیامبر که در آن جا حاضر بودند پرسیدند : دخترم چرا خود را از او پنهان کردی در حالی که او تو را نمی بیند ؟

عرض کرد : درست است که او مرا نمی بیند اما من که او را می بینم ، علاوه بر این که این مرد نابینا بو را استشمام می کند . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود من گواهی می

دهم که تو پاره تن من هستی . (۱)

سیمای فاطمه در روز قیامت

سیمای فاطمه در روز قیامت

چهره مقدس و ملکوتی فاطمه زهرا علیهاالسلام در تاریخ اسلام آن قدر تابناک و روشن است که چندان به تحقیق و بررسی نیاز ندارد؛ اما با توجه به ایام شهادت (۲) آن بزرگوار شایسته است اندکی درباره فضایل حضرتش گفتگو کنیم . بر این اساس به سراغ روایات نورانی معصومان می رویم تا با مقام و جایگاه آن حضرت در قیامت آشنا شویم .

کیفیت برانگیخته شدن

برانگیخته شدن و رستاخیز از لحظات بسیار سخت و وحشتناک آینده بشر است ، زمانی که معصومان همواره بدان می اندیشیده و گاه از خوف آن بیهوش می شدند .

فاطمه علیهاالسلام نیز چنین بود و بیشتر بدین زمان می اندیشید ، فکر زنده شدن ، عریان بودن انسان ها در قیامت ، عرضه شدن به محضر عدل الهی و . . . او را در اندوه فرو می برد .

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید : روزی پیامبر صلی الله علیه و آله بر فاطمه وارد شد و او را اندوهناک یافت .

فرمود : دخترم ! چرا اندوهگینی ؟

فاطمه علیهاالسلام پاسخ داد : پدر جان یاد قیامت و برهنه محشور شدن مردم در آن روز رنجم می دهد .

پیامبر فرمود : آری دخترم ! آن روز ، روز بزرگی است ، اما جبرئیل از سوی خداوند برایم خبر آورد من اولین کسی هستم که برانگیخته می شوم ، سپس ابراهیم و آنگاه همسرت علی بن ابی طالب علیه السلام پس از آن خداوند جبرئیل را همراه هفتاد هزار فرشته به سوی تو می فرستد .

ص: ۶۱

۱- ۱۱۴- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۹۱ به نقل از نوادر راوندی .

۲- ۱۱۵- این مقاله در آستانه شهادت فاطمه زهرا علیهاالسلام در مجله کوثر شماره ۳۰ به چاپ رسیده است .

وی هفت گنبد از نور بر فراز آرامگاهت بر قرار می سازد . آنگاه اسرافیل لباس های بهشتی برایت می آورد و تو آن ها را می پوشی .

فرشته دیگری به نام زوقائیل مرکبی از نور برایت می آورد که مهارش از مروارید درخشان و جهازش از طلا . تو بر آن مرکب سوار می شوی و زوقائیل آن را هدایت می کند .

در این حال هفتاد هزار فرشته با پرچمهای تسبیح پیشاپیش تو راه می سپارند . اندکی که رفتی ، هفتاد هزار حور العین در حالی که شادمانند و دیدارت را به یکدیگر بشارت می دهند ، به استقبال می شتابند ، به دست هر یک از حوریان منقلی از نور است که بوی عود از آن بر می خیزد . . . آن ها در طرف راستت قرار گرفته همراهت حرکت می کنند هنگامی که به همان اندازه از آرامگاهت دور شدی ، مریم دختر عمران همراه هفتاد هزار حور العین به استقبال می آید و بر تو سلام می گوید ، آن ها سمت چپ قرار می گیرند و همراهت حرکت می کنند . آن گاه مادرت خدیجه ، اولین زنی که به خدا و رسول او ایمان آورد ، همراه هفتاد هزار فرشته که پرچمهای تکبیر در دست دارند ، به استقبال می آیند ، وقتی به جمع انسانها نزدیک شدی ، حوا با هفتاد هزار حور العین به همراه آسیه دختر مزاحم نزدت می آید ، و با تو رهسپار می شود .

حضور فاطمه علیهاالسلام در میان مردم

فاطمه جان ، هنگامی که به وسط جمعیت حاضر در قیامت می رسی ،

ص: ۶۲

کسی از زیر عرش پروردگار به گونه ای که تمام صدایش را بشنوند، فریاد می زند: چشمها را فرو پوشانید و نظرها را پایین تا افکنید تا صدیقه فاطمه، دخت پیامبر صلی الله علیه و آله و همراهانش عبور کنند.

پس در آن هنگام هیچ کس جز ابراهیم خلیل الرحمن و علی بن ابی طالب علیه السلام و... به تو نگاه نمی کنند. (۱)

جابر بن عبدالله انصاری نیز در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله این حضور را چنین توصیف می کند:

روز قیامت دخترم فاطمه علیها السلام بر مرکبی از مرکبهای بهشت وارد عرصه محشر می شود، مهار آن مرکب از مرورید درخشان چهار پایش از زمرد سبز، دنباله اش از مشک بهشتی و چشمانش از یاقوت سرخ است و بر آن گنبدی از نور قرار دارد که بیرون آن از درونش و درون آن از بیرونش نمایان است، فضای داخل آن گنبد، انوار عفو الهی و خارج آن پرتو رحمت خدایی است، بر فرازش تاجی از نور دیده می شود، که هفتاد پایه از در و یاقوت دارد که همانند ستارگان درخشان، نور می افشاند.

در هر یک از دو سمت راست و چپ آن مرکب هفتاد هزار فرشته به چشم می خورد.

جبرئیل مهار آن را در دست دارد و با صدای بلند ندا می کند: نگاه خود فراسوی خویش گیرد و نظرها را پایین افکنید، این فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله است که عبور می کند

ص: ۶۳

در این هنگام ، حتی پیامبران و انبیا و صدیقین و شهدا همگی از ادب دیده فرو می گیرند تا فاطمه علیهاالسلام عبور می کند ، و در مقابل عرش پروردگار قرار می گیرد . (۱)

منبری از نور برای فاطمه علیهاالسلام

در ادامه گفتگوی با دختر گرامی اش درباره چگونگی حضور وی در عرصه قیامت ، چنین می خوانیم :

سپس منبری از نور برای برقرار می سازند ، که هفت پله دارد و بین هر پله ای تا پله دیگر صفتی از فرشتگان قرار گرفته اند ، که در دستشان پرچمهای نور است . همچنین در طرف چپ و راست منبر ، حورالعین صف می کشند ، آن گاه بر بالای منبر قرار می گیری ، جبرئیل می آید و می گوید : ای فاطمه ! آن چه دوست داری از خدا بخواه (۲)

شکایت در دادگاه عدل الهی

اولین درخواست فاطمه علیهاالسلام در روز قیامت ، پس از عبور از برابر خلق شکایت از ستمگران است . جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نقل می کند :

هنگامی که فاطمه علیهاالسلام در مقابل عرش پروردگار قرار می گیرد خود را از مرکب به زیر انداخته اظهار می دارد : الهی و سیدی ، میان من و کسی که مرا آزرده و بر من ستم روا داشته داوری کن ، خدایا بین من و قاتل فرزندم حکم کن . (۳)

بر اساس روایتی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : دخترم فاطمه در حالی که پیراهن های خونین در دست دارد وارد ، محشر می شود پایه ای از پایه

ص: ۶۴

۱- ۱۱۷- فاطمه الزهرا، ص ۷۴، امالی صدوق ، ص ۱۶.

۲- ۱۱۸- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۲۲۵.

۳- ۱۱۹- امالی صدوق ، ص ۱۶.

های عرش را در دست می گیرد و می گوید: یا عدل یا جبار! حکم بینی و بین قاتل ولدی؛ ای خدای عادل و غالب، بین من و قاتل فرزندم داوری کن. قال فیحکم لابنتی و رب الکعبه؛ به خدای کعبه سوگند به شکایت دخترم رسیدگی می شود و حکم الهی صادر می گردد. (۱)

دیدار حسن و حسین

دومین خواسته فاطمه علیها السلام در روز قیامت از خداوند چنین است: خدایا حسن و حسین را به من بنمایان. در این لحظه امام حسن و امام حسین به سوی فاطمه علیها السلام می روند در حالی که از رگهای بریده حسین علیه السلام خون فوران می کند. (۲)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: هنگامی که گفته می شود وارد بهشت شو، می گوید: هرگز وارد نمی شوم تا بدانم پس از من با فرزندانم چه کرده اند!

به وی گفته می شود: به وسط قیامت نگاه کن. پس بدان سمت می نگرد و فرزندانش حسین علیه السلام را می نگرد که ایستاده و سر در بدن ندارد، دخت پیامبر ناله و فریاد سر می دهد.

فرشتگان نیز (با دیدن این منظره) ناله و فریاد بر می آورند. (۳)

امام صادق علیه السلام می فرماید: حسنین بن علی علیه السلام در حالی که سر مقدسش را در دست دارد می آید، فاطمه علیها السلام با دیدن این منظره ناله ای جانسوز سر می دهد، در این لحظه هیچ فرشته مقرب و پیامبر صلی الله علیه و آله مرسل و بنده مؤ

ص: ۶۵

۱- ۱۲۰. مناقب علی بن ابی طالب، ص ۶۳.

۲- ۱۲۱. بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۲۲۰.

۳- ۱۲۲. بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۲۲۱.

منی نیست مگر آن که به حال او می‌گرید . (۱)

در این موقعیت خداوند به خشم آمده به نام هبهب که هزار سال در آن دمیده شده تا سیاه گشته و هیچ آسودگی در آن راه نمی‌یابد و هیچ اندوهی از آن جا بیرون نمی‌رود ، دستور می‌دهد کشتندگان حسین بن علی علیه السلام را بر گیر و جمع کن ... آتش به فرمان پروردگار عمل کرده ، همه آن‌ها را بر می‌چیند . (۲)

شفاعت برای دوستان اهل بیت

سومین درخواست فاطمه علیها السلام در روز قیامت از پروردگار شفاعت از دوستان و پیروان اهل بیت است که مورد قبول حق قرار می‌گیرد و دوستان و پیروانش را مورد شفاعت قرار می‌دهد .

امام باقر علیه السلام می‌فرماید : هنگامی که فاطمه علیها السلام به در بهشت می‌رسد ، به پشت سرش می‌نگرد ، ندا می‌رسد ، ای دختر حبیب ! اینک دستور داده ام به بهشت بروی ، نگران چه هستی ؟

فاطمه علیها السلام جواب می‌دهد : ای پروردگار؛ دوست دارم در چنین روزی با پذیرش شفاعتم مقام و منزلتم معلوم شود . ندا می‌رسد : ای دختر حبیب برگرد و در این مردم بنگر و هر که در قلبش دوستی تو یا یکی از فرزندان نهفته است داخل بهشت کن . (۳)

امام باقر علیه السلام در روایتی دیگر می‌فرماید : در روز قیامت بر پیشانی هر فردی ، مؤمن یا کافر نوشته شده است . پس به یکی از محبان اهل بیت که گناهانش زیاد است دستور داده می‌شود به جهنم برده شود ،

ص: ۶۶

۱- ۱۲۳- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۲۲۱.

۲- ۱۲۴- همان ، ص ۲۲۲.

۳- ۱۲۵- تفسیر فرات کوفی ، ص ۱۱۴.

در آن هنگام فاطمه علیهاالسلام میان دو چشمش را می خواند که نوشته شده است دوست دار اهل بیت ، پس به خدا عرضه می دارد : الهی و سیدی ؛ تو مرا فاطمه علیهاالسلام نامیدی و دوستان و فرزندانم را به وسیله من از آتش دور ساختی و وعده تو حق است .

ندا می رسد؛ فاطمه علیهاالسلام راست گفتی ؛ من تو را فاطمه نامیدم ، و به وسیله تو دوستان و پیروانت و دوستان فرزندان و پیروانشان را از آتش دور گردانیدم .

وعده من حق است و هرگز تخلف نمی کنم . این که می بینی بنده ام را به دوزخ می برند ، بدین جهت بود که درباره اش شفاعت کنی و شفاعتت را بپذیرم تا فرشتگان ، پیامبران ، رسولان و همه مردم از منزلت و مقام آگاهی یابند .

حال بنگر دست هر که را که بر پیشانی اش مؤ من نوشته شده بگیر و به بهشت ببر(۱)

شفاعت دوستان فاطمه علیهاالسلام از دیگران

عظمت و مقام حضرت فاطمه در روز قیامت چنان است که خداوند به خاطر فاطمه علیهاالسلام به دوستان آن حضرت نیز مقام شفاعت می دهد .

امام باقر علیه السلام به جابر فرمود : جابر؛ به خدا سوگند ، فاطمه علیها جا با شفاعت خود در آن روز شیعیان و دوستان را از میان اهل محشر جدا می سازد؛ چنان که کبوتر دانه خوب را از بد جدا می کند . هنگامی که شیعیان فاطمه علیهاالسلام همراه وی به در بهشت می رسند ، خداوند در دلشان می افکند که به پشت سر بنگرند . وقتی که چنین کنند ،

ص: ۶۷

ندا می رسد : دوستان من اکنون که شفاعت فاطمه علیهاالسلام را در حق شما پذیرفتم ، نگران چه هستید ؟

آنان عرضه می دارند : پروردگارا؛ ما نیز دوست داریم در چنین روزی مقام و منزلت ما برای دیگران آشکار شود .

ندا می رسد : دوستانم برگردید و هر که را به خاطر دوستی فاطمه علیهاالسلام شما را دوست داشت و نیز هر که به خاطر محبت فاطمه علیهاالسلام به شما غذا ، لباس ، یا آب داده و یا غیبتی را از شما دور گردانیده همراه خود وارد بهشت کنید . (۱)

به سوی بهشت

فاطمه علیهاالسلام پس از شفاعت از دوستان و فرزندان و رسیدگی به شکایتش در دادگاه عدل الهی به فرمان خدا ، با جلال و شکوه خاصی وارد بهشت می شود .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید : روز قیامت دخترم فاطمه علیهاالسلام در حالی که لباس های اهدایی خداوند را که با آب حیات آمیخته شده پوشیده ، محشور می شود و همه مردم از مشاهده این کرامت تعجب می کنند . آنگاه لباسی از لباس های بهشت بر وی پوشانده می شود . بر هزار حله بهشتی برای او با خط سبز نوشته شده است : دختر پیامبر را به بهترین شکل ممکن و کامل ترین هیبت و تمام ترین کرامت و بیشترین بهره وارد بهشت سازید .

پس فاطمه علیهاالسلام را به فرمان پروردگار در کمال عظمت و شکوه ، در حالی که پیرامونش هفتاد هزار کنیز قرار گرفته ، به بهشت می برند . (۲)

استقبال حوریان بهشتی

رسول خدا به فاطمه علیهاالسلام فرمود : هنگامی

ص: ۶۸

۱-۱۲۷- تفسیر فرات کوفی ، ص ۱۱۴ .

۲-۱۲۸- ذخائر العقبی ، ص ۴۸ .

که به در بهشت می رسی ، دوازده هزار حوریه ، که تا کنون به ملاقات کسی نرفته و نخواهند رفت در حالی که مشعل های نورانی به دست دارند و بر شترانی از نور که جهازهایشان از طلای زرد و یاقوت سرخ و مهارهایشان از لؤلؤ و مروارید درخشان است سوارند ، به استقبال می شتابند .

پس وقتی داخل بهشت شدی ، بهشتیان به یکدیگر ورودت را بشارت خواهند داد و برای شیعیان سفره هایی از گوهر ، (۱) که بر پایه هایی از نور برقرار ساخته اند ، آماده می سازند و در حالی که هنوز سایر مردم گرفتار حساب رسی اند ، آنان از غذاهای بهشتی می خورند . (۲)

اولین سخن فاطمه علیهاالسلام در بهشت

سلمان فارسی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چنین روایت کرده است : هنگامی که فاطمه علیهاالسلام داخل بهشت می شود و در آن چه خداوند برایش مهیا کرده می بیند ، این آیه را تلاوت می کند :

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شكور الذي اءحلنا وار المقامه من فضله ؛ ستایش و سپاس ویژه خدایی است که اندوهمان را زدود . بدرستیکه پروردگار ما آمرزنده و پاداش دهنده است ، پروردگاری که در سایه بخشش خود ما را به بهشت و اقامتگاه همیشگی مان فرود آورد . ما در آن جا با رنج و ملالی روبرو نمی شویم . (۳)

نورانی شدن بهشت از نور فاطمه

ابن شهر آشوب می نویسد : در بسیاری از کتابها ، از جمله کشف ثعلبی و فضایل ابوالسعادات ، در معنای این آیه لا یرون فیها شمسا و لا

ص: ۶۹

۱- ۱۲۹- کنایه از غذاهایی بسیار خوب است .

۲- ۱۳۰- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۲۲۷.

۳- ۱۳۱- القطره ، ص ۱۹۲، و آیه در سوره مبارکه فاطر، آیه ۳۴.

و نمی بینند در بهشت نه آفتاب و نه سرمایی را . آورده اند که ابن عباس گفت : چنانکه بهشتیان در بهشت هستند ، ناگاه نوری می بینند که باغهای بهشت را نورانی کرد . اهل بهشت اظهار می دارند : خدایا تو در کتابی که بر پیامبرت فرستادی ، فرمودی : لا یرون فیها شمسا و لا زمهریرا ، بهشتیان در بهشت خورشیدی نخواهند دید .

ندا می رسد : این نور آفتاب و ماه نیست ، بلکه علی و فاطمه علیهماالسلام از چیزی تعجب کرده خندیدند و از نور آن دو ، بهشت روشن گردید . (۲)

زیارت انبیا از فاطمه علیهاالسلام در بهشت

آنگاه که همه انبیا و اولیای خدا وارد بهشت شدند ، آهنگ دیدار دختر پیامبر می کنند .

رسول خدا به فاطمه علیهاالسلام فرمود : هرگاه اولیای خدا در بهشت مستقر گردیدند ، از آدم گرفته تا سایر انبیا همه به دیدارت می شتابند . (۳)

عنايات خداوند به فاطمه علیهاالسلام در بهشت

۱- خانه های بهشتی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : هنگامی که مرا به معراج بردند و داخل بهشت شدم ، به قصر فاطمه علیهاالسلام رسیدم ، درون آن هفتاد قصر بود که تمام در و دیوار و اتاقهایش از دانه های مروارید سرخ ساخته شده ، همه آنها به یک شکل زینت داده شده بود . (۴)

۲- همنشینی با پیامبر صلی الله علیه و آله

پیامبر به علی فرمود : یا علی تو و دخترم فاطمه علیهاالسلام در بهشت در قصر من همنشین من هستید . سپس این آیه را تلاوت فرمود : برادران بهشتی روبروی هم می نشینند . (۵)

۳- درجه وسیله

رسول خدا فرمود : ان فی الجنة درجه تدعی الوسيله فاذا ساءلتم الله فاساءلوا لی

ص: ۷۰

۱- ۱۳۲- سوره انسان ، آیه ۱۳ .

۲- ۱۳۳- مناقب آل ابی طالب ، ج ۳ ، ص ۳۲۹ .

٣-١٣٤- بحار الاءنوار، ج ٤٣، ص ٢٢٧.

٤-١٣٥- همان ، ص ٧٦.

٥-١٣٦- فاطمه الزهراء، ص ٩٩.

قالوا یا رسول الله من یسکن معک فیها ؟

قال علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و الحسن علیه السلام و الحسین علیه السلام . (۱)

در بهشت درجه ای به نام وسیله است . هر گاه خواستید هنگام دعا ، چیزی برایم بخواهید ، مقام وسیله را از خداوند خواستار شوید .

گفتند : یا رسول الله صلی الله علیه و آله چه کسانی در این درجه (مخصوص) با شما همنشین خواهند بود ؟

فرمود : علی علیه السلام ، فاطمه علیها السلام ، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام .

علامه امینی در منقبت ۲۶ می نویسد : از مناقب حضرت زهرا علیها السلام همراه بودن او با پدر و همسر و فرزندان در درجه وسیله است . آن جا پایتخت عظمت حضرت حق ، تبارک و تعالی است و جز پنج تن هیچ یک از انبیا و اولیا و مرسلین و صالحان و فرشتگان مقرب کسی بدان راه نمی یابد . (۲)

۴- سکونت در حظیره القدس

سیوطی در مسند می نویسد : ان فاطمه علیها السلام و علیا علیه السلام و الحسن و الحسین فی حظیره القدس فی قبه بیضاء سقفها عرش الرحمن ؛ فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام و حسن و حسین در جایگاهی بهشتی به نام حظیره القدس در زیر گنبدی سفید به سر می برند ، که سقف آن عرش پروردگار است . (۳)

همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : در قیامت جایگاه من و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن و حسین سرایی زیر عرش پروردگار است . (۴)

نویسنده خصایص فاطمه علیها السلام ضمن مفصل درباره حظیره القدس می نویسد :

ص: ۷۱

۱- ۱۳۷- فاطمه الزهراء، ص ۹۹.

۲- ۱۳۸- همان ، ص ۱۱۳.

۳- ۱۳۹- مسند فاطمه ، ص ۴۵، کفایه الطالب ، ص ۳۱۱، بشاره المصطفی ، ص ۴۸.

۴- ۱۴۰- فاطمه الزهراء، ص ۱۰۰.

ر بهشت والاترین جایگاه ها حظیره القدس است . (۱)

۵- بخشیدن چشمه تسنیم به فاطمه علیها السلام

طبری از همام بن ابی علی چنین نقل می کند : به کعب الحبر گفتم : نظرت درباره شیعیان علی بن ابی طالب چیست ؟

گفت : ای همام من اوصافشان را در کتاب خدا می یابم ، اینان پیروان خدا و پیامبرش و یاران دین او و پیروان و لیش شمرده می شوند . اینان بندگان ویژه خدا و برگزیدگان اویند . خدا آنها را برای دینش برگزید و برای بهشت خویش آفرید .

جایگاه شان در فردوس اعلاهی بهشت در خیمه ای که از اتاقهایی از مروارید درخشان دارد زندگی می کنند ، آنان از مقربین ابرارند و سرانجام از جام رحیق مختوم می نوشند .

رحیق مختوم چشمه ای است که به آن تسنیم گفته می شود و هیچ کس جز آنها از آن چشمه استفاده نخواهند کرد . تسنیم چشمه ای است که خداوند آن را به فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و همسر علی بن ابی طالب علیه السلام بخشید و از پای ستون خیمه فاطمه جاری می شود . آب آن چشمه چنان گوارا است که به سردی کافور و طعم زنجفیل و عطر مشک شباهت دارد . (۲)

فاطمه و نقل حدیث از پیامبر

فاطمه و نقل حدیث از پیامبر

موقعیت ممتاز حضرت زهرا علیها السلام این فرصت را به حضرتش داد تا معارف اسلامی را بدون واسطه از پدر بزرگوارش فراگیرد ، آن معارفی که جز او و فرزندان او کسی دیگر به کنه و عمق آن نرسید . از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله احادیثی شامل مطالب اخلاقی ،

ص: ۷۲

۱- ۱۴۱- خصایص فاطمه ، ص ۳۴۱.

۲- ۱۴۲- بشاره المصطفی ، ص ۵۰.

اجتماعی، اعتقادی، تفسیری، از قبیل احترام به همسر، رعایت حقوق همسایگان و مطالبی دیگر پیرامون فضائل علی علیه السلام و شیعیان و پیروان آن حضرت، برخی از پیشگویی‌ها، برخی از دعاها، موقع استجابت دعا و... رسیده است. آری واقعا جای تأسف است که امت از این گوهر ناشناخته پس از پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ استفاده نکرده، به جای آن که از طریق این بانوی با عظمت به مسائل مهم جامعه زنان دست یافته و دری‌های زیبا و شیرینی را نسبت به راه و روش زندگی از دو لب مبارکش بشنوند، به غیر از خون دل دادن به حضرتش کار دیگری نکردند.

فاطمه علیها السلام مخزن اسرار پیامبر

حارثه بن قدامه از سلمان از عمار از حضرت فاطمه علیها السلام مطلبی را نقل کرده که نشان می‌دهد که سینه زهرا علیها السلام در بردارنده چه علوم و اسراری از پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده که امیر مؤمنان علیه السلام را به حیرت در آورده بود.

روایت شده است روزی عمار به سلمان فارسی گفت: آیا می‌خواهی چیزی عجیبی را از فاطمه علیها السلام برایت نقل کنم؟

سلمان گفت: گفتم آری، نقل کن. ای عمار! او گفت: روزی علی علیه السلام را دیدم که بر فاطمه علیها السلام وارد شد. تا چشم فاطمه علیها السلام به علی علیه السلام افتاد، فریاد زد: علی جان! نزدیک شو تا درباره آنچه که گذشته و آنچه خواهد شد و آنچه که اتفاق نمی‌

افتد تا روز قیامت برایت بگویم .

عمار گفت : دیدم که امیر مؤمنان آرام آرام به عقب برگشت و من هم با برگشتن علی علیه السلام به عقب برگشتم . آن حضرت آمد تا بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : یا ابالحسن ! پیش بیا . همین که در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله نشست ، فرمود : تو مرا خبر می دهی یا من تو را خبر دهم ؟

علی علیه السلام فرمود : شنیدن حدیث از شما بهتر است ای رسول خدا . حضرت فرمود : بر فاطمه علیها السلام داخل شدی و به تو چنین و چنان گفت و همان دم برگشتی . علی علیه السلام فرمود : آیا نور فاطمه علیها السلام از نور ما است ؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : آیا نمی دانی ؟ پس علی علیه السلام به سجده افتاده خدا را شکر کرد . عمار گفت : پس امیر مؤمنان علیه السلام از محضر پیامبر صلی الله علیه و آله خارج شده و بر فاطمه علیها السلام وارد شد و من همراهش وارد شدم . فاطمه علیها السلام فرمود : گویا خدمت پدرم رفتی و آنچه را که به تو گفته بودم ، به عرضش رساندی .

فرمود : آری ، فاطمه جان . فاطمه علیها السلام فرمود : بدان ای ابالحسن ! خداوند نور مرا خلق کرد در حالی که او را تسبیح می گفت و این نور را به درختی از درختان بهشت سپرد و این درخت بر اثر نور

من نورافشانی می کرد تا این که پدرم در وقت معراج ، وارد بهشت شد ، خداوند همان وقت بر دل پدرم انداخت تا میوه ای از همان درخت بچیند و تناول کند ، سپس این نور را به مادرم سپرد که مرا به دنیا آورد و من از همان نور می باشم (۱)

اهتمام فاطمه علیهاالسلام نسبت به احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله

از برخورد حضرت فاطمه علیهاالسلام نسبت به حفظ و نگهداری احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله چنین بر می آید که وی به احادیث و آثار پیامبر صلی الله علیه و آله بیش از هر چیز اهمیت می داد تا جایی که برای لحظاتی یکی از همان احادیث را در کنار خود ندید ، سخت برآشفته و از خادمه خود خواست تا هر چه زودتر آن را پیدا نموده و حاضر سازد .

شقیق بن سلمه از ابن مسعود نقل کرده است : مردی به حضور فاطمه علیهاالسلام رسید . گفت : ای دختر رسول خدا ! آیا از پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی نزد شما مانده است که به من مرحمت کنید ، حضرت به خدمتکار خود فرمود : آن جریده را بیاور . خدمتکار به جست و جوی پرداخت ولی آن را پیدا نکرد .

حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود : وای بر تو ، آن جریده نزد من با حسن و حسین برابری می کند . خدمتکار پس از جست و جوی بسیار آن را در ظرف خاکروبه انداخته است . و در این جریده چنین نوشته بود :

حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود : لیس من المؤمنین

ص: ۷۵

من لم ياء من جاره بوائقه و من كان يؤ من بالله و اليوم الاخر فلا يؤ ذى جاره و من كان يؤ من بالله واليوم الاخر فليقل خيرا او يسكت . ان الله تعالى يحب الخير الحليم المتعفف و يبغض الفاحش العنيد البزاء السائل الملحف . ان الحياء من الايمان والايمن فى الجنة ؛ از مؤ منين نيست كسى كه همسايه از آزار وى در امان نباشد ، هر كس به خدا و روز قيامت ايمان دارد بايد سخن خوب بگويد و گرنه ساكت باشد . خداى متعال اهل خير بر دبار عفيف را دوست مى دارد و شخص بد زبان و سست و لجوج را دشمن مى دارد . حيا از ايمان است و صاحب ايمان در بهشت است و فحش از زشت گفتار و زشت گفتار هم در آتش است . (۱)

چرا از فاطمه احاديث كمى بر جاى مانده ؟

اين امر ممكن است چند جهت داشته باشد . يكى اين كه ايشان نمى توانستند همانند ساير معصومين عليهم السلام آزادانه به نقل حديث پردازند . بدين جهت احاديث نقل شده از ايشان كم مى باشد ولى اين احتمال به دو جهت صحيح نيست . زيرا اولاً راويان مرد از حضرتش روايت کرده اند و ثانياً مگر روايت فقط به مردان منحصر بوده و زنان حق روايت نداشته اند .

علت ديگر : همان ظلم آشكارى است كه پس از پيامبر صلى الله عليه و آله به اهل بيت آن حضرت شد ، بزرگترين مانع از نشر و گسترش احاديث اهل بيت عليهم السلام على الخصوص فاطمه زهرا عليها السلام بود تا آنجا كه آن هاى هم كه از او روايتى شنيده بودند ،

ص: ۷۶

۱- ۱۴۴- اخلاق حضرت فاطمه ، ص ۵۸؛ مسند فاطمه زهرا عليها السلام ، ص ۵۸۵؛ سفينه البحار، ج ۱، ص ۲۲۹ و دلائل الامامه ، ص ۱.

به خاطر ترس و وحشتی که حاکم بود ، از نقل آن ها خودداری کرده ، در سینه های خود پنهان کردند .

ابوهریره در این رابطه می گوید : تا زمانی که عمر زنده بود ، ما جرات نداشتیم یک حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کنیم . (۱)

و ممکن است چون بسیاری از این احادیث در فضل اهل بیت علیهم السلام خاصه علی بن ابی طالب علیهما السلام بوده ، آن ها را شنیده اند اما از روی دشمنی و کینه ای که با اهل بیت و علی علیهم السلام داشتند ، از بیان آن احادیث خودداری کردند .

راویان حدیث از حضرت فاطمه علیها السلام

عده نسبتا زیادی از حضرت زهرا علیها السلام حدیث نقل کرده اند که علاوه بر امیر مؤمنان ، امام حسن ، امام حسین ، حضرت زینب و ام کلثوم افراد زیر به نقل حدیث از حضرتش پرداخته اند :

۱- سلمان فارسی ۲- ابوذر غفاری ۳- جابر بن عبدالله انصاری ۴- عبدالله بن مسعود ۵- یحیی بن جعد ۶- حکم بن ابی نعیم ۷- عمرو بن الشرید ۸- حذیفه بن الیمان ۹- ربیع بن حراش ۱۰- انس بن مالک ۱۱- ابوسعید خدری ۱۲- ابن ابی ملیکه ۱۳- ابو ایوب انصاری ۱۴- ابو هریره ۱۵- بشیر بن زید ۱۶- سهل بن سعد انصاری ۱۷- شیب بن ابی رافع ۱۸- عباس بن عبدالمطلب ۱۹- عبدالله بن عباس ۲۰- عوانه بن الحکم ۲۱- قاسم بن ابی سعید خدری ۲۲- هشام بن محمد ۲۳- زینب دختر ابو رافع ۲۴- عایشه ۲۵- ام سلمه ۲۶- اسماء بنت عمیس ۲۷- سلمی رافع و غیر از این ها که می توان به روایات این عده در دلائل الامامه ، بشاره المصطفی ، امالی شیخ طوسی ، کفایه الاثر ، مسند فاطمه علیها السلام و ده ها

ص: ۷۷

گلایه ای از مسند نویسان و سخنی با احمد

با توجه به شمار قابل توجه راویان حدیث از حضرت زهرا علیها السلام این گلایه را از همه مسند نویسان به ویژه احمد بن حنبل داریم که چرا نسبت به دختر پیامبر صلی الله علیه و آله آن همه بی توجهی کرده اند .

اما سخنی که با احمد داریم این است که اگر ما به جلد ششم مسند نگاهی بیفکنیم ، خواهیم دید که وی از عایشه در حدود دویست و پنجاه و سه صفحه حدیث نقل کرده ولی از حضرت فاطمه علیها السلام حدود یک صفحه و نیم که جمعا ده حدیث می شود نقل کرده است که حدیث اول و دوم و هشتم به یک مضمون اشاره شده ، منتهی با این تفاوت که یکی را به صورت مجمل و دیگری با تفصیل بیشتری آورده است .

حال این سؤال ما این است آیا عایشه تا موقع رحلت آن حضرت نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بیشتر بوده یا حضرت فاطمه علیها السلام . مگر به قول مورخین عامه ، حضرت زهرا پنج سال پیش از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیا نیامده است ؟ و آیا مگر همسری عایشه با رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه صورت نگرفته است ؟ حداقل هجده سال (۱) حضرت فاطمه علیها السلام در کنار پدر بوده است . سؤال دیگر ما این است که آیا در این هجده سال ، سالی یک حدیث هم حضرت فاطمه علیها السلام از پدر روایت نکرده که حداقل هجده روایت از دوران مکه و مدینه برای فاطمه علیها السلام از پیامبر

ص: ۷۸

۱- ۱۴۶- بنا به قول کلبی که فاطمه علیها السلام در سن سی و پنج سالگی از دنیا رفته ، باید گفت : حدود بیست و پنج سال در مکه در خدمت پدر بوده است . ذخائرالعقبی ، ص ۵۲.

صلی الله علیه و آله نقل شود؟ ما اگر حضور ده ساله پیامبر صلی الله علیه و آله را در مدینه حساب کنیم، حضور و درک محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توسط فاطمه علیها السلام بیشتر می باشد یا عایشه؟ با توجه به این که پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت فاطمه علیها السلام بیشتر همدم و همراز بوده، حضرت فاطمه علیها السلام می باید بیشتر روایت داشته باشد یا عایشه؟

آیا ملاقات پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت فاطمه علیها السلام بیشتر بوده یا با عایشه که از هر چند شب یک شب نزد او بوده است؟

از نویسندگان مسند احمد باید پرسید: مگر پیامبر صلی الله علیه و آله در این مدت نه سال به خانه زهرا علیها السلام رفت و آمد نداشته؟ آیا به هنگام ملاقات کاملاً سکوت می کرده تا بگوئیم فقط نه یا ده روایت از پدرش نقل کرده است؟ آیا چنین چیزی باور کردنی است. آیا به هنگام میلاد امام حسن، امام حسین و حضرت زینب کبری، آن حضرت جهت تبریک به خانه زهرا علیها السلام نرفته و چیزی بفرموده که وی آن ها را ضبط کند. آیا به هنگام رحلت و روزهای بیماری، فاطمه علیها السلام به عیادت پدر نرفته ۹ و هیچ حدیث و روایتی از او نقل نکرده؟ آیا این ظلم آشکار از یک عالم حدیث شناس بخشودنی است؟

مسند است یا کتاب فضایل؟

اما سخنی که با سیوطی (متوفای ۹۱۱ هجری ق) داریم این است که وی مسندی برای حضرت فاطمه علیها السلام جمع

کرده است که خواننده در ابتدا فکر می کند ، وی دویست و هشتاد و چهار حدیث از احادیثی را که حضرت فاطمه علیهاالسلام نقل کرده ، در این کتاب آورده است . اما بعد روشن می شود که چنین خبری نیست ، زیرا از نام گذاری خود کتاب مشخص است که مؤلف بین روایاتی که حضرت فاطمه علیهاالسلام نقل کرده و بین روایاتی که در فضل و مقام حضرت علیهاالسلام فاطمه علیهاالسلام نقل شده ، جمع کرده است و نام آن را مسند گذاشته است .

و از دویست و هشتاد و چهار شماره ای که در مقابل احادیث زده شده ، فقط سی و چهار حدیث را حضرت فاطمه علیهاالسلام نقل کرده که دو حدیث از آن ها با دیگری اشتراک در نقل دارد و با این بیان به نظر می رسد اگر نام کتاب احادیث فی فضل فاطمه علیهاالسلام می گذاشت ، بهتر بود . زیرا چیزی که در آن بسیار کم به چشم می خورد ، مسند فاطمه علیهاالسلام است . ثالثاً از سی و چهار حدیث یاد شده ، دو روایت سه بار تکرار شده و هفت حدیث دو بار تکرار گشته است که با حذف احادیث مکرر فقط بیست و چهار حدیث باقی می ماند .

و بقیه احادیث نقل شده ، جز یک حدیث که از تیغ محقق کتاب جان سالم به در برده ، به نظر آقای فواز احمد زمرلی محقق کتاب مسند فاطمه سیوطی ، یا ضعیف هستند یا مجهول یا مرفوع یا مرسل و سرانجام برای هر کدام عیبی تراشیده که در نتیجه به

نظر ایشان از حضرت فاطمه علیهاالسلام هیچ حدیث صحیحی از پدرش نرسیده است . آیا بی انصافی بیش از این قابل تصور است .

گسترش فرهنگ کوثر به وسیله معصومین علیهم السلام

اگر چه دشمنان اهل بیت : دست به تلاش وسیع و گسترده ای زدند تا جلوی گسترش فرهنگ کوثر را بگیرند و متأسفانه در برخی زمینه ها نیز موفق گردیدند و در برخی کتاب های حدیثی اثر منفی خود را گذارد اما امامان معصوم : با جدیت تمام تا حدودی توانستند مانع گسترش این کار شوند . از این رو مشاهده می کنیم که مطالب فراوانی از زبان فاطمه علیهاالسلام به وسیله هر یک از آن ها به دست ما رسیده است و آن چه را که دشمن در پی از بین بردن یا تضعیف آن ها بود ، اهل بیت احیا کردند و مطالب گوناگونی از قبیل مناقب ، فضائل ، روش زندگی ، سیره و سنت و رفتار حضرت فاطمه علیهاالسلام در زندگی نه ساله اش ، برخورد و گفت و گوهای وی با پیامبر صلی الله علیه و آله در بسیاری از مسائل اخلاقی ، اجتماعی ، معنوی و ده ها موضوع دیگر را به عنوان میراث اصیل حضرت فاطمه علیهاالسلام برای آیندگان به یادگار گذاشتند که در کتاب ها و منابع دست اول شیعه فراوان به چشم می خورد ، بدین جهت باید احادیث حضرت فاطمه علیهاالسلام را از لابلای گفته های امامان معصوم به دست آورده و از اندیشه های والایش بهره برد .

بررسی حوادث هجوم به خانه فاطمه

بررسی حوادث هجوم به خانه فاطمه

در این که پس از رحلت پیامبر بزرگوار اسلام خانه فاطمه مورد هجوم برخی از خدا بی خبران قرار گرفت جای هیچ

گونه شك و تردیدی نمی باشد چرا که به شهادت مورخان شیعه و سنی این کار صورت گرفته و در این راستا به فاطمه زهرا علیهاالسلام نه تنها بی احترامی و اهانت شد بلکه به تنها یادگار پیامبر آسیب های فراوانی وارد گردید .

اینک همراه ما باشید تا به این واقعیت پی ببرید :

پیشگویی پیامبر درباره فاطمه

پیامبر صلی الله علیه و آله این مسئله را پیش از رحلت در چند نوبت پیشگویی کرده و تاءثر عمیق خود را پیشاپیش اظهار داشته ، چنان چه صدوق به سند خود از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل می کند :

روزی من و فاطمه و حسن و حسین در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که یک مرتبه نگاهی به ما افکنده گریه اش گرفت . گفتم یا رسول الله صلی الله علیه و آله چرا گریه می کنی ؟
فرمود : برای آنچه که پس از من بر شما وارد می شود ، گریستم .

عرض کردم بر سر ما چه خواهد آمد ؟

فرمود : گریه ام برای آن ضربتی است که بر فرق تو خواهند زد و بر آن سیلی که به صورت زهرا می زنند . . . (۱)

و در حدیث دیگر نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام احتضار سخت به گریه افتاد که محاسن شریفش تر شد . علت گریه را از حضرتش پرسیدند .

فرمود : گریه ام بر آنست که می بینم اشرار امتم پس از من با اهل بیت من چه بی حرمتی ها می کنند . گویا می بینم که به دخترم فاطمه

ص: ۸۲

ظلم شده در حالی که فریاد می زند ای پدر ، ای پدر که هیچ یک از امتم به فریاد او نمی رسد . . . (۱)

ممکن است برخی ناآگاهان چنین فکر کنند که هرگز چنین بی حرمتی نبوده است ، زیرا فاطمه علیهاالسلام آنقدر نزد صحابه عزیز بوده که احدی به خود چنین جرئتی نمی داده تا به ساحت مقدسش اهانتی روا داشته باشد .

در پاسخ می گوئیم که به چند دلیل اهانت صورت گرفته است :

اولا-: اگر اهانتی نکرده بودند پس چرا از علی علیه السلام خواستند تا ترتیب ملاقات با حضرت زهرا را برای آن ها فراهم کرده تا از فاطمه علیهاالسلام معذرت خواهی کنند . (۲)

و ثانيا: اگر آزار و اذیت نداده بودند پس چرا ابوبکر در آخر عمر بیماری مرگ ، پیوسته می گفت : و لیتنی لم افتش بیت فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله و ادخله الرجال و لو کان اغلق علی حرب (۳) و یا این که می گفت : فلیتنی ترکت بیت علی و ان کان اءعلن الحرب و خلاصه این دو نقل تاریخی این است که : ای کاش به سراغ خانه علی علیه السلام و فاطمه علیهاالسلام نمی رفتم و به خانه اش داخل نشده و مردان را وارد نمی کردم گر چه درب آن خانه را برای جنگ بر روی من بسته بودند . آیا اگر بی حرمتی نسبت به فاطمه علیهاالسلام انجام نداده بود این گونه آشکارا و بی پرده اظهار پشیمانی می کرد ؟

چرا به خانه فاطمه علیهاالسلام هجوم آوردند ؟

این بی حرمتی به خانه وحی می تواند علل گوناگونی داشته باشد ،

ص: ۸۳

۱- ۱۴۸- نوادرالاءخبار، ص ۱۶۲، بشاره المصطفی ، ص ۱۹۸.

۲- ۱۴۹- الامامه والسیاسه ، ج ۱، ص ۲۰، الدرالثمین ، ص ۵۱.

۳- ۱۵۰- تاریخ یعقوبی ، ج ۲، ص ۱۳۷.

اما مهمترین علت و انگیزه ای که آن ها را وادار به چنین کاری کرد مسئله گرفتن بیعت از علی علیه السلام بود ، که اگر این کار را نمی کردند ، بسا در آینده برای خودشان ایجاد مشکل می کرد .

و این مسئله به روشنی دلالت دارد ، اگر نگوییم هدف آنان به انزوا کشاندن اهل بیت از صحنه سیاست و خلافت اسلامی بود . به این که نه تنها حق ادعای خلافت و رهبری مسلمین را ندارد بلکه به عنوان یک مسلمان باید با خلیفه مسلمین بیعت کند و شاید این مسئله مهمتر از اصل بیعت کردن بود ، زیرا در همان زمان بسیاری از مردم همانند سعد بن عباد و دیگران بیعت نکردند ، اما نه تنها به خانه شان هجوم نشد ، بلکه مورد اعتراض هم قرار نگرفتند . این جاست که باید عده ای اعرابی و خشونت طلب و بدور از عاطفه و اخلاق اسلامی همانند مغیره بن شعبه را پیدا کرده و از آن ها در جهت شکستن حریم اهل بیت استفاده کرد .

آغاز ماجرا

عمر بن ابی المقدام از پدرش از جدش نقل کرده که گفت :

در سقیفه بنی ساعده در طرف راست ابوبکر نشسته بودم و مردم با او بیعت می کردند ، در این جا عمر بن الخطاب به او رو کرد و گفت : در صورتی که علی علیه السلام با تو بیعت نکند ، هیچ کاری از پیش نبرده ایم ، کسی را به سراغ علی فرستاده و دستور ده تا بیاید و با تو بیعت کند .

ابوبکر به قنفذ دستور داد

ص: ۸۴

تا به خانه علی علیه السلام رفته و او را برای بیعت فرا خواند .

قنفذ به در خانه علی علیه السلام آمده گفت : اءعجب خلیفه رسول الله صلی الله علیه و آله . علی فرمود : لاءسرع ما کذبتم علی رسول الله صلی الله علیه و آله ما خلف رسول الله صلی الله علیه و آله اءحدا غیری ؟

به ندای خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله پاسخ گوی . علی علیه السلام فرمود : چه زود بر رسول خدا صلی الله علیه و آله دروغ گفتید . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هیچ خلیفه و جانشینی غیر از من قرار نداده است !

قنفذ برگشته و سخن علی علیه السلام را به ابوبکر گزارش داد .

ابوبکر گفت ، به نزد او رفته بگو : ابوبکر تو را خوانده و می گوید : بیا و بیعت کن زیرا تو فردی از مسلمانان هستی .

علی علیه السلام این بار در پاسخ فرمود : پیامبر صلی الله علیه و آله به من دستور داده تا پس از او از منزل خارج نشوم مگر کتاب خدای را جمع بنمایم . . . (۱)

علامه طبرسی می نویسد : هنگامی که علی علیه السلام به قنفذ اجازه ورود به خانه را نداد ، وی به مسجد برگشته ، اظهار داشت : لم یاءذن لنا .

عمر گفت : اگر به شما اجازه داد که چه بهتر و اگر اجازه نداد ، بدون اذن و اجازه علی علیه السلام وارد خانه او شوید .

بار دیگر به سوی خانه فاطمه علیها السلام رفته و اجازه

ص: ۸۵

ورود خواستند ، فاطمه علیهاالسلام فریاد زد : اجازه نمی دهم وارد شوید . در این جا کسانی که همراه قنفذ بودند برگشتند و او هم چنان پشت در خانه فاطمه علیهاالسلام ماند ، آنان به نزد عمر آمده و گفتند : فاطمه علیهاالسلام اجازه نداد ، در این جا عمر به خشم آمده ، گفت : ما لنا و للنساء؛ ما را با زنان چه کار است ، سپس به گروهی که در اطرافش بودند دستور داد تا مقداری هیزم همراه خود برداشته و خود نیز مقداری هیزم برداشته و در اطراف منزل فاطمه قرار گرفتند . و در آن منزل علی علیه السلام و فاطمه علیهاالسلام و فرزندانشان بودند .

این جا بود که عمر فریاد برآورد به گونه ای که علی بشنود و گفت : برای بیعت با خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله بیرون می آیی یا خانه ات را بر تو بسوزانم . . . (۱)

و این بار فاطمه سخن گفت

مورخین نوشته اند : وقتی که فاطمه صدای عمر را شنید خود به پشت درب آمده و فرمود : مردمی بدتر از شما سراغ ندارم ، جنازه رسول خدا را در نزد ما رها کرده ، خود رفتید و امر خلافت را بین خود تمام کردید ، و هیچ حقی را برای ما در نظر نگرفتید ، گویا از سخن پیامبر در روز غدیر خبری ندارید .

سوگند به خدا در آن روز پیامبر ولایت را برای علی بیان داشت تا امید شما را قطع نموده و دستتان را از خلافت کوتاه کند . . . (۲)

سپس با صدای بلند پدر را مخاطب

ص: ۸۶

۱- ۱۵۲- احتجاج طبرسی ، ج ۱، ص ۱۰۸.

۲- ۱۵۳- احتجاج ، ج ۱، ص ۱۰۵.

قرار داده ، فرمود : یا رسول الله صلی الله علیه و آله ما ذا لقینا بعدک من ابن الخطاب و ابن ابی قحافه ؛ ای رسول خدا صلی الله علیه و آله چه مصیبت‌هایی پس از تو از سوی فرزند خطاب و فرزند ابی قحافه دیدیم . (۱)

نالہ جان سوز فاطمه علیها السلام و اظهار شکایت او از برخورد غیر منطقی و نفرت آمیز عده عرب جاهلی و از خدا بی خبر بسیاری از مسلمانان را به شدت متاثر کرده و بنا بر نقل ابن قتیبہ برگشتند ، در حالی که به شدت می گریستند (۲) و برخی دیگر از شدت ترس سکوت کرده زیرا با شکستن سکوت و دفاع از اهل بیت ، زیر دست و پای جلادان از بین می رفتند .

بدین جهت جز عده ای که خود را آماده کرده بودند ، بقیه به خاطر رعب و وحشت و یا به جهت دیگر علی علیه السلام را تنها گذارده و فاصله گرفته بودند .

آری هرگز این ناله ها در دل های سخت تر از سنگ برخی ، کوچکترین اثری نداشته ، و لحظه به لحظه آتش کینه های آنان شعله ور شده و برای دست یابی به علی علیه السلام گام های بعدی را به اجرا گذاردند .

تعداد مهاجمین

شاید این سؤال در ذهن بسیاری باشد که آیا در این ماجرای تاءسف بار و غم انگیز فرد به خصوصی شرکت کرده و یا عده ای در این هجوم شرکت داشته اند .

پاسخ می دهیم قبلاً گفته شد که ابوبکر در پایان عمر از روی پشیمانی می گفت : ای کاش به خانه

ص: ۸۷

۱- ۱۵۴- الاءمامه والسیاسه ، ص ۱۹ .

۲- ۱۵۵- همان ، ص ۲۰ .

فاطمه علیهاالسلام حمله نمی کردم و مردان را به داخل خانه فاطمه علیهاالسلام جهت بیعت گرفتن از علی علیه السلام نمی فرستادم . و این سخن گویای این مطلب است که مهاجم یک نفر نبوده است .

در این جا تاریخ نگاران برخی به نام چند نفر اشاره کردند و برخی دیگر به حمله دست جمعی اشاره نمودند ، مثلا ابن واضح اخباری می نویسد : فاءتوا فی جماعه حتی هجموا الدار ؛ پس آنان به همراه جماعتی آمده و به خانه فاطمه علیهاالسلام هجوم آوردند . (۱)

هم چنین ابن قتیبه می نویسد : پس عمر از جای برخاسته ، به همراه گروهی به خانه فاطمه علیهاالسلام آمد . (۲) فیض کاشانی هم آورده است که : عمر ، گروهی از طلقا و آزاد شدگان و منافقین را به همراه خود به منزل امیرمؤمنان آورد . . . (۳)

و از گفته های گذشته چنین بر می آید که : این کار به تنهایی صورت نگرفته بلکه عمر به پشتیبانی عده که همراه او بودند دست به چنین کاری زد .

شیخ مفید رحمه الله نام این عده را علاوه بر قنفذ چنین بر شمرده است :

۱- ابوبکر ۲- عمر ۳- عثمان ۴- خالد بن ولید ۵- مغیره بن شعبه ۶- ابو عبید جراح ۷- سالم مولای ابو حذیفه ۸- عمر بن ابی المقدام . (۴)

ابو الاءسود نام اسید بن خضیر و سلمه بن سلامه بن وقش را در شمار مهاجمین به خانه فاطمه علیهاالسلام قرار داده است . (۵)

و در نقل دیگری برخی نام ثابت بن قیس و عبدالرحمن بن عوف و محمد بن مسلمه را به این تعداد افزوده

ص: ۸۸

۱- ۱۵۶- تاریخ یعقوبی ، ج ۲ ، ص ۱۲۶ .

۲- ۱۵۷- الامامه والسیاسه ، ص ۲۰ .

۳- ۱۵۸- نوادرالاءخبار ، ص ۱۸۳ .

۴- ۱۵۹- اختصاص مفید ، ص ۱۸۱ .

۵- ۱۶۰- بحارالاءنوار ، ج ۸ ، ص ۵۹ .

آیا درب خانه فاطمه علیهاالسلام را سوزاندند

برخی با انکار مسئله احراق درب خانه فاطمه علیهاالسلام سعی در محو حقایق تاریخی دارند ، اما غافل از این که مسئله سوزاندن درب خانه علاوه بر منابع شیعه در کتابهای اهل سنت نیز اشاره شده است .

ابن قتیبه می نویسد : فدعا بالحطب و قال : و الذی نفس عمر بیده اءتخرجن اءو لاءحرقنها علی من فیها فقیل له یا ابا حفص ان فیها فاطمه علیهاالسلام فقال : و ان ؛ پس عمر دستور داد تا هیزم بیاورند و گفت : قسم به آن کسی که جان عمر در دست اوست بیرون می آید یا خانه را با آن که در او هست بسوزانم ، به او گفتند : ای پدر حفص در این خانه فاطمه علیهاالسلام است ! گفت : گرچه او هم باشد . (۲)

ابن عبد ربه اندلسی با انصاف بیشتری که در این جهت به خرج داده ، بردن آتش به در خانه فاطمه علیهاالسلام را مطرح کرده و می نویسد : پس عمر با شعله ای از آتش به سوی خانه علی علیه السلام رفته تا خانه را بر آن ها بسوزاند که فاطمه علیهاالسلام با آن ها روبرو گشته و گفت : ای ابن خطاب آمده ای که خانه ما را بسوزانی ؟ !

گفت : آری ، یا این که داخل شوید بر آن چه که دیگران داخل شدند (بیعت کنید) . (۳)

سوزاندن درب خانه در منابع شیعه

و در منابع کهن شیعه به این مسئله به روشنی اشاره شده که به گفته چند نفر از آن ها بسنده می کنیم :

۱- علی بن حسین المسعودی می نویسد : .

ص: ۸۹

۱- ۱۶۱- همان .

۲- ۱۶۲- الامامه والسیاسه ، ص ۱۹ .

۳- ۱۶۳- عقدالفرید، ج ۵، ص ۱۳ .

.. فہجموا علیہ دارہ و احرقوا بابہ و استخرجوه منہ کرہا ؛ پس آنان بہ خانہ علی حملہ بردہ و درب خانہ اش را بہ آتش کشیدہ و بہ زور وی را از خانہ بیرون کشیدند . (۱)

۲- سلیم بن قیس از امیرمؤ منان ضمن بیاناتی چنین گوید : فاءحرق الباب ثم دفعه عمر؛ پس عمر در را سوزاند و با لگد آن را باز کرد . (۲)

۳- و دیلمی در ارشاد القلوب ، در بخشی از گفتگویی کہ علی ابن ابی طالب با عمر چنین آورده است کہ : گویا می بینم دستور دادہ می شود . . . آن آتشی را کہ بر در خانہ ام روشن کردہ اید تا من و فاطمہ علیہا السلام و حسن و حسین و دو دخترم زینب و ام کلثوم را بسوزانید ، بیاورند و شما دو نفر را بوسیلہ همان آتش می سوزاند . . . (۳)

و امام صادق علیہ السلام ضمن بیاناتی بہ مفضل بن عمر می فرماید : و هیچ روزی همانند محنت و مصیبت ما در کربلا نمی باشد ، اگر چه روز سقیفہ و آتش روشن کردن بر درب خانہ امیرمؤ منان علیہ السلام و امام حسن و امام حسین و فاطمہ علیہا السلام و زینب و ام کلثوم و فضہ و کشتن محسن بوسیلہ لگد مهم تر و سخت تر است . (۴)

و در نقل دیگری حضرت بہ مفضل بن عمر فرمود : ہم چنین زدن سلمان فارسی و آتش روشن کردن بر درب خانہ امیرمؤ منان علیہ السلام و امام حسن و امام حسین ، تا آنها را بوسیلہ آتش بسوزانند و زدن بہ بازوی فاطمہ و

ص: ۹۰

۱- ۱۶۴- اثبات الوصیہ ، ص ۱۲۴.

۲- ۱۶۵- سلیم بن قیس ، ج ۲، ص ۲۵، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۷.

۳- ۱۶۶- ارشادالقلوب ، ج ۲، ص ۷۸، الکوکب الدری ، ص ۱۹۱.

۴- ۱۶۷- بهجہ قلب المصطفی ، ص ۵۳۲.

تازیانه و لگد زدن به شکم او و اسقاط محسنش . (۱)

آیا فاطمه هم آسیب دید؟

آسیب های حضرت زهرا علیها السلام

و از دیگر مسائل مهمی که در ماجرای شکستن حریم اهل بیت مطرح است ، این که بسیاری می پرسند : آیا واقعا در ماجرای حمله به خانه فاطمه علیها السلام به دخت پیامبر صلی الله علیه و آله آسیب رسید؟

پاسخ می دهیم بدون شک حضرت زهرا علیها السلام در این ماجرا آسیب های فراوانی دید و در این راستا به چند جای بدن مبارکش آسیب وارد شد :

الف (فشار بین در و دیوار

اولین آسیبی که دختر پیامبر صلی الله علیه و آله در این ماجرا متحمل شد ، این بود که فاطمه علیها السلام گمان نمی کرد که آنان بدون اجازه به خانه اش وارد شوند ، بدین جهت با قرار گرفتن در پشت درب بسته با آنان به گفتگو پرداخت .

فیض کاشانی می نویسد : فاختبت فاطمه علیها السلام وراء الباب فدفعها عمر حتى ضغطها بين الباب و الحائط ؛ پس فاطمه آمده و پشت درب خانه پنهان گشت ، عمر درب خانه را به شدت باز نموده و فاطمه علیها السلام را بین درب و دیوار فشار داد . (۲)

و مسعودی نیز جمله و ضغطوا سیده النساء بالباب ، (۳) و هم چنین صدوق در ذیل حدیث یا علی علیه السلام لك كنز فی الجنة آورده است که از برخی از مشایخ و بزرگان که می گفتند : این گنج همان محسن فرزند اوست و این همان سقطی است که به هنگام فشار بین در و دیوار بر فاطمه ، بوقوع پیوست . (۴)

ب (شکسته شدن پهلوی فاطمه علیها السلام

علامه طبرسی ضمن اشاره به اصل جریان به مسئله شکسته شدن پهلوی فاطمه علیها السلام

ص: ۹۱

۱- ۱۶۸- بحار، ج ۵۳، ص ۱۴.

۲- ۱۶۹- نوادرالاءخبار، ص ۱۸۳.

۳- ۱۷۰- اثبات الوصیه ، ص ۱۲۴.

۴- ۱۷۱- معانی الاءخبار، ص ۲۰۶.

اشاره می کند و می نویسد: و حالت فاطمه علیهاالسلام بین زوجها و بینهم عند باب البیت . . . فاءرسل ابوبکر الی قنفذ اضربها ، فاءلجاءها الی عضاده بیتها فدفعها فکسر ضلعا من جنبها ؛ (وقتی که خواستند علی را بیرون ببرند) فاطمه علیهاالسلام کنار درب خانه مانع از بردن شوهر خود شد . . . ابوبکر کسی را نزد قنفذ فرستاده که فاطمه علیهاالسلام را بزن تا دست از علی بردارد این جا بود که قنفذ فاطمه علیهاالسلام را به دستگیره و تیزی درب خانه فشار داده و دنده ای از پهلویش را شکست .
(۱)

ج) سیلی خوردن فاطمه علیهاالسلام

مسئله سومی که در منابع شیعه به آن اشاره شده جریان اسائه ادب به فاطمه علیهاالسلام و سیلی زدن به آن حضرت می باشد ، که پیامبر صلی الله علیه و آله در یک پیشگویی از این مسئله پرده برداشته و به علی علیه السلام فرمود: گریه ام برای آن سیلی است که به صورت فاطمه علیهاالسلام زده خواهد شد . . . (۲)

د) آسیب دیدن بازوی فاطمه علیهاالسلام

این واقعت را نمی توان نادیده گرفت و یا پنهان کرد که بازوی شریف فاطمه علیهاالسلام مجروح گردیده به گونه ای که تا واپسین لحظات زندگی وی را می آزارد ، حال چه کسی این کار را انجام داد ، به روایات نگاهی می افکنیم :

امام صادق علیه السلام ضمن بیان شرح ماجرای آتش زدن درب خانه فاطمه علیهاالسلام به مفضل می فرماید: . . . و زدن به بازوی صدیقه کبری بوسیله تازیانه . (۳)

سلیم بن قیس در شرح این ماجرا می نویسد: وقتی که فریاد فاطمه علیهاالسلام

ص: ۹۲

۱- ۱۷۲- احتجاج طبرسی ، ج ۱، ص ۱۰۸، سلیم بن قیس ، ص ۴۰.

۲- ۱۷۳- امالی طوسی ، ص ۱۱۸ و مناقب آل ابی طالب ، ج ۲، ص ۲۰۹.

۳- ۱۷۴- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۴.

بلند شد که می گفت: یا ابتاه، یا رسول الله صلی الله علیه و آله. عمر بن خطاب با نیامی که شمشیر در آن بود به پهلوی فاطمه زد.

فریاد فاطمه که بلند شد، بار دیگر به بازوی فاطمه علیها السلام زد. (۱) و در نقل مرحوم طبرسی گذشت، هنگامی که می خواستند علی علیه السلام را به زور از خانه بیرون ببرند، فاطمه علیها السلام مانع شده و نمی گذاشت او را ببرند، قنفذ برای جدا کردن فاطمه از علی علیه السلام دست به تازیانه برده و به شدت به بازوی فاطمه زهرا علیها السلام زد به گونه ای که اثر آن تازیانه (تا آخرین لحظه) بر بازویش وجود داشت. (۲)

۵) سقط جنین

بیشتر مورخان شیعه و برخی از سنی ها بر این عقیده هستند که فاطمه زهرا علیها السلام پنج فرزند داشت: که پنجمین آن ها پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله بزرگوار اسلام در قضایای حمله به خانه فاطمه علیها السلام سقط گردید. حال برای رسیدگی به این مسئله که آیا فاطمه علیها السلام سقط کرده یا نه و آیا این سقط بدون سبب بوده یا در اثر ضربت، باید به کتابهای شیعه و سنی نظری افکند، تا به عمق این فاجعه و چگونگی مسئله آگاه شویم.

علیرغم این که در بسیاری از کتابهای اهل سنت اشاره به وجود چنین فرزندی نشده است، ابن الصباغ مالکی (۳) و سبط بن الجوزی (۴) و محب الدین طبری (۵) اشاره به پسر سومی به نام محسن دارند، اما می گویند وی در دوران کودکی از

ص: ۹۳

۱- ۱۷۵- همان، ج ۸، ص ۵۸ و حق الیقین، ص ۱۶۴.

۲- ۱۷۶- احتجاج، ج ۱، ص ۱۰۸.

۳- ۱۷۷- الفصول المهمه، ص ۱۲۴.

۴- ۱۷۸- تذکره الخواص، ص ۵۷ و ۲۸۸.

۵- ۱۷۹- ذخائرالعقبی، ص ۱۵۵.

دنیا رفته است!! و برخی دیگر، رحلت این فرزند را در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله می دانند. (۱)

در اینجا ابن الصباغ مالکی ضمن اشاره به چنین فرزندى از فاطمه سقط شده، این مسئله را به شیعه نسبت داده و می نویسد: در بین فرزندان علی فرزندی به نام محسن است که برادر حسن و حسین می باشد، شیعیان آورده اند که وی سقط شده است.

(۲)

آری اگر چه ابن الصباغ اشاره گذارایی در این جهت دارد، اما دیگر به این نپرداخته که این سقط به چه صورت بوده است. آیا به حال طبیعی بوده و یا در اثر ضربه ای که بر فاطمه وارد آمده سقط گردیده است.

ولی ابن شهر آشوب از معارف ابن قتیبه نقل کرده که: ان محسنا فسد من زخم قنفذ العدوی. (۳)

گر چه این مطلب فعلا- در معارف قتیبی وجود ندارد اما از نقل ابن شهر آشوب می توان با جرئت گفت که نسخه معارف در زمان های بعد دچار حذف شده است.

بررسی جریان سقط در منابع شیعه

و اما جریان سقط جنین، تا آن جا که در منابع شیعه ملاحظه شده اگر نگوئیم که اتفاق در نقل دارند، در بیشتر آن ها آمده است. چنان چه در کتاب سلم بن قیس و اثبات الوصیه و امالی صدوق و احتجاج طبرسی و الصراط المستقیم و ده ها کتاب دیگر به نقل آن پرداخته شده است.

با این تفاوت که برخی به طور کلی مطرح کرده و برخی دیگر به تشریح ماجرا پرداخته اند.

اینک به چند نمونه

ص: ۹۴

۱- ۱۸۰- نیل الاءوطار، ج ۴، ص ۱۵۱، فتح الباری، ج ۳، ص ۱۲۴.

۲- ۱۸۱- الفصول المهمه، ص ۱۲۴.

۳- ۱۸۲- مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۳۳.

ابن شهر آشوب به نقل ماجرا پرداخته و از امام صادق روایت کرده که به مفضل فرمود: و کشته شدن محسن به وسیله لگد عظیم تر و تلخ تر است. (۱)

همچنین امام حسن مجتبی علیه السلام در گفتگویی که با معاویه داشته، هنگامی که به مغیره بن شعبه رسید به ذکر همین ماجرای تلخ پرداخته و می فرماید: این تو بودی که فاطمه دختر رسول الله صلی الله علیه و آله را کتک زدی تا خون آلودش کردی و در اثر همان ضربه سقط کرد. بدان که تو این کار را نکردی مگر برای اهانت به رسول خدا و مخالفت با امر او... (۲)

علامه بیاضی ضمن نقل این ماجرا می نویسد: و بین شیعه اشتهار یافته که فاطمه را بین درب و دیوار فشار دادند تا محسن خود را سقط کرد در حالی که همه کس می دانست که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره اش فرموده بود: فاطمه بضعه منی من آذاها فقد آذانی. (۳)

آری این حادثه تلخ در بین شیعه از آنچنان اشتهاری برخوردار است که جزو مسلمات شمرده شده است.

و آنچه بر اشتهار آن می افزاید، این که عبدالکریم شهرستانی در کتاب خود همین مسئله را به عنوان طعن بر نظام نقل کرده و چنین می گوید: وی معتقد بوده که عمر در روز بیعت گرفتن (از علی) ضربتی بر شکم فاطمه زد که در اثر همان ضربه سقط جنین کرد و او در همان روز فریاد می زد خانه فاطمه را با آن که در

ص: ۹۵

۱- ۱۸۳- احتجاج، ج ۱، ص ۱۰۸.

۲- ۱۸۴- بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۸۳.

۳- ۱۸۵- الصراط المستقیم، ج ۳، ص ۱۲.

او هست بسوزانید و در خانه به جز علی و فاطمه و حسن و حسین شخص دیگری وجود نداشت . (۱)

آری شهرستانی مجبور است که برای لوٹ کردن این ماجرای مهم تاریخی چنین بگوید و نظام را متهم به شیعه بودن نماید ، والا او چه ارتباطی به شیعه دارد ، زیرا کسی است که فرقه نظامیه به وی نسبت داده می شود . (۲)

و خلاصه این که با استناد به منابع شیعه و سنی ، به دون شک حمله به خانه فاطمه صورت گرفته و آسیب رساندن به یادگار پیامبر صلی الله علیه و آله امری قطعی بوده خواه اهل سنت به آن اشاره کرده و یا از ذکر آن خودداری کرده باشند .

چند پرسش و پاسخ

سؤال اول : آیا به موقع حمله شخص دیگری در خانه بوده است ؟

در پاسخ می گوئیم که ممکن است برخی به طرفداری از مهاجمین بگویند ، علت هجوم به خانه فاطمه برای این بوده تا بر آن عده از مهاجرین و انصاری که به نشانه اعتراض به خلافت ابوبکر و حمایت از علی علیه السلام در خانه وی تحصن کرده بودند ، دست یابند .

آنان می خواستند زبیر و عباس را برای بیعت به مسجد ببرند ، بدین جهت به خانه فاطمه حمله کردند .

می گوئیم این سخن نادرست است ، و هدف آنان جز اهل بیت فرد دیگری نبوده است . زیرا در آن موقعیت حساس کسی غیر از اهل بیت در خانه نبوده و اگر هم حضور داشته ، مورد نظر آنان نبوده است . و بسیاری از مورخین ، به نام احدی اشاره نکرده اند .

در ثانی چرا به موقع آمدن اظهار نداشتند که ما به دنبال عباس

ص: ۹۶

۱- ۱۸۶- الملل والنحل ، ص ۵۹ و الوافی بالوفیات ، ج ۶ ، ص ۱۷ .

۲- ۱۸۷- همان .

و زبیر و سعد بن عبادہ آمده ایم و در صورت دستیابی به این افراد با شما هیچ کاری نداریم در حالی که هرگز به چنین مسئله ای اشاره ننموده اند .

و سوم این که اگر هدف شان آن چند نفر بود ، پس چرا علی علیه السلام را برای بیعت به مسجد بردند ؟

چهارم : اگر هدف شان آن چند نفر بود ، چرا به فاطمه آسیب رساندند ؟

و پنجم آن که اگر کسی غیر از علی علیه السلام و فاطمه علیهاالسلام و فرزندان شان در خانه بود ، چرا به مقابله با مهاجمین پرداخت و چرا به هنگام دیدن آن صحنه دلخراش به دفاع از صاحب خانه مبادرت نورزید ؟ و یا حداقل به دفاع از خود پرداخت .

و آخر آن که نظام گفت : به موقع هجوم به خانه علی علیه السلام و فاطمه علیهاالسلام کسی جز اهل بیت در خانه وجود نداشت . (۱)

سؤال دوم : برخورد علی با مهاجمین چه بوده است ؟

در برخی تواریخ به این مسئله به گونه ای پرداخته شده است ، گویا علی علیه السلام در موقع هجوم دشمنان هیچ عکس العملی از خود نشان نداده ، اما باید گفت واقعیت امر غیر از این است که برخی آورده اند که حضرت بدون هیچ عکس العملی تسلیم خواسته آنان شد .

چرا که هیچ عقل سلیمی باور نمی کند مردی که پشت جنگاوران عرب را به زمین زده و آن ها را نابود ساخت ، حال در برابر عده ای فرومایه مطلقاً سکوت کرده و هیچ واکنشی از خود نشان ندهد .

به نظر میرسد این جزو محالات است : فردی هر

ص : ۹۷

چند هم ناتوان باشد ، ببیند که عده ای به خانه اش هجوم برده و زن و فرزندش را مورد ضرب و شتم قرار می دهند ، اما هرگز از جایش تکان نخورده و دفاع نکند ، چه رسد به غیرت امیرمؤ منان علیه السلام .

واقعیت امر این است که حضرت علی علیه السلام با مشاهده این جریان ، فوراً از جای برخاسته و یقه عمر را گرفته او را به زمین زده ، و آن چنان به بینی و گردنش کوبید ، و اراده کشتن او را نمود ، که در همان حال به یاد سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله افتاد . این جا بود که عمر را مخاطب قرار داده ، فرمود : قسم به خدایی که محمد را به پیامبری ارج نهاده است ؛ ای پسر صهاک ! اگر نبود که کتابی از طرف خدا گذشته و عهدی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله بسته ام می فهمیدی که تو نمی توانستی داخل خانه من شوی . (۱)

علامه مجلسی می افزاید : با فریاد و استغاثه عمر در زیر دست و پای امیرمؤ منان عده دیگری به خانه علی ریخته و خالد بن ولید شمشیر کشیده و علی را مورد حمله قرار داد ، اما حضرت بر او حمله کرد که وی از رعب و وحشت ، علی علیه السلام را سوگند داد تا از او دست بردارد . در این هنگام تنی چند از یاران علی علیه السلام با خبر شده و مقداد و سلمان و ابوذر و عمار و بریده اسلمی داخل خانه شده ،

ص: ۹۸

به کمک علی علیه السلام شتافتند ، چیزی نمانده بود که یک زد و خورد و خونریزی سختی در خانه علی علیه السلام رخ دهد اما ظاهراً از این که دست به یک حرکت کوبنده علیه مهاجمین نزدند به اشاره امیر مؤمنان بوده است سرانجام امیر مؤمنان را برای بیعت از خانه بیرون برده و مردم به دنبال او راه افتادند . (۱)

سؤال سوم : سزای عاملان این جنایت هولناک چیست ؟

از دیگر مباحث مهمی که قابل مطالعه و بحث و بررسی است ، این که واقعا اگر دادگاهی برای رسیدگی به این جنایت هولناک تشکیل شود رئیس دادگاه عدل اسلامی چه حکمی خواهد داد ؟

آیا کسی چنین حقی دارد که برای بیعت از یک مسلمان درب خانه اش را سوزانده و سپس با شکستن آن به خانه هجوم برده و به همسر برده و به همسر او آزار رسانده و به دست و بازو و پهلویش آسیب رسانده و وی را بین درب و دیوار فشار دهد تا در آستانه مرگ قرار گیرد ؟

بگذریم که خانه فاطمه ، محل نزول وحی و محل رفت آمد پیامبر و نشست و برخاست و نماز او و محل فرود ملائکه الله بوده که هرگز حرمتش کمتر از مسجد نیست ، و هرگز پیامبر بدون اجازه وارد آن نمی گشته و شکستن حرمتش نیز جایز نبوده ، چگونه حریم خانه مسلمانی بخاطر امتناع از بیعت شکسته می شود و بدون اجازه به خانه اش حمله شده و به روی زن و فرزندش اسلحه می کشند ؟

آیا مرتکب چنین جنایت هولناکی که این بی حرمتی را نسبت به یکی از خانه های پیامبر صلی

ص: ۹۹

الله علیه و آله انجام داده ، نباید مورد تنبیه قرار گیرد ؟

هم چنین می پرسیم : تعرض به زن غیر محارب که به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله حتی در جبهه ممنوع است ، آیا هجوم به خانه اش صحیح و جایز است ؟

آیا ترساندن زن باردار و زدن به پهلوی او از روی عمد تا مرز سقط جنین جرم به حساب نمی آید ؟ اگر پیامبر صلی الله علیه و آله بزرگوار اسلام در آن وقت در قید حیات بودند و این آسیبها را می دیدند سکوت می کردند ؟ و اعمالشان را تائید می کردند ؟ و آیا خون کسانی که باعث قتل محسن فرزند فاطمه علیهاالسلام شدند را مباح نمی نمود ؟

چنان چه خون هبار بن ابی الاءسود را در روز فتح مکه مباح کرد ، چرا که زینب دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله را بوسیله نیزه ای ترسانده و در اثر آن ترس سقط جنین کرده بود .

ابن ابی الحدید درباره داستان هبار چنین نقل می کند : این خبر را بر استادم ابو جعفر نقیب قرائت کردم ، او گفت : اگر پیامبر صلی الله علیه و آله خون هبار را بخاطر ترساندن زینب و سقط جنین او حلال شمرد ، ظاهر حال چنین است که اگر پیامبر صلی الله علیه و آله زنده بود ، خون آن کسی که فاطمه را ترسانده که در اثر آن سقط کرده حلال می شمرد . گوید به استادم : عرض کردم : آیا این سخن را از تو روایت کنم : که

ص: ۱۰۰

گروهی می گویند ، فاطمه ترسانده شده و در اثر آن محسن را سقط کرده است ؟

او گفت : این مطلب را از من نه روایت کن و نه بطلانش را از من روایت کن ؛ زیرا من در این جهت بخاطر تعارض اخبار توقف دارم . (۱)

دفاع جانانه از حریم ولایت

دفاع جانانه از حریم ولایت

زندگی هجده ساله تنها یادگار پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله پر از افتخارات منحصر به فرد است که در زندگی بانوی دیگری هرگز چنین افتخاراتی مشاهده نشده است .

فاطمه علیهاالسلام آن شخصیت ممتازی است که در تمام میدان های علمی و اخلاقی و عبادی و اجتماعی و سیاسی جزو پیشتازان بلکه در صدر زنان عالم خلقت بوده است .

پنج سال از سن شریف و بزرگوارش نگذشته بود که با فریاد کشیدن علیه مشرکان و کافران مکه به حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله شتافت .

پیوسته از پدر حمایت و دفاع کرد ، بویژه در همان سالهایی که حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله با کفار قریش به جنگ برخاسته بود که تاریخ هرگز آن خاطرات را از یاد نمی برد .

او پس از پیامبر صلی الله علیه و آله نخستین پشتیبان و مدافع ولایت و رهبری امیر مؤمنان علیه السلام بود و در مدت کوتاهی که پس از پدر زنده بود ، هرگز آرام ننشست و به شیوه های گوناگون پیام مظلومیت علی بن ابی طالب را به آیندگان منتقل کرد و در این راستا آسیب های فراوانی را متحمل شد که از نظرتان گذشت .

اینک به گوشه ای از این دفاع مقدس که

ص: ۱۰۱

در چند فراز تنظیم گردیده اشاره ای خواهیم داشت :

۱- نقل روایت درباره جانشینی علی علیه السلام

بسیاری از مسلمانان پس از رحلت پیامبر بزرگوار اسلام ، به خاطر ترس و وحشتی که از دستگاه حاکم داشتند ، حقایق زیادی را کتمان کردند گویا هرگز آنها را از پیامبر نشنیده اند .

اما فاطمه علیهاالسلام نه تنها به خود اجازه چنین کاری نداد بلکه شجاعانه و به بهانه های مختلف حقایق را پیرامون ولایت و امامت علی بن ابی طالب اظهار کرد و آنچه را که در این خصوص از پیامبر شنیده بود برای مردم بازگو نمود .

او در پاسخ محمود بن لبید که پرسیده بود راز پیامبر صلی الله علیه و آله در موقع رحلت با تو چه بود ؟

فرمود : خدا را گواه می گیرم که شنیدم او پیامبر می فرمود : علی خیر من اخلفه فیکم ؛ علی بهترین فردی است که او را پس از خودم در بین شما قرار می دهم و او امام و جانشین من است . و همچنین دو فرزندش و نه فرزند از نسل حسین علیه السلام که اگر از آن ها پیروی کنید خواهید دید آن ها هدایت گر و هدایت یافته هستند و اگر با آنان مخالفت کردید تا روز قیامت در بین شما امت اختلاف خواهد بود . (۱)

۲- یاد آوری ماجرای غدیر خم

مهمترین سند ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام همان جریان فراموش نشدنی روز غدیر خم بود که رسول خدا ، علی را به امر پروردگار در برابر چشمان ده ها هزار نفر به خلافت و جانشینی پس از خود نصب فرمود . فاطمه زهرا علیهاالسلام که خود شاهد اعلام

ص: ۱۰۲

جانشینی علی از سوی پیامبر بود ، روی همین ماجرا اصرار و پافشاری می کرد .

محمود بن لیید از جمله کسانی است که سخن فاطمه علیهاالسلام را ضمن ملاقاتی با وی در کنار قبر حمزه برای ما نقل کرده است ، او می گوید : روزی فاطمه علیهاالسلام را در کنار قبر حمزه سیدالشهدا دیدم که به شدت می گریست ، کمی صبر کردم تا آرام گرفت ، از او پرسیدم : ای سیده من ! می خواهم از شما چیزی بپرسم که پیوسته فکر مرا به خود مشغول داشته است .

فاطمه علیهاالسلام فرمود : بپرس .

گفتم : آیا پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از رحلت خود سخنی در مورد جانشینی و امامت علی علیه السلام فرموده است ؟

فاطمه علیهاالسلام فرمود : و اعجاباه !!! انسیتم یوم غدیر خم ؟ ؛ بسی جای تعجب است ! آیا روز غدیر خم را به فراموشی سپرده اید ؟

محمود بن لیید گوید : در تاءید سخن حضرت فاطمه عرض کردم : آری ! بیاد دارم و مطلب همان است که شما می فرمایید .

[\(۱\)](#)

۳- گام در گام علی علیه السلام در مجالس انصار

حمایت فاطمه علیهاالسلام هرگز به نقل حدیث و روایت درباره شخصیت والای علی علیه السلام و تکیه کردن بر امامت و جانشینی او خلاصه نمی شد ، بلکه آن یکی از شیوه های بود که فاطمه علیهاالسلام در دفاع از حریم ولایت در پیش گرفته بود .

شیوه دیگر این که فاطمه علیهاالسلام همراه امام خود به مجالس انصار می رفت ، تا شاید آنان را از خواب غفلت بیدار کرده و حق علی علیه

ص: ۱۰۳

السلام را بازستاند .

ابن قتیبہ مورخ بزرگ می نویسد : علی فاطمه را سوار بر مرکب می کرد و همراه خود شبانه به مجالس انصار می برد تا به دفاع از حق علی علیه السلام پرداخته و از آنان یاری بطلبد اما انصار در پاسخ می گفتند : ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله ! ما با اینان بیعت کردیم و اگر شوهر و عمو زاده تو زودتر به نزد ما می آمد ، هرگز به سراغ شخص دیگری نمی رفتیم .

حضرت علیهاالسلام در پاسخ می فرمود : آیا سزاوار بود که پیامبر صلی الله علیه و آله را دفن نکرده در خانه اش رها می ساختیم و بخاطر این موضوع با مردم به نزاع می پرداختیم ؟! (۱)

۴- فریاد بر حریم شکنان

فاطمه علیهاالسلام در برابر عده ای حرمت شکن که به حریم خانه اش حمله ور شده بودند تا به خیال خود علی علیه السلام را به زور شمشیر از خانه بیرون کشیده ، برای بیعت به مسجد ببرند ، آن چنان فریاد زد و از عمق جان ناله کشید که قلب هر بیننده را جریحه دار ساخت . صحنه غریبی بود و منظره عجیبی ، علی علیه السلام تنهای تنها مانده بود ، با یک مدافع آن هم فاطمه .

راستی او چه کاری می توانست انجام دهد ، خود را از شر آنها حفظ کند ، یا فرزندان خردسالش را آرام نماید یا از امام خویش دفاع بنماید ؟ و مانع بردنش شود ؟

فاطمه که این وضعیت نگران کننده برایش غیر قابل تحمل بود ، یک مرتبه فریاد

ص: ۱۰۴

زد و از آن ها خواست تا از خانه بیرون روند و گفت : در غیر این صورت آن ها را نفرین خواهد کرد .

فاطمه علیهاالسلام فریاد زد : سوگند به خدا ، از خانه بیرون می روید یا این که موهای خود را پریشان کرده ، به درگاه خدا شکایت کنم و نفرین تان بنمایم ؟ (۱)

۵- دفاع از علی علیه السلام و شلاق قنفذ

آه و ناله فاطمه بر دل آن مردم حرمت شکن هیچ اثری نکرد ، آنان همچنان بر بردن ولی خدا به مسجد اصرار می ورزیدند و فاطمه علیهاالسلام به سختی جلوگیری می کرد و می فرمود : به خدا سوگند هرگز نمی گذارم که پسر عمویم را از روی ظلم از خانه بیرون بکشید . . . چه زود سفارش پیامبر خدا را در باره ما اهل بیت فراموش کردید و از خدا نترسیدید . . در حالی که به شما سفارش کرده بود ، از ما پیروی نموده و ما را دوست داشته باشید و به ریسمان ما چنگ بزنید . . .

فاطمه همچنان از ولی خدا دفاع می کرد و علی را محکم گرفته بود که به وسیله شلاق قنفذ او را از علی جدا کردند . (۲)

۶- حفاظت از جان امام

علی را کشان کشان به سوی مسجد بردند ، اما مگر فاطمه دست از حمایت امام خود برداشت ؟ او بلافاصله بدنبال ولی خدا به راه افتاد و در پی او تمام زنان بنی هاشم حرکت کردند .

فاطمه آمد و خود را به نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله رساند ، بار دیگر آن ها را مخاطب قرار داد و فرمود :

ص: ۱۰۵

۱- ۱۹۵- بشاره المصطفی ، ص ۱۹۸.

۲- ۱۹۶- نوادر الاءخبار، ص ۱۸۳.

عمو زاده ام را آزاد کنید ، به خدایی که پدرم را به حق فرستاد ، اگر آزادش نکنید ، موهای خودم را پیریشان می کنم ، پیراهن پیامبر را بر سرم می گذارم و به سوی پروردگرم فریاد می کشم ، چرا که نه صالح پیامبر در نزد خدا از پدرم عزیزتر بود و نه شترش عزیزتر از من ، و نه بچه اش از فرزندانم . (۱)

آری این فاطمه بود که دست و صورت و پهلوی خود را سپر امام خویش قرار داد و آن گونه از علی بن ابی طالب علیه السلام دفاع کرد که حاضر بود در این راه کشته شود اما به امامش آسیبی نرسد ، او به دنبال علی راه افتاد تا نقشه قتل او را خنثی کند ، او پیراهن رسول خدا را بر سر گذارد و آماده نفرین کردن بود تا دست از جان ولی خدا بر دارند .

۷- سکوت فاطمه علیها السلام برای حفظ اسلام

همچنانکه فاطمه به همراه حسنین ، تود را به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک می کرد تا به وسیله یک نفرین ، مدینه زیر و رو شود ، علی موقعیت بسیار دشوار را در یافته به سلمان فرمود :

ای سلمان دختر پیامبر را دریاب ، چرا که می بینم دو پهلوی مدینه دهان باز کرده است ، به خدا سوگند اگر نفرین کند به کسی در مدینه مهلت داده نمی شود و بیم آن می رود شهر مدینه و هر چه در آن هست به زمین فرو رود .

سلمان گوید به فرمان امیر مؤمنان علیه السلام به سرعت خود را به فاطمه علیها السلام رسانده

ص: ۱۰۶

عرض کردم، ای دختر پیامبر! خدای تبارک و تعالی پدرت را به عنوان رحمت برای امت فرستاد به خانه ات برگرد.

فاطمه علیهاالسلام فرمود: ای سلمان! دیگر صبرم لبریز شده، مرا رها کن تا به سوی قبر پدرم بروم و آن جا فریاد بزنم و به خدا شکایت کنم.

سلمان گوید گفتم علی علیه السلام مرا به سوی تو فرستاده و به شما دستور برگشت داده است.

فاطمه علیهاالسلام فرمود: حال که علی دستور داده گوش می کنم و فرمان می برم و بدین ترتیب حضرت به خانه برگشت.

(۱)

آری فاطمه علیهاالسلام به خانه برگشت تا به دیگران بفهماند که اگر قیام او در برابر حریم شکنان برای حفظ و دفاع از ولایت و ولی خدا بود، سکوتش نیز به خاطر فرمان امام و حفظ اسلام بود.

۸- رد بیعت ابوبکر

از موارد دیگر حمایت فاطمه علیهاالسلام از ولایت این بود تا وقتی که زنده بود، هرگز با خلیفه اول بیعت نکرد و نه تنها بیعت نکرد بلکه با او هم چنان در حال خشم و غضب و قهر بود تا این که از دنیا رفت. حال سؤال ما این است که چرا فاطمه با ابوبکر بیعت نکرد در حالی که روایات زیادی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که: من مات و لیس له امام فموتته موتة جاهلیه. (۲)

آیا فاطمه علیهاالسلام العیاذ بالله بوسیله بیعت نکردن با ابوبکر به مرگ جاهلی از دنیا رفته و یا حقیقتاً ابوبکر امام نبوده تا فاطمه به مفاد این روایت ملزم به بیعت

ص: ۱۰۷

۱- ۱۹۸- اختصاص مفید، ۱۸۱.

۲- ۱۹۹- بحار الاءنوار، ج ۲۳، ص ۴۱، المعجم الکبیر، ج ۱۰، ص ۳۵۰، کشف الاءستار، ج ۲، ص ۲۵۲.

با او باشد و یا حدیث قابل استناد نیست ؟

در پاسخ می‌گوییم: شکی نیست که فاطمه علیهاالسلام با ابوبکر بیعت نکرد و نه تنها در ملاقاتی که آنان با فاطمه علیهاالسلام داشتند، حضرت زهرا علیهاالسلام از آن دو روی گردانید، بلکه فرمود: اگر پدرم را ملاقات کنم از شما دو نفر شکایت خواهم کرد و در پایان همین ملاقات بود که فرمود: به خدا سوگند در هر نماز تو را نفرین می‌کنم. (۱)

و گویاتر از همه ادله و شواهد این که در صحیح بخاری و مسلم و دیگر صحاح آمده که زهراى مرضیه از دنیا رفت در حالی که بر ابوبکر خشمناک بود. (۲)

از جهت دیگر حدیث من مات و لم يعرف امام زمانه آن قدر صحتش روشن است که نیازی به بررسی اسناد ندارد، چرا که این حدیث را شیعه و سنی به اتفاق نقل نموده‌اند و این حدیث با اسناد فراوان و با تعبیرهای مختلف از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل گردیده مثلاً:

طیالسی در مسند از ابن عمر نقل کرده که: من مات بغیر امام مات میتة جاهلیه. (۳)

و همچنین به تعبیرهای دیگری از قبیل: من مات و لا طاعة علیه مات میتة... (۴) من مات و لیس له امام... (۵) من مات و لا بیعه علیه... (۶) و من مات لیس علیه امام فمیتة میتة جاهلیه... (۷) در کتاب‌های اهل سنت فراوان به چشم می‌خورد.

و در منابع شیعه نیز مرحوم کلینی قریب به یقین مضمون از فضیل

ص: ۱۰۸

-
- ۱- ۲۰۰- الامامه و السیاسة، ص ۲۰.
 - ۲- ۲۰۱- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۴۳، صحیح بخاری، ج ۳، ص ۵۵، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۳۶، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۸.
 - ۳- ۲۰۲- مسند طیالسی، ص ۱۲۵۹.
 - ۴- ۲۰۳- تاریخ بخاری، ج ۶، ص ۴۴۵، مسند ابن ابی شیبہ، ج ۱۵، ص ۳۸.
 - ۵- ۲۰۴- صحیح ابن حبان، ج ۷، ص ۴۹، مسند احمد، ج ۳، ص ۴۴۶، مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۲۳، مسند زید، ص ۴۲۲.
 - ۶- ۲۰۵- طبقات ابن سعد، ج ۵، ص ۱۴۴.
 - ۷- ۲۰۶- المعجم الکبیر، ج ۱۰، ص ۳۵۰، کشف الاءستار، ج ۲، ص ۲۵۲.

بن یسار از امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود: من مات و لیس علیه امام فمیته ، فقلت قال ذلک رسول الله ؟ فقال ای و الله قد قال .

قلت : فکل من مات و لیس له امام ، فمیته جاهلیه ؟ ! قال : نعم . هر که بمیرد و پیشوایی نداشته باشد ، به مردن جاهلیت مرده است ، عرض کردم این سخن پیامبر است ؟

فرمود : آری به خدا او فرموده است .

عرض کردم پس هر که بمیرد و پیشوایی نداشته باشد مرگش مرگ جاهلیت است ؟ !

فرمود : آری . (۱)

و با در نظر گرفتن دو مسئله مسلم فوق : علت عدم بیعت فاطمه با ابوبکر کاملاً روشن می گردد که او هرگز امام نبوده ، تا فاطمه اقدام به چنین کاری کند .

۹- انتقاد شدید از زنان مهاجر و انصار

و این بار نوبت زنان است که فاطمه علیها السلام می باید از آن ها سخت انتقاد کند ، چرا که آنان نیز در ضایع کردن حقوق اهل بیت و نادیده گرفتن سفارش های پیامبر صلی الله علیه و آله بویژه کوتاهی در حق امیر مؤمنان علیه السلام سهم بسزایی داشتند . آنان با سکوت خود بر کارهای خلاف شوهران خود صحه گذاشتند ، و این کار که مورد خشم فاطمه علیها السلام قرار گرفته بود ، در عیادتی که زنان مهاجر و انصار از او داشتند ، ضمن خطبه ای طولانی به آنان گوشزد کرد .

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه از عبدالله بن حسن از مادرش فاطمه دختر امام حسین

ص: ۱۰۹

علیه السلام نقل کرده: زمانی که بیماری فاطمه شدت یافت عده ای از زنان مهاجرین و انصار به نزد وی رفته، گفتند: ای دختر رسول خدا چگونه ای؟

فاطمه علیها السلام فرمود: به خدا سوگند شب را به صبح رساندم در حالی که از دنیای شما ناخشنود، و از مردان شما خشمگین و ناراحت هستم. وای بر آن ها چگونه خلافت را از پایگاه استوار رسالت و از پایه های نبوت و از محل نزول جبرئیل امین و از کسی که حاذق و آگاه به امور دین و دنیا است منحرف کردند و دور ساختند؟!!

آگاه باشید این همان خسران آشکار است! چه شده که اینان از ابوالحسن انتقام گرفتند و به علت استواری قدم های او بر روی باطل و از بین بردن آن و به خاطر تسلیم ناپذیری اش در راه خدا بود که چنین کردند، به خدا سوگند اگر زمام امری که رسول خدا به علی سپرده بود دست بر می داشتند، آن حضرت مهار شتر رهبری و خلافت را کاملاً در دست می گرفت و به راحتی و آسانی آنان را رهبری می کرد، به طوری که بر شتر خلافت نه جراحی در بینی اش ایجاد می شد و نه اضطراب و ناآرامی بر سوار کارش دست می داد.

آنان را به سرچشمه ای زلال جوشان و وسیع می رساند، تشنگی را برطرف می کرد، در آب غوطه ور شده و شراره تشنگی و گرسنگی را خاموش می نمود... (۱)

آنچه بیان شد گوشه ای

ص: ۱۱۰

بود از دفاع فاطمه زهرا علیهاالسلام از ولایت و رهبری علی بن ابی طالب علیه السلام، اما سخن در این باره فراوان است و درد دل بسیار که خود به آن ها آگاهترید .

حال سؤال ما این است اگر مولا در فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله در ماجرای غدیر خم به معنای دوستی و محبت بود و نه به معنای ولایت و خلافت و سرپرستی امت، چرا فاطمه علیهاالسلام به ماجرای غدیر استدلال کرده و چرا خود را به این همه دردسر و مشقت انداخته و تا سر حد جان از حریم ولایت دفاع می کند . مگر ولایت به معنای دوستی آن همه مشکل آفرین بوده است؟ مگر امت اسلامی نمی دانستند که پیامبر صلی الله علیه و آله اهلیت را دوست داشته و مسلمانان را به این دوستی فرا می خوانده؟!

مگر قرآن مجید مردم را به محبت و دوستی اهل بیت پس از نزول آیه قل لا-ءسئلكم علیه-ءجرا الا-الموده فی القربی(۱) موظف نکرده بود؟

پس چه لزومی داشت که پیامبر صلی الله علیه و آله بار دیگر سه روز مردم را در آن بیابان سوزان نگه داشته و خطبه بخواند و مردم را برای دوستی اهل بیت فرا بخواند .

وانگهی آیه الیوم-ءکملت لکم دینکم و-ءتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا(۲) چه هدفی را دنبال می کرد و چه چیزی در روز غدیر کامل شد که پیش از این هنوز گفته نشده بود؟ آیا دوستی بود که قبلا آیه اش نازل گردیده بود؟!

هم

ص: ۱۱۱

۱- ۲۰۹- سوره شوری، آیه ۲۳.

۲- ۲۱۰- سوره مائده، آیه ۳.

چنین مگر مسلمانان در آن روز به علی علیه السلام تبریک نگفتند ، مگر در آن روز عمر نگفت :

بخ لك يابن ابي طالب اءصبحث مولای و مولی كل مسلم . (۱)

و اگر مولا- به معنای دوستی و محبت بود ، دیگر چه نیازی داشت که عمر بن الخطاب به او تبریک بگوید : خوشا به حال تو ای پسر ابو طالب که امروز مولای من و هر مسلمانی شدی .

آری این تبریک بخاطر سمت جدید علی علیه السلام بود که در روز غدیر خم توسط پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان خلیفه و جانشین آن حضرت اعلام شده بود . و فاطمه علیها السلام دقیقا از همین موضع جانانه دفاع کرده و بر آن ایستادگی نمود .

شهادت حضرت فاطمه

شهادت حضرت فاطمه

بدون شك فاطمه علیها السلام به مرگ خدایی از دنیا نرفته است ، چرا که قضایای حمله به خانه او ، و وارد آمدن آسیب های فراوان بر دست و پهلوی و سینه و جنین ، ادامه زندگی را بر او بسیار دشوار کرد .

و در این مدت کوتاه پیوسته از صدمات وارده رنج می برد ، و سرانجام در اثر همان آسیب ها به شهادت رسید . اینک جهت اثبات شهادت حضرت زهرا علیها السلام نگاهی به شواهد و دلائل موجود می پردازیم .

ناگفته نماند که از امام حسن علیها السلام مجتبی و امام صادق و امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند : ما منا الا مسموم اءو شهید (۲) و شك نیست که فاطمه علیها السلام جزو منا می باشند .

افزون بر این که روایات صریح و روشنی بر شهادت حضرت فاطمه داریم که

ص: ۱۱۲

۱- ۲۱۱- آیات الغدیر، ص ۲۶۲ به نقل از تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۲۹۰.

۲- ۲۱۲- حیاة الامام الحسن العسکری ، ص ۴۲۵.

معصومین روی این جهت تکیه کرده اند .

۱- پیامبر پیش از رحلت خود در یک پیشگویی به علی فرمود : پس فاطمه اولین کسی است که به من ملحق خواهد شد ، در حالی که حزن و اندوه او را فرا گرفته ، حق او را غصب کرده و وی را کشته اند بر من وارد خواهد شد . (۱)

۲- پس از شهادت فاطمه ، مدتی امیر مؤمنان از یاران فاصله گرفته و از خانه بیرون نرفت . برخی از یاران و دوستان علی علیه السلام که این وضعیت برای آن ها گران آمده بود از عمار یاسر خواستند تا به خانه علی رفته و از او بخواهد تا از دوستان فاصله نگیرد .

عمار برای رساندن پیام ، به خانه حضرت علی رفته و از وی خواست تا از خانه بیرون بیاید .

حضرت در پاسخ فرمود : بدان ای عمار ! این فقید و از دست رفته ، دختر رسول خدا دار فانی را وداع گفت در حالی که مظلوم بود و حق او غصب شده و شهید از دنیا رفت . سپس از جای برخاسته در حالی که اشک از چشمانش سرازیر بود خانه را ترک گفت ... (۲)

۳- سلیم بن قیس از علی نقل کرده وقتی که ابوبکر به قنفذ پیام فرستاد که اگر فاطمه مانع شد او را بزن پس او را برای آن که دست از علی بردارد به طرف دسته درب خانه اش فشار داده و یک دنده از پهلویش را شکست و جنین او را سقط کرد ، و پس از آن ماجرا در بستر بیماری بود تا این

ص: ۱۱۳

۱- ۲۱۳- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۳، بشاره المصطفی، ص ۱۹۹، اءمالی الصدوق، ص ۱۰۱.

۲- ۲۱۴- الكوكب الدری، ص ۲۵۰.

که در اثر همان صدمات ، شهید از دنیا رفت . (۱)

۴- امام حسین علیه السلام از محمد بن عمار بن یاسر از پدرش عمار حدیثی نقل کرده و در پایان همان حدیث ، عمار ضمن باز گو کردن ماجرای پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و هجوم به خانه فاطمه می گوید : وقتی که پیامبر به لقاء الله شتافت ، و گذشت آنچه که گذشت به هنگام ورود به خانه فاطمه و بیرون آوردن پسر عموی او ، از دست آن مرد به فاطمه آنچنان آسیب رسید که فرزند خود را سقط کرد و همان جریان باعث بیماری و وفات وی بود . (۲)

۵- همچنین از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود : علت وفات فاطمه علیها السلام این بود که قنفذ غلام عمر به دستور وی با غلاف شمشیر به دختر پیامبر صلی الله علیه و آله زد که در اثر همان زدن محسن سقط گردید و در پی این سقط جنین سخت بیمار گشت . . . (۳)

۶- علی بن جعفر از برادر خود امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل کرده که فرمود : ان فاطمه علیها السلام صدیقه شهیده . (۴) و بزرگان ما همانند شیخ مفید و دیگران بر این عقیده هستند که وی شهید از دار دنیا رفته است . وی در کتاب فقهی خود به نام المقنعه در زیارت حضرت فاطمه علیها السلام چنین آورده است : هرگاه به مدینه رفتی . . . به روضه داخل شو و آن جا بایست و فاطمه علیها السلام را زیارت کن که او همان جا دفن گردیده ، پس هرگاه خواستی او را زیارت کنی

ص: ۱۱۴

۱- ۲۱۵- احتجاج طبرسی ، ج ۱ ، ص ۱۰۸ .

۲- ۲۱۶- دلائل الامامه ، ص ۲۶ .

۳- ۲۱۷- همان ، ص ۴۵ .

۴- ۲۱۸- الکافی ، ج ۱ ، ص ۴۵۸ .

به سوی قبله بایست و بگو... :

السلام عليك يا رسول الله صلى الله عليه وآله ، السلام عليك و على بتك الصديقه الطاهره ، السلام عليك يا فاطمه عليهاالسلام بنت رسول الله صلى الله عليه وآله ، السلام عليك ايها البتول الشهيده الطاهره ، لعن الله من ظلمك و منعك حقك و دفعك عن ارتكك و لعن الله من كذبك . (۱)

و علامه مجلسی در مرآه العقول ذیل روایت کلینی در کافی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام که فرمود : ان فاطمه صديقه شهیده می فرماید : و این خبر دلالت دارد که فاطمه عليهاالسلام شهید شده است و این مسئله از متواترات است . . . (۲)

سال روز شهادت

و اما سال روز رحلت جانگداز فاطمه عليهاالسلام اگر چه در بین مورخین اختلاف نظر هست به گونه ای که برخی اقوال را به هجده نظر رسانده اند . (۳)

اما مختار از بین این گفته ها فقط دو قول است و نظر بزرگان نیز بر همین دو گفته استوار است .

قول اول هفتاد و پنج روز پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در نظر گرفته شده و برگرفته از روایتی است که به نظر علامه مجلسی صحیح است از امام محمد باقر نقل شده ؛ فرمود : وی هفتاد و پنج روز پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله بزرگوار از دنیا رفته است . (۴)

قول دوم نود و پنج روز است ، چنان چه مرحوم اربلی از امام محمد باقر علیه السلام همین قول را نقل کرده (۵) و ابو الفرج اصفهانی نیز از امام محمد

ص: ۱۱۵

۱- ۲۱۹- المقنعه ، ص ۷۱.

۲- ۲۲۰- مرآه العقول ، ج ۵، ص ۳۱۸.

۳- ۲۲۱- رجوع شود به وفات الصديقه الزهراء، ص ۱۱۴.

۴- ۲۲۲- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۱۵.

۵- ۲۲۳- كشف الغمه ، ج ، ص ، بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۱۸۹.

باقر علیه السلام گذشت سه ماه را از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده (۱) که قول پیامبر صلی الله علیه و آله را تاءید می کند .

در این جا علامه مجلسی ضمن صحیح خواندن روایت هفتاد و پنج روز فرموده : تطبیق دادن بین ولادت و وفات و عمر شریف فاطمه علیها السلام کار بسیار دشواری است ؛ زیرا اگر رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در روز ۲۸ صفر باشد باید وفات فاطمه در اواسط جمادی الاولی باشد و اگر به گفته اهل تسنن در دوازدهم ربیع الاول پیامبر صلی الله علیه و آله وفات نموده باشد ، می بایست وفات آن حضرت و در اواخر جمادی الاولی صورت پذیرفته باشد و آن چه که ابو الفرج اصفهانی نقل کرده که فاطمه علیها السلام سه ماه پس از پدرش زنده ماند ؛ ممکن است با قول مشهور که حضرت در سوم جمادی الثانی از دنیا رفته است ، منطبق شود ، و خبر ابو بصیر از امام صادق بر همین قول است ، البته اگر بگوییم که روزهای زیادی را امام بخاطر ناچیز بودنش ذکر نفرموده است . (۲)

و شیخ مفید در تاءید نظر دوم می فرماید روز سوم جمادی الثانی سال یازدهم هجرت سال روز رحلت حضرت فاطمه علیها السلام زهرا می باشد و این همان روزی است که در همه سال غم و اندوه مؤمنین تجدید می شود . (۳)

این بود خلاصه ای از زندگی پاره تن مصطفی و همسر علی مرتضی که به طور اشاره و گذرا تقدیم خوانندگان شد ؛ امید است خوانندگان عزیز ما را از کم و کاستی ها و یا ناهماهنگی های موجود در این چکیده عفو فرموده و اگر بر نکته ای دست یافتند ، ما را بهر مند سازند .

والله الموفق و المعین

پایان کتاب

ص: ۱۱۶

۱- ۲۲۴- مقاتل الطالبیین ، ص ۳۱ ، فتح الباری ، ج ۷ ، ص ۳۹۷ ، تهذیب التهذیب ، ج ۱۲ ، ص ۴۶۹ .

۲- ۲۲۵- بحار الانوار ، ج ۴۳ ، ص ۲۱۵ .

۳- ۲۲۶- مسار الشیعه ، ص ۶۶ ، مصباح کفعمی ، ص ۵۱۱ .

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

